

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری و منافع اجتماعی «نشریه علمی»

سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۲)، پاییز ۱۴۰۰

فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

سردبیر: غلامرضا کردستانی، استاد دانشگاه امام خمینی

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهرا (س)

هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

مدیر اجرایی: اعظم پاک خصال

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: ماندانا طاهری

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهرا (س) دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jaacsi@alzahra.ac.ir

وبگاه: jaacsi.alzahra.ac.ir

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸، عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. صفحه اول پژوهش: عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. صفحه دوم تا انتهای پژوهش: این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که: نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه و ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها ست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

معادل انگلیسی	عناوین
BSc.	کارشناس
MSc. Student	دانشجوی کارشناسی ارشد
MSc.	کارشناسی ارشد
Ph. D. Student	دانشجوی دکترا
Ph. D.	دکترا
Assistant Prof.	استادیار
Associate Prof.	دانشیار
Prof.	استاد

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.



فهرست مطالب

- اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه در شرکت‌ها ۱
محمدعلی آقایی، علی فاطری و ثریا ویسی حصار
- اثر حسابداری داخلی و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی: مطالعه موردی وزارت اقتصاد و امور دارایی ۳۱
پریسا سادات بهبهانی نیا، سودابه غلام نژاد
- تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ... ۴۹
عبدالرسول رحمانیان کوشککی، زهرا ایمان روی
- رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۶۹
دکتر رضا جامعی، سیامک رنجوری و نیلوفر محمدی کلاره
- بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرس ۸۹
محمدمیردریکوندی، مسعود طاهری نیا
- بررسی اثر تعدیلی جنسیت حسابرس بر رابطه بین کیفیت حسابداری و حق‌الزحمه حسابرسی ۱۰۷
زهرا گزندل، کیهان آزادی



اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه در شرکت‌ها^۱

محمدعلی آقایی^۲، علی فاطری^۳، ثریا ویسی حصار^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تصمیمات ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از معیارهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل، مدت تصدی مدیرعامل و درصد مالکیت مدیرعامل استفاده شده است. همچنین، از معیارهای اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار، اهرم کوتاه‌مدت و اهرم بلندمدت، به‌عنوان نماینده ساختار سرمایه بهره گرفته شده است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نمونه آماری متشکل از ۱۰۶ شرکت طی دوره ۸ ساله از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۷ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معنادار و بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، رابطه بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ضعیف‌تر است. در نهایت، اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت، معکوس و معنادار است.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، ساختار سرمایه، روابط سیاسی با دولت

طبقه بندی موضوعی: H63, G34

DOI: 10.22051/JAASCI.2021.31590.1592

۲. دانشیار حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (aghaeim@modares.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، ایران، نویسنده مسئول. (Ali.fateri@ut.ac.ir)

۴. کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران، (soraiaweysihesar@yahoo.com)

مقدمه

اولین پرسشی که در زمینه تأمین مالی شرکت‌های سهامی به ذهن می‌رسد این است که این شرکت‌ها چگونه تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه را اتخاذ می‌کنند؟ طبق نظریه توازن، اهرم مالی بهینه باید بر اساس توازن بین منافع و هزینه‌های بدهی انتخاب شود. از مزایای بدهی می‌توان به صرفه‌جویی مالیاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی و از معایب آن می‌توان به هزینه‌های ورشکستگی یا هزینه‌های بحران مالی و تعارضات نمایندگی بین سهامداران و اعتباردهندگان، نام برد (گراهام و لیری، ۲۰۱۱). نظریه اولویت‌بندی مایرز و ماجلوف (۱۹۸۴) بیان می‌کند که شرکت‌ها از یک سلسله مراتب تأمین مالی تبعیت می‌کنند که به منظور به حداقل رساندن هزینه‌های انتخاب نادرست انتشار اوراق بهادار طراحی شده است (گراهام و لیری، ۲۰۱۱).

عوامل تعیین‌کننده ساختار سرمایه شرکت به میزان وسیعی در ادبیات پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است که در این بین، اکثریت شواهد موجود نشان می‌دهد ساختار سرمایه شرکت نه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های شرکت، صنعت و سطح بازار است، بلکه از صفات و ویژگی‌های شخصی مدیران ارشد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. آدامز و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که در بعضی از شرکت‌ها مدیرعامل همه تصمیمات عمده را اتخاذ می‌کند، در حالی که در دیگر شرکت‌ها تصمیمات به وضوح حاصل توافق بین مدیران ارشد اجرایی است که این مسأله توزیع قدرت تصمیم‌گیری در شرکت را به همراه دارد.

پژوهش‌های اخیر به‌طور خاص به این مسأله پرداخته‌اند که چطور قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه را شکل می‌دهد (جیراپورن و همکاران، ۲۰۱۲؛ چیتراکارن و همکاران، ۲۰۱۴). با این حال، پژوهش‌های تجربی در خصوص این موضوع هنوز کم بوده و نتایج یکسان و پایداری در زمینه ارتباط بین قدرت مدیرعامل و اهرم شرکت وجود ندارد. علاوه بر این، روابط سیاسی شرکت با دولت می‌تواند بر تصمیمات استراتژیک شرکت مانند رویه‌های تأمین مالی، تأثیر با اهمیتی داشته باشد. برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت‌ها و دولت معمولاً همراه با کسب مزیت رقابتی صورت می‌گیرد.

هدف برخی از مدیران شرکت‌ها از برقراری ارتباط، رفع محدودیت‌های مالی با کمترین هزینه است (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجا که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، محدودیت‌های کمتری در دریافت بودجه و حساسیت کمتری نسبت به رقبا دارند، فشار بازار بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی کمتر است. در نتیجه ریسک بازار برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی (به ویژه در دوره رکود اقتصادی)، پایین تر است. بنابراین، ارتباطات سیاسی، محرک هزینه سرمایه پایین تر برای این شرکت‌ها است، زیرا کوواریانس پایین تری بین جریان‌های نقدی آنها و پیامدهای بازار وجود دارد (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین، انتظار می‌رود روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه، اثر تعدیل کننده داشته باشد.

با توجه به موضوعات مطرح شده، این پژوهش به نقش قدرت مدیرعامل بر تصمیمات ساختار سرمایه شرکت‌ها و همچنین اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط مذکور پرداخته است. ضرورت انجام این پژوهش از چند بعد حائز اهمیت است: اول، قدرت مدیرعامل و تأثیر آن بر تصمیمات مالی و عوامل بالقوه‌ای که ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه را تعدیل می‌کنند، موضوع جدیدی است که کمتر در پژوهش‌های داخلی و خارجی به آن پرداخته شده است که در این پژوهش این موضوع به اشکال مختلف بررسی می‌شود. دوم اینکه، ساختار سرمایه شرکت‌ها برای کلیه ذینفعان شرکت به خصوص سهامداران بالفعل و بالقوه همیشه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و می‌تواند به عنوان عامل مؤثری در انتخاب سرمایه‌گذاری مطلوب مورد استفاده قرار گیرد. ضمن اینکه این مقوله در تداوم فعالیت شرکت‌ها، ارزش آنها و به تبع در موفقیت و شکست آنها در محیط پیچیده امروزی اهمیت فزاینده‌ای دارد. سوم، نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با قدرت مدیرعامل و تصمیمات ساختار سرمایه گردد و ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های بعدی در خصوص موضوع پژوهش پیشنهاد نماید. شایان ذکر است که تأثیر بالقوه روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تصمیمات ساختار سرمایه، موضوعی بسیار با اهمیت است که نمونه آن در داخل کشور تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است. بنابراین، بررسی این موضوع از نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو است.

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های مورد آزمون و روش‌های به کار گرفته شده جهت آزمون فرضیه‌ها، ارائه شده است. در پایان نیز پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه

اولین نظریه ساختار سرمایه را می‌توان در سال ۱۹۵۸ دنبال کرد، وقتی مودیلیانی و میلر معتقد بودند ساختار سرمایه بر اساس فرضیه بازارهای سرمایه کامل غیرمرتبط است. از آن پس نظریه‌های متفاوتی برای توضیح اثر با اهمیت نقائص و اصطکاک‌های بازار در تصمیم‌گیری چینش ساختار سرمایه شرکت، توسعه یافته است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه نمایندگی است (جیراپورن و همکاران، ۲۰۱۲). محور اصلی نظریه نمایندگی این است که ساختار سرمایه به واسطه هزینه‌های نمایندگی تعیین می‌شود که ناشی از تنظیم ناقص منافع بین دو طرف، در یک شرکت است؛ به‌عنوان مثال، مدیران اجرایی مثل مدیرعامل ممکن است ساختار سرمایه بهینه را که منافع سهامداران را به حداکثر برساند، اتخاذ نکند و در عوض ساختار سرمایه‌ای را انتخاب کند که منافع خود را تأمین کند.

به لحاظ نظری، این مسأله که هزینه‌های نمایندگی می‌تواند منجر به اهرم خیلی بالا یا خیلی پایین شود، غیرقطعی است (چیتراکارن و همکاران، ۲۰۱۴). از یک سو، شرکت‌ها ممکن است اهرم بالایی را به واسطه ادعاهای تثبیت‌شده‌ای مثل بدهی اتخاذ نمایند که به‌عنوان یک اصل نظارتی، جایگزینی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی با کاهش دسترسی‌پذیری جریان وجوه نقد آزاد برای مدیران اجرایی، باشد (مهران و همکاران، ۱۹۹۹). به علاوه، با افزایش سطح نسبت بدهی، مبنا یا پایه حق مالکیت می‌تواند متراکم شود و افزایش درصد مالکیت توسط مدیران اجرایی را به دنبال داشته باشد (جیراپورن و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه، تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران می‌تواند کاهش یابد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در مقابل، مدیران اجرایی می‌توانند اهرم کمی را برای دستیابی به منافع خود مثل حفظ فرصت‌طلبی مدیریتی و استفاده آزادانه از جریان وجوه نقد دنبال کنند. چنین

مباحث و موضوعات متناقضی این فرضیه را به دنبال دارد که قدرت مدیرعامل نقش مهمی در تأثیرگذاری بر ساختار سرمایه ایفا کرده و می‌تواند هم ارتباط منفی و هم مثبت با اهرم شرکت داشته باشد. به عبارت دیگر، شرکت‌ها با مدیرعامل‌های کم‌قدرت‌تر، به استفاده از مقادیر بالایی بدهی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی، گرایش دارند و در مقابل، وقتی مدیرعامل در شرکت قدرت بالاتری دارد، احتمال بیشتری دارد که اهرم شرکت را به منظور دنبال کردن منافع خود، مورد اعمال نفوذ قرار دهد. در این مورد، مدیرعامل تمایل به سطح پایین‌تری از بدهی برای اجتناب از نقش نظم‌دهی آن دارد.

در راستای این فرضیه مطالعات اخیر بر رابطه احتمالی بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه متمرکز شده‌اند. با این وجود، پژوهش‌ها در این زمینه کم بوده و اغلب مطالعات در کشورهای غربی صورت گرفته است. برای مثال، چیتراکارن و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های غیرمالی امریکا یک رابطه منحنی شکل بین قدرت مدیرعامل و اهرم پیدا کردند. به طوری که در درجات پایین‌تر قدرت مدیرعامل، رابطه مثبت و معنادار و در درجات بالاتر قدرت مدیرعامل، منفی و معنادار بود. لی و همکاران (۲۰۱۷)، یک رابطه غیرخطی قوی بین قدرت مدیرعامل و اهرم نشان دادند. به علاوه، نتایج آنها نشان داد که تأثیر سلب مالکیت قدرت مدیرعامل بر اهرم بازار شرکت در شرکت‌های با مالکیت دولتی شدیدتر است. این در حالی است که تأثیر سلب مالکیت قدرت مدیرعامل بر اهرم دفتری شرکت در شرکت‌های با مالکیت دولتی، ضعیف‌تر است. نتایج چاوو و همکاران (۲۰۱۷) بیانگر این است که در شرکت‌های با سطح پایین قدرت مدیرعامل، قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت قوی بر ساختار سرمایه دارد، اما در شرکت‌های با سطح بالای قدرت مدیرعامل، قدرت مدیرعامل تأثیر منفی بر ساختار سرمایه دارد. خواجوی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری و اهرم کوتاه‌مدت، رابطه غیرخطی معناداری وجود ندارد. همچنین، بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش بازار رابطه غیرخطی (U معکوس) معنادار و بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت رابطه خطی (مثبت) معناداری وجود دارد. علاوه بر این، در شرکت‌های بزرگ، بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت رابطه غیرخطی (U شکل) معنادار و بین قدرت مدیرعامل و

اهرم بلندمدت رابطه غیرخطی (U معکوس) معناداری، وجود دارد. نتایج پژوهش آقایی و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان داده است که بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه مدت، رابطه مثبت و معنادار و بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، سهامداران نهادی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش بازار، اثر تعدیل کننده معکوس دارند. رهنمای رودپشتی و زندی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که افزایش قدرت مدیرعامل باعث کاهش بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌ها خواهد شد. تامرادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی نشان دادند که قدرت مدیرعامل بر سیاست تأمین مالی، تأثیر آستانه‌ای دارد و در شرکت‌ها با قدرت مدیریت پایین، قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت بر ساختار بدهی دارد، اما در شرکت با قدرت مدیریت بالا، قدرت مدیرعامل تأثیر منفی بر ساختار بدهی دارد. بنابراین، می‌توان بیان کرد قدرت مدیرعامل بر سیاست بدهی یک تأثیر غیرخطی آستانه‌ای (U شکل معکوس) دارد. نتایج حجازی و یوسفی (۱۳۹۷) نیز نشان می‌دهد که رابطه غیرخطی بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری از نظر آماری معنادار نیست. در مقابل، رابطه غیرخطی بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش بازار تأیید می‌شود.

تأثیر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه

در سال‌های اخیر، موضوع روابط سیاسی شرکت‌ها با دولت و پیامدهای آن در کانون توجه جامعه جهانی و متفکران حسابداری و مدیریت قرار گرفته است. حضور و نفوذ صاحب منصبان دولتی در ارکان اداره شرکت‌ها، موضوعی است که می‌تواند با توجه به وجود شواهد تجربی به‌عنوان امری بدیهی قلمداد شود. با این حال، ارتباطات سیاسی می‌تواند از راه‌های مختلف بین شرکت‌ها و دولت ایجاد شود؛ از جمله، از طریق ساختار مالکیت، حضور در ترکیب هیأت مدیره، تولید محصولات خاص و ارتباطات شبکه‌ای. صرف نظر از روش برقراری ارتباط میان شرکت‌ها و دولت، آنچه اهمیت بیشتری دارد پیامدهای این نوع از ارتباطات برای شرکت‌ها است. روابط سیاسی، عملکرد شرکت را از طریق کانال‌های مختلفی همچون تسهیل دسترسی به وام‌های بانکی و مواد اولیه، مقررات آسان و پرداخت مالیات سبک‌تر، بهبود می‌بخشد (لی و وانگ، ۲۰۱۷). با این وجود، همان‌طور که بسیاری از محققان بیان کرده‌اند، ارتباطات سیاسی بر روابط شرکت تأثیر منفی

می‌گذارد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ دینگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ وانگ، ۲۰۱۵). چانی و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که به دلیل حمایت دولت از ارتباطات سیاسی، در شرکت‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه، کیفیت اطلاعات در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از سایر شرکت‌ها است، زیرا شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت، به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می‌کنند (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳).

برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت‌ها و دولت معمولاً همراه با کسب مزیت رقابتی صورت می‌گیرد. هدف برخی از مدیران شرکت‌ها از برقراری ارتباط، رفع محدودیت‌های مالی با کمترین هزینه می‌باشد (بویاکری و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند، می‌توان بیان نمود که وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند تصمیمات اعتباردهندگان را تحت الشعاع قرار دهد.

پژوهش‌ها نشان داده شده است که ارتباط هدف‌دار در منافع بین سیاستمداران و شرکت، به ارزش شرکت‌های وابسته سیاسی می‌افزاید (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). علاوه بر آن، شرکت‌ها با وابستگی سیاسی از شرایط ترجیحی در اعطای وام‌ها از بانک‌های دولتی (چارومیلیند و همکاران، ۲۰۰۶؛ دینگ، ۲۰۰۵؛ ساینزا، ۲۰۰۴)، شرایط نظارتی مطلوب (آگراوال و کنوبر، ۲۰۰۱)، افزایش دسترسی به مجوزهای واردات در شرایط مطلوب‌تر (خواجا و میان، ۲۰۰۵؛ مبارک و پوربصری، ۲۰۰۶)، نرخ‌های پایین‌تر مالیات (فاسیو، ۲۰۱۰)، تعرفه‌های وارداتی کمتر (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۹) و سهم بیشتر بازار (فاسیو، ۲۰۱۰) بهره‌مند هستند. مجموعه این مطالعات نشان داده است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، محدودیت‌های کمتری در دریافت بودجه و حساسیت کمتری نسبت به رقبا دارند. همچنین، فشار بازار بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی کمتر است. در نتیجه، ریسک بازار برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی (به ویژه در دوره رکود اقتصادی)، پایین‌تر است. بنابراین، هزینه سرمایه پایین‌تری را متحمل می‌شوند. در مقابل، شواهدی نیز نشان داده است که فعالیت‌های منفعت‌طلبانه سیاستمداران (برتراند و همکاران، ۲۰۰۷)، مسأله عدم تقارن اطلاعاتی (چن و همکاران، ۲۰۱۰) و سلب مالکیت بالقوه سهامداران (گوئدهامی و پیتمن، ۲۰۰۶؛ ایقول و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیان و همکاران، ۲۰۱۱)، ممکن است ریسک سیستماتیک و هزینه سرمایه شرکت‌های دارای ارتباطات

سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد (بویاکری و همکاران، ۲۰۱۲) و سهامداران و اعتباردهندگان برای سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها نرخ بازده و نرخ بهره بالاتری را تقاضا نمایند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به مباحث فوق، انتظار می‌رود روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه اثر تعدیل‌کننده داشته باشد (لی و همکاران، ۲۰۱۷).

فراسر و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به‌طور عمده اهرم مالی بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. چانی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان دادند که اگرچه کیفیت سود گزارش شده در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از سایر شرکت‌ها است، اما آنها توسط بازار جریمه نمی‌شوند، زیرا هزینه بدهی پایین‌تری در مقایسه با شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی داشتند. شواهد بویاکری و همکاران (۲۰۱۲) بیانگر این است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، هزینه سهام عادی پایین‌تری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. بلیس و گول (۲۰۱۲) معتقدند از دید هر دو بازار سرمایه و شرکت‌های حسابرسی، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ریسک بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. شواهد آنها نشان داد که این شرکت‌ها به‌طور عمده، هزینه بدهی بالاتر، گزارشگری زیان بیشتر، حقوق صاحبان سهام منفی بیشتری و در نهایت، بیشتر توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی شده‌اند. بلیس و گول (۲۰۱۲) در پژوهشی دیگر به مقایسه ساختار سرمایه در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و غیرسیاسی پرداختند. شواهد آنها نشان داد که اهرم مالی با ارتباطات سیاسی، اندازه شرکت، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معنادار و با بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش صالحی‌نیا و تامرادی (۱۳۹۸) بیان می‌کند ارتباطات سیاسی بر نسبت بدهی‌های کوتاه‌مدت، نسبت بدهی‌های بلندمدت، نسبت مجموع بدهی‌ها و هزینه بدهی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، ارتباطات سیاسی بر رتبه اعتباری شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. نتایج معطوفی و مهرپرور (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهد بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رضایی و افروزی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اسعدی و عباس‌زاده (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه شرکت‌های وابسته و مستقل از دولت در

بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که مالکیت دولتی شرکت‌ها می‌تواند تأثیر معناداری بر متغیرهای تعیین‌کننده ساختار سرمایه داشته باشد و در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نظریه سلسله مراتبی (ترجیحی) منابع مالی مورد تأیید قرار می‌گیرد. خواجه‌وی و حسینی (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه بین حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میان ساختار سرمایه و حمایت سیاسی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده در قسمت‌های قبل، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه اثر تعدیل‌کننده دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع پژوهش کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس فعال بوده‌اند، تشکیل شده است. در انتخاب شرکت‌ها شرایط زیر در نظر گرفته شده است: قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛ نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی بوده و لذا جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (به دلیل تفاوت در ماهیت و نوع فعالیت) نباشد؛ به منظور همگن‌سازی جامعه آماری، شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند؛ با هدف کنترل اثر زمانی و به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد؛ اطلاعات لازم برای اجرای پژوهش در دسترس باشد. بر این اساس، تعداد ۱۰۶ شرکت که حائز شرایط فوق بودند، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش الگوی (۱) به شرح ذیل برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{LEVERAGE}_{it} = & \alpha_i + \beta_1 \text{POWER(PINDX)}_{it} + \Phi_1 \text{SIZE}_{it} \\ & + \Phi_2 \text{TANG}_{it} + \Phi_3 \text{PROF}_{it} + \Phi_4 \text{RISK}_{it} \\ & + \Phi_5 \text{GROWTH}_{it} + \Phi_6 \text{BCOPN}_{it} \\ & + \Phi_7 \text{BSIZE}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (\text{الگوی ۱})$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش الگوی (۲) به شرح ذیل برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{LEVERAGE}_{it} = & \alpha_i + \beta_1 \text{POWER(PINDX)}_{it} + \beta_2 \text{SOE}_{it} \\ & + \beta_3 \text{SOE}_{it} \times \text{POWER(PINDX)}_{it} \\ & + \Phi_1 \text{SIZE}_{it} + \Phi_2 \text{TANG}_{it} + \Phi_3 \text{PROF}_{it} \\ & + \Phi_4 \text{RISK}_{it} + \Phi_5 \text{GROWTH}_{it} \\ & + \Phi_6 \text{BCOPN}_{it} + \Phi_7 \text{BSIZE}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (\text{الگوی ۲})$$

معرفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته

ساختار سرمایه (LEVERAGE) که شامل چهار معیار (۱) اهرم مبتنی بر ارزش دفتری (BLVE): نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها (برگر و همکاران، ۱۹۹۷؛ جیراپورن و همکاران، ۲۰۱۲)، (۲) اهرم مبتنی بر ارزش بازار (MLVE): نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به مجموع ارزش دفتری کل بدهی‌ها و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (برگر و همکاران، ۱۹۹۷؛ جیراپورن و همکاران، ۲۰۱۲)، (۳) نسبت اهرم کوتاه‌مدت (STDTA): نسبت ارزش دفتری بدهی‌های کوتاه‌مدت به ارزش دفتری کل دارایی‌ها (یوان وین وو، ۲۰۱۶)، (۴) نسبت اهرم بلندمدت (LTDTA): نسبت ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت به ارزش دفتری کل دارایی‌ها (یوان وین وو، ۲۰۱۶).

متغیرهای مستقل

قدرت مدیرعامل (POWER): به پیروی از مطالعات تینگ (۲۰۱۳) و لو (۲۰۱۵)، قدرت مدیرعامل با استفاده از معیارهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل، مدت تصدی مدیرعامل و درصد مالکیت مدیرعامل اندازه‌گیری می‌شود.

بدین ترتیب که شاخص قدرت مدیرعامل از جمع کردن سه متغیر مجازی از صفر تا ۳ (= کمترین تا ۳= بالاترین) به دست می آید. مقدار متوسط (میانه) شاخص قدرت مدیرعامل در این حالت برابر با ۲ است. اگر مقدار شاخص قدرت مدیرعامل برابر یا بزرگتر از ۲ باشد، ارزش یک می گیرد و به این معنی است که مدیرعامل قدرتمند است.

قدرت مدیرعامل (PINDX): مطابق روش وپراسکیت و آدامز (۲۰۱۳) ولی و همکاران (۲۰۱۷)، قدرت مدیرعامل با استفاده از رویکرد تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) سنجیده شده است. اولین عامل استفاده از PCA گسسته از متغیرهای مربوط به قدرت مدیرعامل: دوگانگی وظیفه مدیرعامل، مدت تصدی مدیرعامل و درصد مالکیت مدیرعامل، به عنوان نماینده قدرت مدیرعامل در نظر گرفته شده است.

تحلیل مؤلفه‌های اصلی یکی از انواع روش‌های تحلیل داده‌های چندمتغیره است که هدف اصلی آن تقلیل بعد مسأله مورد مطالعه است. با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی می توان تعداد زیادی متغیر توضیحی (متغیر مستقل) همبسته را با تعداد محدودی متغیر توضیحی جدید که مؤلفه‌های اصلی نامیده می شوند و ناهمبسته اند، جایگزین نمود. به این ترتیب نه تنها بعد مسأله تقلیل می یابد، بلکه مسأله چند هم خطی نیز پیش نمی آید.

در این روش، وزن عوامل در تعیین شاخص قدرت مدیرعامل مبتنی بر فرایند آماری تعیین می شود و از اختصاص وزن‌های انتخابی مساوی یا دلخواه پرهیز می شود. با این حال، کاربرد PCA استاندارد برای تفکیک متغیرها، می تواند باعث سوگیری تخمین ها شود (کولینیکوو و آنجلس، ۲۰۰۴)، زیرا رویکرد PCA استاندارد برای داده‌های گسسته مانند متغیرهای مجازی و ... قابل اجرا نیست. برای این منظور از رویکرد PCA گسسته که توسط کولینیکوو و آنجلس (۲۰۰۴) پیشنهاد شده است، استفاده شد.

دوگانگی وظیفه مدیرعامل: یک متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره یک شخص باشند ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر لحاظ شده است. با توجه به اینکه در ایران در بسیاری از شرکت‌ها، مدیرعامل در سمت نایب رئیس هیأت مدیره فعالیت می کند و در چنین شرکت‌هایی اغلب رئیس هیأت مدیره غیرموظف می باشد، بنابراین وجود (یا عدم وجود) مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره به عنوان دوگانگی وظیفه مدیرعامل در نظر گرفته شده است (اسماعیل زاده مفری و همکاران، ۱۳۸۹؛ دستگیر و هنرمند، ۱۳۹۳؛ عباسی و کلاتری، ۱۳۹۳؛ پورحیدری و فروغی، ۱۳۹۸؛ رحیمی و فروغی، ۱۳۹۸).

درصد مالکیت مدیرعامل: یک متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل مالک یا نماینده (سرلک و کلوانی، ۱۳۹۴؛ طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۷) بیش از ده درصد سهام شرکت باشد ارزش یک و در غیراینصورت ارزش صفر لحاظ شده است (لو، ۲۰۱۵؛ روئان و همکاران، ۲۰۱۱؛ توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل، ۱۳۹۷؛ اخگر و زاهد دوست، ۱۳۹۷).

دوره تصدی مدیرعامل: برابر با تعداد سال‌های تصدی مدیرعامل در یک شرکت است (وپراسکیت و آدامز، ۲۰۱۳؛ لی و همکاران، ۲۰۱۷).

متغیر تعدیل گر

روابط سیاسی با دولت (SOE): حمایت سیاسی دولت دارای سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فردی است. بعد اقتصادی آن عبارت است از درصد مالکیت مستقیم دولت از سرمایه‌های شرکت؛ بعد اجتماعی آن سرمایه‌گذاری نهادهای وابسته به دولت در سرمایه شرکت‌هاست که بیانگر حمایت نهادی دولت است (خواجوی و حسینی، ۱۳۸۹). در این پژوهش برای سنجش میزان روابط سیاسی دولت از این دو بعد استفاده شده است. جهت تعیین حداقل درصد مالکیت ممکن که بتواند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سیاست‌های مالی و عملیاتی یک واحد تجاری، اثرگذار باشد، تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۰، از "نفوذ قابل ملاحظه" مدنظر قرار گرفته شده است. بر اساس استاندارد مذکور، اگر واحد سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحد تجاری فرعی) حداقل ۲۰ درصد از حق رأی واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود که از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، مگر اینکه نبود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). بنابراین، تعریف عملیاتی متغیر ارتباطات سیاسی دولت به‌صورت زیر است: درصد مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم دولت و نهادهای دولتی، در صورتی که در شرکت بیش از ۲۰٪ باشد، مقدار این متغیر برابر یک و در غیراینصورت، صفر در نظر گرفته می‌شود. از این معیار در پژوهش‌های صالحی‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)، نظری‌پور و مقصودپور (۱۳۹۹)، پارسا و همکاران (۱۳۹۹)، جنت مکان و همکاران (۱۳۹۸)، صالحی‌نیا و تامرادی (۱۳۹۸)، رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷)، مهریان‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲)، حبیب و محمدی (۲۰۱۸)، تی (۲۰۱۸)، احسان و همکاران (۲۰۱۷) و حبیب و همکاران (۲۰۱۷) نیز بهره گرفته شده است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها

نسبت دارایی‌های مشهود (TANG): نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها

سودآوری (PROF): نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها

ریسک (RISK): بر مبنای فرمول Z-Score آلتمن (پژوهش آلتمن و همکاران، ۲۰۰۷) به دست می‌آید.

$$Z = 0/517 - 0/460X_1 + 9/320X_2 + 0/388X_3 + 1/158X_4$$

X_1 : نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

X_2 : نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها

X_3 : نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

X_4 : نسبت سود باقیمانده به کل دارایی‌ها

فرصت‌های رشد شرکت (GROWTH): نسبت مجموع ارزش دفتری کل بدهی‌ها بعلاوه ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل دارایی‌ها

موقعیت هیأت مدیره (BCOPN): نسبت تعداد مدیران مستقل (غیرموظف) هیأت مدیره به کل تعداد اعضای هیأت مدیره

اندازه هیأت مدیره (BSIZE): کل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه گردید و در جدول ۱ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارائه می‌شود.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اهرم دفتری	۰/۵۸۵	۰/۶۰۴	۰/۹۳۸	۰/۰۹۰	۰/۱۷۵
اهرم بازار	۰/۴۴۱	۰/۴۳۶	۰/۹۲۱	۰/۰۲۸	۰/۲۰۵
اهرم کوتاه مدت	۰/۵۱۸	۰/۵۳۲	۰/۹۳۵	۰/۰۶۷	۰/۱۷۴
اهرم بلندمدت	۰/۰۶۷	۰/۰۴۳	۰/۵۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۴
اندازه شرکت	۱۳/۸۸۵	۱۳/۷۵۱	۱۹/۰۶۶	۱۰/۰۳۱	۱/۴۴۸
دارایی‌های مشهود	۰/۲۳۵	۰/۱۸۸	۰/۸۳۹	۰/۰۰۴	۰/۱۷۴
سودآوری	۰/۱۴۸	۰/۱۲۷	۰/۶۷۱	-۰/۲۶۸	۰/۱۲۷
ریسک	۱/۴۲۰	۱/۲۰۶	۶/۵۰۸	-۲/۸۶۱	۱/۳۲۰
فرصت‌های رشد	۱/۵۷۰	۱/۳۵۷	۶/۱۲۴	۰/۶۲۳	۰/۷۱۴
موقعیت هیأت مدیره	۰/۶۷۱	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۸
اندازه هیأت مدیره	۵/۰۰۶	۵/۰۰۰	۷/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۱۱۴
قدرت مدیرعامل ۱	۰/۲۸۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۱
قدرت مدیرعامل ۲	-۰/۰۰۱	-۰/۳۹۰	۱/۹۱۲	-۱/۴۸۳	۰/۸۲۶
روابط سیاسی با دولت	۰/۷۰۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین اهرم مبتنی بر ارزش دفتری و اهرم مبتنی بر ارزش بازار به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۰/۵۸۵ و ۰/۴۴۱ است. همچنین، میانگین اهرم کوتاه‌مدت و اهرم بلندمدت به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۰/۵۱۸ و ۰/۰۶۷ است. به‌طور متوسط ۲۸٪ از مدیرعامل‌های شرکت‌های نمونه قدرتمند هستند.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با معیار اول قدرت مدیرعامل

قبل از برازش الگوهای پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تشخیصی F لیمر و آزمون هاسمن

الگو	نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
۱	F لیمر	۵/۶۹۰	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۵۰/۷۸۰	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۲	F لیمر	۷/۳۴۱	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۷۷/۹۸۳	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۳	F لیمر	۱۲/۳۰۸	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۴۳/۰۷۲	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۴	F لیمر	۱۰/۸۶۰	۰/۲۶۲	روش داده‌های ترکیبی معمولی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوها به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگو در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	اهرم دفتری		اهرم بازار		اهرم کوتاه‌مدت		اهرم بلندمدت	
	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۶۳۸	۰/۰۰۲	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	۰/۷۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰
قدرت مدیرعامل	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	۰/۶۷۴	۰/۰۰۶	۰/۱۴۳	-۰/۰۰۱	۰/۵۸۴
اندازه شرکت	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۳۵۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
دارایی‌های مشهود	-۰/۰۷۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۳	-۰/۲۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰۴
سودآوری	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰	۰/۰۹۳	۰/۰۷۵	۰/۰۳۱	۰/۴۶۳	-۰/۰۰۲	۰/۷۹۱
ریسک	-۰/۱۱۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۶
فرصت‌های رشد	۰/۰۱۹	۰/۰۱۵	-۰/۱۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۷۷۳	۰/۰۰۱	۰/۰۵۹
موقعیت هیأت مدیره	-۰/۰۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۸۸۱	-۰/۰۰۵	۰/۵۷۰	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۰
اندازه هیأت مدیره	-۰/۰۴۲	۰/۲۸۸	-۰/۰۰۲	۰/۹۶۸	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (تعدیل شده)	۰/۴۷۲ (۰/۴۶۳)		۰/۹۲۶ (۰/۹۱۵)		۰/۹۰۰ (۰/۸۸۵)		۰/۸۳۰ (۰/۸۰۳)	
آماره دوربین واتسون	۱/۵۲		۱/۵۲		۲/۳۵		۲/۲۰	
آماره F فیشر (سطح معناداری)	۴۹/۶۸۱ (۰/۰۰۰)		۸۱/۴۸۲ (۰/۰۰۰)		۵۸/۶۴۹ (۰/۰۰۰)		۳۱/۶۰۵ (۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار آماره دورین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی تأیید می‌شود. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F کمتر از ۵٪ است، بنابراین معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۴۶٪، ۹۲٪، ۸۹٪ و ۸۰٪ از تغییرات حاصله در متغیرهای وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۳، بین قدرت مدیرعامل (POWER) و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری (BLVE) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش بازار (MLVE)، اهرم کوتاه‌مدت (STDTA) و اهرم بلندمدت (LTDTA) رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با معیار دوم قدرت مدیرعامل

قبل از برآزش الگوهای پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تشخیصی F لیمر و آزمون هاسمن

الگو	نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
۱	F لیمر	۱۴/۵۶۸	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۵۲/۵۴۵	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۲	F لیمر	۷/۳۵۶	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۷۸/۵۷۹	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۳	F لیمر	۱۲/۷۱۴	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۴۵/۶۷۷	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۴	F لیمر	۸/۴۶۳	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۱۵/۵۲۹	۰/۰۴۷	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوها به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگو در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

اهرم بلندمدت		اهرم کوتاه‌مدت		اهرم بازار		اهرم دفتری		متغیر
ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	
۰/۰۰۰	۰/۲۴۰	۰/۰۰۰	۰/۶۳۴	۰/۰۰۰	۰/۹۲۸	۰/۰۰۰	۰/۷۴۹	مقدار ثابت
۰/۴۵۶	۰/۰۰۱	۰/۷۸۷	-۰/۰۰۱	۰/۸۷۲	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	-۰/۰۱۳	قدرت مدیرعامل
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۹	۰/۰۰۳	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۲	-۰/۰۶۴	دارایی‌های مشهود
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۴۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	سودآوری
۰/۰۱۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۹	ریسک
۰/۰۴۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۱۴۴	۰/۰۴۰	۰/۰۱۶	فرصت‌های رشد
۰/۰۰۰	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۷۶	۰/۹۰۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۲۹	موقعیت هیأت مدیره
۰/۰۲۴	-۰/۰۱۸	۰/۲۴۵	-۰/۰۳۱	۰/۹۶۷	-۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	-۰/۰۵۱	اندازه هیأت مدیره
(۰/۸۰۶) ۰/۸۳۲		(۰/۶۰۶) ۰/۶۱۰		(۰/۹۱۵) ۰/۹۲۷		(۰/۴۷۸) ۰/۴۸۷		ضریب تعیین (تعدیل شده)
۲/۱۹		۱/۷۴		۱/۵۲		۱/۵۵		آماره دوربین واتسون
(۰/۰۰۰) ۳۲/۱۵۵		(۰/۰۰۰) ۱۶۴/۱۸۱		(۰/۰۰۰) ۸۲/۰۰۰		(۰/۰۰۰) ۵۲/۷۴۲		آماره F فیشر (سطح معناداری)

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۵، مقدار آماره دوربین-واتسون، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معنی‌داری آماره F، معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح

اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۴۸٪، ۹۲٪، ۶۱٪ و ۸۱٪ از تغییرات حاصله در متغیرهای وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۵، بین قدرت مدیرعامل (PINDX) و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری (BLVE) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش بازار (MLVE)، اهرم کوتاه‌مدت (STDTA) و اهرم بلندمدت (LTDTA) رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش با معیار اول قدرت مدیرعامل

قبل از برازش الگوهای پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تشخیصی F لیمر و آزمون هاسمن

الگو	نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
۱	F لیمر	۱۲/۵۴۹	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۶۷/۶۱۳	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۲	F لیمر	۶/۷۷۵	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۷۶/۴۷۲	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۳	F لیمر	۱/۵۴۵	۰/۰۵۸	روش داده‌های ترکیبی معمولی
۴	F لیمر	۸/۱۳۵	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۱۸/۹۲۳	۰/۰۴۱	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوها به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگو در جدول ۷ ارائه شده است:

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	اهرم دفتری		اهرم بازار		اهرم کوتاه مدت		اهرم بلندمدت	
	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۴۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	۰/۰۰۰
قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۱	۰/۸۹۸	۰/۰۳۶	۰/۰۰۹	۰/۰۵۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۳۰۰
روابط سیاسی با دولت	-۰/۰۲۰	۰/۰۱۲	-۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۴	۰/۰۷۹
قدرت مدیرعامل*روابط سیاسی با دولت	۰/۰۰۲	۰/۸۸۱	-۰/۰۴۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۰	-۰/۰۰۲	۰/۴۲۷
اندازه شرکت	۰/۰۰۶	۰/۴۵۵	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۰
دارایی های مشهود	-۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۹	۰/۰۰۶	-۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۱۰
سودآوری	۰/۰۲۳	۰/۵۸۲	۰/۰۹۷	۰/۰۴۷	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰۴	۰/۹۶۱
ریسک	-۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۹
فرصت های رشد	۰/۰۰۱	۰/۸۵۱	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۷۹
موقعیت هیأت مدیره	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۹۱۱	-۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۰
اندازه هیأت مدیره	-۰/۰۳۳	۰/۰۳۹	-۰/۰۰۸	۰/۸۴۴	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۱
ضریب تعیین (تعدیل شده)	(۰/۹۱۲) ۰/۹۲۴		(۰/۹۱۶) ۰/۹۲۷		(۰/۶۷۰) ۰/۶۷۴		(۰/۸۰۲) ۰/۸۲۹	
آماره دورین واتسون	۲/۲۷		۱/۵۲		۱/۸۳		۲/۲۰	
آماره F فیشر (سطح معناداری)	(۰/۰۰۰) ۷۷/۰۲۹		(۰/۰۰۰) ۸۱/۱۵۶		(۰/۰۰۰) ۱۷۳/۲۲۱		(۰/۰۰۰) ۳۰/۹۲۱	

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۷، مقدار آماره دورین-واتسون، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می کند. با توجه به سطح معنی داری آماره F، معناداری کل رگرسیون ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می دهد که مجموعاً ۹۱٪، ۹۲٪، ۶۷٪ و ۸۰٪

از تغییرات حاصله در متغیرهای وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها، توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۷، بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری و اهرم بلندمدت رابطه معناداری وجود ندارد. به‌علاوه، متغیر تعاملی روابط سیاسی با دولت در قدرت مدیرعامل، نشان می‌دهد روابط سیاسی با دولت بر رابطه خطی بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری و اهرم بلندمدت اثر تعدیل‌کننده ندارند. همچنین، بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌علاوه، روابط سیاسی با دولت بر رابطه خطی بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت اثر تعدیل‌کننده معکوس دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش با معیار دوم قدرت مدیرعامل

قبل از برازش الگوهای پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون تشخیصی F لیمر و آزمون هاسمن

الگو	نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
۱	F لیمر	۱۲/۹۰۷	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۸۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۲	F لیمر	۶/۹۹۳	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۸۳/۷۰۷	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۳	F لیمر	۱۲/۱۲۷	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۶۲/۸۸۳	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت
۴	F لیمر	۸/۲۷۷	۰/۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
	هاسمن	۱۸/۷۶۲	۰/۰۴۳	روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوها به همراه آزمون‌های تعیین اعتبار باقیمانده‌های الگو در جدول ۹ ارائه شده است:

جدول ۹: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	اهرم دفتری		اهرم بازار		اهرم کوتاه مدت		اهرم بلندمدت	
	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری	ضرایب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۷۵۵	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰
قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۰۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۸۷
روابط سیاسی با دولت	-۰/۰۰۲	۰/۷۱۰	-۰/۰۲۲	۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۹۷	-۰/۰۰۳	۰/۰۸۰
قدرت مدیرعامل* روابط سیاسی با دولت	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۰۰۶	۰/۳۰۶	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۲۹	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۰
دارایی‌های مشهود	-۰/۲۹۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۴	۰/۰۱۶	-۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۰۵۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۰۳۸	-۰/۰۶۰	۰/۱۰۱	۰/۰۰۸	۰/۱۱۰
ریسک	-۰/۰۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	۰/۵۴۸
فرصت‌های رشد	۰/۰۰۱	۰/۸۷۳	-۰/۱۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۷۵۲	۰/۰۰۱	۰/۴۱۲
موقعیت هیأت مدیره	-۰/۰۲۱	۰/۰۶۶	-۰/۰۰۵	۰/۷۴۶	-۰/۰۰۲	۰/۸۵۵	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۰
اندازه هیأت مدیره	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴	۰/۷۱۳	-۰/۰۴۸	۰/۰۴۹	۰/۰۰۵	۰/۵۶۶
AR(1)	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰			۰/۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (تعدیل شده)	۰/۹۶۶ (۰/۹۵۹)		۰/۹۲۰ (۰/۹۰۸)		۰/۹۶۰ (۰/۹۵۳)		۰/۸۷۶ (۰/۸۵۳)	
آماره دوربین واتسون	۲/۰۲		۱/۵۱		۱/۹۹		۲/۰۳	
آماره F فیشر (سطح معناداری)	۱۵۱/۶۱۵ (۰/۰۰۰)		۷۳/۴۸۷ (۰/۰۰۰)		۱۳۰/۰۲۰ (۰/۰۰۰)		۳۷/۹۸۱ (۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۹، مقدار آماره دوربین-واتسون، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معنی‌داری آماره F، معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۹۶٪، ۹۱٪، ۹۵٪ و ۸۵٪ از تغییرات حاصله در متغیرهای وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۱۱، بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت رابطه مثبت و

معناداری وجود دارد. به علاوه، روابط سیاسی با دولت بر روابط فوق اثر تعدیل کننده معکوس دارند. همچنین، بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به علاوه، روابط سیاسی با دولت بر رابطه مذکور اثر تعدیل کننده معکوس دارند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تصمیمات ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. نتایج آزمون مدل پژوهش بدون در نظر گرفتن نقش روابط سیاسی با دولت نشان می‌دهد که بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش بازار، اهرم کوتاه‌مدت و اهرم بلندمدت رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون مدل پژوهش وقتی که روابط سیاسی با دولت به مدل اضافه می‌شود نشان می‌دهد که بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت، رابطه مثبت و معنادار و بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، رابطه بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ضعیف‌تر است. در نهایت، اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت، معکوس و معنادار است. یافته‌های این پژوهش با شواهد آقایی و همکاران (۱۳۹۹)، چیتراکارن و همکاران (۲۰۱۴) و لی و همکاران (۲۰۱۶)، در تطابق است. در توجیه این نتایج می‌توان بیان کرد که رابطه مثبت بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه (اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت) شواهدی برای تطبیق منافع و فرضیه‌های نظارت ارائه می‌کند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). به این دلیل که بدهی نقش مهمی در تطبیق منافع مدیران و مالکین ایفا می‌کند. به علاوه، اهرم بالا می‌تواند مشکلات جریان نقدی آزاد را کاهش دهد، بنابراین، باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. در نتیجه، شرکت‌هایی با مدیرعامل‌های قدرتمند احتمالاً بدهی بیشتری را مورد استفاده قرار می‌دهند. همچنین، با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند، می‌توان بیان نمود که وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند تصمیمات مدیران را در ارتباط با ساختار سرمایه تحت الشعاع قرار دهد. به عبارت دیگر، از آنجا که شرکت‌های دارای

ارتباطات سیاسی، محدودیت‌های کمتری در دریافت بودجه و حساسیت کمتری نسبت به رقبا دارند، رابطه بین قدرت مدیرعامل با اهرم مبتنی بر ارزش دفتری، اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ضعیف‌تر است.

یافته‌های این پژوهش اهمیت زیادی برای سهامداران و سیاست‌گذاران داشته و همچنین، به مقایسه ارزشمند نتایج با دیدگاه‌های نظری و یافته‌های تجربی مشاهده شده در پژوهش‌های قبلی کمک می‌نماید. برای نمونه، این پژوهش نشان می‌دهد مدیرعامل‌های قدرتمند در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به احتمال بیشتری اهرم مبتنی بر ارزش بازار و اهرم کوتاه‌مدت را به منظور دستیابی به منافع خود دنبال می‌کنند. یک چنین اقداماتی می‌تواند به منافع سهامداران آسیب برساند. بنابراین، مالکان باید ابزارهای مؤثرتری برای مدیریت منظم اتخاذ کنند. برای مثال: تنظیم دقیق منافع مالکین و مدیران به چند روش مؤثر، مثل افزایش مالکیت مدیران و پاداش به مدیران اجرایی مطابق با ثروت و دارایی مالکین. دیگر روش، تقویت کنترل مدیران از طریق هیأت مدیره است. همچنین، به سیاست‌گذاران و ناظران، پیشنهاد می‌شود از این نتایج برای بهبود رویکردهای توسعه خط‌مشی مربوط به تعدیل قدرت مدیران استفاده نمایند که می‌تواند اقدامات نادرست مدیران اجرایی را تعدیل کند. در پایان، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از سایر معیارهای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه شرکت‌ها استفاده نمایند و نتایج را مقایسه نمایند. همچنین، به بررسی تأثیر سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، متغیرهای کلان اقتصادی و هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه شرکت‌ها پرداخته شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از مدل‌های غیرخطی برای تبیین موضوع پژوهش استفاده شود. به منظور بررسی بیشتر نتایج نیز پیشنهاد می‌شود پژوهشگران موضوع پژوهش را در سطح صنایع مختلف و نیز در شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ، آزمون کنند. از آنجا که در زمینه ویژگی‌های مدیرعامل از جمله قدرت، پژوهش‌های اندکی در سطح داخلی صورت گرفته است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، رابطه قدرت مدیرعامل با سایر موضوعات مالی و حسابداری از جمله عملکرد، هزینه سرمایه و کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی، مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- اخگر، محمد امید و زاهد دوست، حمزه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل. فصلنامه حسابداری مالی، ۱۰ (۳۹)، ۶۰-۸۱.
- اسعدی، عبدالرضا و عباسزاده، محمد رضا. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه شرکت‌های وابسته و مستقل از دولت در بورس اوراق بهادار تهران. دو فصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق)، ۲۱ (۷)، ۲۱۰-۲۳۳.
- اسماعیل‌زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زند عباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت، ۳ (۷)، ۷۹-۹۱.
- آقایی، محمدعلی؛ فاطری، علی و ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۹). تأثیر سهامداران نهادی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه در شرکت‌ها. نشریه چشم‌انداز مدیریت مالی، ۱۰ (۳۰)، ۵۷-۸۰.
- پارسا، امید علی؛ مهر کام، مهرداد و حصنی مقدم، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی. پژوهشنامه مالیات، ۱۰ (۴۸)، ۸۳-۱۰۷.
- پورحیدری، امید و فروغی، عارف. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵ (۶۱)، ۲۷-۵۳.
- تامرادی، علی؛ رستمی‌نیا، رضا و خیاطان، فاطمه. (۱۳۹۷). تأثیر قدرت مدیرعامل بر سیاست‌های تأمین مالی. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴ (۴)، ۹۴-۱۰۴.
- توانگر حمزه کلایی، افسانه و اسکافی اصل، مهدی. (۱۳۹۷). ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰ (۳۸)، ۱۸۷-۲۰۷.
- جنت مکان، حسین؛ حمیدیان، محسن و حاجیها، زهره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با مدیریت مبتنی بر ارزش-آفرینی و هزینه نمایندگی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۸ (۳۱)، ۲۱۵-۲۲۹.
- حجازی، رضوان و یوسفی، علی. (۱۳۹۷). رابطه غیرخطی بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه. فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۲ (۱)، ۹-۲۶.
- خواجه‌جوی، شکراله و حسینی، سید حسین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۲ (۱)، ۶۷-۸۴.
- خواجه‌جوی، شکراله؛ جهان‌دوست مرغوب، مهران و ویسی حصار، ثریا. (۱۴۰۰). ارتباط غیرخطی بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه با تأکید بر نقش اندازه شرکت‌ها. تحقیقات مالی، ۲۳ (۱)، ۴۰-۶۳.

- دستگیر، محسن و هنرمند، مهسا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۷(۲۲)، ۶۹-۸۸.
- رحیمی، علیرضا و فروغی، عارف. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مکانیسم‌های کنترلی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۱(۲)، ۱۵۱-۱۸۲.
- رضایی، فرزین و افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی. فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۵(۱)، ۸۵-۱۱۲.
- رضایی، فرزین و ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴)، ۴۴۹-۴۷۰.
- رهنمای رودپشتی، فریدون و زندی، آناهیتا. (۱۳۹۸). قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه مبتنی بر مدل لی. فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۱)، ۱-۱۹.
- رهنمای رودپشتی، فریدون و محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱(۲۸)، ۱۲۹-۱۴۴.
- سرلک، نرگس و کلوانی، داود. (۱۳۹۴). رابطه بین انواع مالکیت نهادی و محافظه کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۱۵)، ۱۴۹-۱۶۴.
- صالحی‌نیا، محسن و تامرادی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۲)، ۳۹-۶۰.
- صالحی‌نیا، محسن؛ تامرادی، علی و سپهری، ابراهیم. (۱۴۰۰). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی. فصلنامه حسابداری مالی، ۱۳(۴۹)، ۱-۳۰.
- طاهری عابد، رضا؛ علی‌نژاد سارو کلائی، مهدی و فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۷). تأثیر شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی. مجله دانش حسابداری، ۹(۴)، ۱۸۵-۲۱۵.
- عباسی، مجید و کلانتری، الهام. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر دوگانگی وظیفه مدیرعامل: منتخب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه روند، ۲۱(۶۵ و ۶۶)، ۱۴۵-۱۷۴.
- معطوفی، علی‌رضا و مهرپرور، متینه. (۱۳۹۸). رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی. فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۳)، ۱۵۹-۱۸۶.
- مهربان‌پور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد و محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳)، ۱۴۷-۱۶۸.

نظری پور، محمد و مقصود پور، صلاح‌الدین. (۱۳۹۹). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه. *دانش حسابداری*، ۱۱ (۲)، ۱۶۹-۲۰۷.

نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و کیانی، علی. (۱۳۹۲). اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی. *دانش حسابرسی*، ۱۳ (۵۰)، ۴۳-۵۶.

نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و کیانی، علی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. *حسابداری مدیریت*، ۶ (۱۸)، ۳۱-۴۳.

- Abbasi, M., & Kalantari, E. (2014). Investigating the effect of corporate governance system on the duality of CEO duties: Selected companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Ravand*, 21(65, 66), 145-174. (In Persian)
- Adams, R. B., Almeida, H., & Ferreira, D. (2005). Powerful CEOs and their impact on corporate performance. *Review of Financial Studies*, 18(4), 1403-1432.
- Aghaei, M., Fateri, A., & Weysihsar, S. (2020). The Effect of Institutional Shareholders on the Relationship between CEO Power and Capital Structure in Companies. *Journal of Financial Management Perspective*, 10(30), 57-80. doi: 10.52547/jfmp.10.30.57. (In Persian)
- Agrawal, A., & Knoeber, C. R. (2001). Do some outside directors play a political role?. *The Journal of Law and Economics*, 44(1), 179-198.
- Ahsan, H., Al-Hadi, A., Al-Yahyaee, K., & Eulaiwi, B. (2017). Joint audit, political connections and cost of debt capital. *International Journal of Auditing*, 21(3), 249-270.
- Akhgar, M. O., & Zaheddoust, H. (2019). The effect of CEO influence on the relationship between firm performance and CEO turnover. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 10 (39), 60-81. (In Persian)
- Altman, E. I., Zhang, L., & Yen, J. (2007). *Corporate financial distress diagnosis in China*, Working paper. NY: New York University Salomon Center.
- Asadi, A., & Abbaszadeh, M.R. (2014). An investigation of determinants of capital structure of affiliated and unaffiliated firms in Tehran Stock Exchange. *Two Quarterly Monetary and Financial Economics (Former Knowledge and Development)*, 21(7), 210-233. (In Persian)
- Berger, P. G., Ofek, E., & Yermack, D. L. (1997), Managerial entrenchment and capital structure decisions, *Journal of Finance*, 52(4), 1411-1438.
- Bertrand, M., Kramaraz, F., Schoar, A., & Thesmar, D. (2007), *Politicians, firms and the political business cycle: Evidence from France*, Unpublished working paper. University of Chicago.
- Bliss, M.A., & Gul, F.A. (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking and Finance*, 36(5), 1520-1527.
- Bliss, M.A., & Gul, F.A. (2012). Political connection and leverage: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking and Finance*, 36(8), 2344-2350.
- Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 18(3), 541-559.

- Chaney, P.K., Faccio, M., & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 58–76.
- Chao, C. C., Hu, M., Munir, Q., & Li, T. (2017). The impact of CEO power on corporate capital structure: New evidence from dynamic panel threshold analysis. *International Review of Economics & Finance*, 51, 107-120.
- Charumilind, C., Kali, R., & Wiwattanakantang, Y. (2006). Connected lending: Thailand before the financial crisis. *The Journal of Business*, 79(1), 181–218.
- Chen, C. J., Ding, Y., & Kim, C. F. (2010). High-level politically connected firms, corruption, and analyst forecast accuracy around the world. *Journal of International Business Studies*, 41(9), 1505-1524.
- Chintrakam, P., Jiraporn, P., & Singh, M. (2014). Powerful CEOs and capital structure decisions: Evidence from the CEO pay slice (CPS). *Applied Economics Letters*, 21(8), 564-568.
- Dastgir, M., & Honarmand, M. (2014). Examining the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Efficient working Capital Management. *Management Accounting*, 7(22), 69-88. (In Persian)
- Dinc, I. S. (2005). Politicians and banks: Political influences on government-owned banks in emerging countries. *Journal of Financial Economics*, 77(2), 453–479.
- Ding, S., Jia, C., Wilson, C., & Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45(2), 407–434.
- EI Ghoul, S., Guedhami, O., & Pittman, J. (2011). *Cross-country evidence on the importance of Big Four auditors to equity pricing: The mediating role of the legal institutions*. Unpublished working paper. University of Alberta.
- Esmailzadeh Magharry, A., Jalili, M., & Zandeabasabadi, A. (2010). A Review Influence of Corporate Governance on Earning Quality in TSE Companies. *Management Accounting*, 3(7), 79-91. (In Persian)
- Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and non-connected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39(3), 905–927.
- Francis, J. R., Khurana, I. K., & Pereira, R. (2005). Disclosure incentives and effects on cost of capital around the world. *The Accounting Review*, 80(4), 1125-1162.
- Fraser, D.R., Zhang, H., & Derashid, C. (2006). Capital structure and political patronage: The case of Malaysia. *Journal of banking and Finance*, 30(4), 1291–1308.
- Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2009). Do politically connected boards affect firm value?. *The Review of Financial Studies*, 22(6), 2331–2360.
- Graham, J. R., & Leary, M. T. (2011). A Review of Empirical Capital Structure Research and Directions for the Future. *Annual Review of Financial Economics*, 3(1), 309–345.
- Guedhami, O., & Pittman, J.A. (2006). Ownership concentration in privatized firms: The role of disclosure standards, auditor choice, and auditing infrastructure. *Journal of Accounting Research*, 44(5), 889–929.
- Habib, A., & Muhammadi, A. H. (2018). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence. *International Journal of Accounting & Information Management*, 26(1), 59-80.

- Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections and related party transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52(1), 45-63.
- Habib, A., Ranasinghe, D., Muhammadi, A.H. & Islam, A. (2018). Political connections, financial reporting and auditing: Survey of the empirical literature. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 31(1), 37-51.
- Hejazi, R., & yousefi, A. (2018). Nonlinear relationship between CEO power and capital structure. *Journal of New Researches in Accounting & Auditing*, 2(1), 9-26. (In Persian)
- Jannat Makan, H., Hamidian, M., & Hajiha, Z. (2019). Investigating the Relationship Between Political connections with Value-Based Management and agency costs: Testing the Theory of Political Economy. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 8(31), 215-230. (In Persian)
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Jiraporn, P., Chintrakarn, P., & Liu, Y. (2012). Capital structure, CEO dominance, and corporate performance. *Journal of Financial Services Research*, 42(3), 139-158.
- Khajavi, S., Jahandoust Marghoub, M., & Weysihsar, S. (2021). Investigating the Relationship between CEO Power and Capital Structure: Emphasizing the Role of Firms Size. *Financial Research Journal*, 23(1), 40-63. doi: 10.22059/frj.2020.301393.1007015. (In Persian)
- Khajavi, SH., & Hosseini, S.H. (2010). Capital structure and political patronage in Tehran stock exchange. *Journal of Accounting Advances*, 2(1), 67-84. (In Persian)
- Khawaja, A. I., & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent-seeking in an emerging financial market. *Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1371-1411.
- Kolenikov, S., & Angeles, G. (2004). The Use of Discrete Data in PCA: Theory, Simulations, and Applications to Socioeconomic Indices. Working Paper. University of North Carolina at Chapel Hill.
- Lee, W., & Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48(3), 643-676.
- Li, T., Munir, Q., & Abd Karim, M. R. (2017). Nonlinear relationship between CEO power and capital structure: Evidence from China's listed SMEs. *International Review of Economics & Finance*, 47, 1-21.
- Luo, Y. (2015). CEO power, ownership structure and pay performance in Chinese banking. *Journal of Economics and Business*, 82, 3-16.
- Luo, Y. (2015). CEO power, ownership structure and pay performance in Chinese banking. *Journal of Economics and Business*, 82, 3-16.
- Matoufi, A., & Mehrparvar, M. (2019). The Relationship between Political Connections and Agency Costs Considering the Moderating Role of Audit Quality, *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(3), 159-186. (In Persian)

- Mehrabanpour M, Jandaghi Ghomi M, & Mohammadi M. (2017). Political Connections and Abnormal Transactions by Related Parties. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2(3),147-168. (In Persian)
- Mehran, H., Taggart, R. A., & Yermack, D. (1999). CEO ownership, leasing, and debt financing. *Financial Management*, 28(2), 5-14.
- Mobarak, A., & Purbasari, D. (2006). *Corrupt protection for sale to firms: Evidence from Indonesia*. Unpublished working paper. University of Colorado at Boulder.
- Modigliani, F. & Miller, M. (1958). The Cost of Capital, Corporation Finance and the Theory of Investment. *American Economic Review*, 48(3), 261-297.
- Myers, S. C., & Majluf, N. S. (1984). Corporate Financing and Investment Decisions When Firms Have Information that Investors Do Not Have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
- Nazaripour, M., & Maghsodpour, S. (2020). Influence of Political Connections on the Relationship between Management Ability and Fraudulent Financial Reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 169-207. doi: 10.22103/jak.2020.14697.3085. (In Persian)
- Nikoomaram, H., Banimahd, B., Rahnamay Roodposhti, F., & Kiyaei, A. (2013). Economics based on relations, political relations and the quality of accruals. *Audit Science*, 13(50), 43-56. (In Persian)
- Nikoomaram, H., Banimahd, B., Rahnamay Roodposhti, F., & Kiyaei, A. (2013). Political Economy Perspective and Earnings Management. *Management Accounting*, 6(18), 31-43. (In Persian)
- Parsa, O. A., Mehrkam, M., & Hosni Moghadam, F. (2021). The Impact of Economic Sanctions and Political Relations with Emphasis on Earnings and Tax Gaps: A Test of Political Economy Theory. *Journal of Tax Research*, 28 (48), 83-108. (In Persian)
- Pourheidari, O., & Forughi, A. (2019). Effect of management influence on disclosure quality of accounting information. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 16(61), 27-53. doi: 10.22054/qjma.2019.38013.1928. (In Persian)
- Qian, M., Pan, H., & Yeung, B. (2011). *Expropriations of minority shareholders in politically connected firms*. Unpublished working paper. The National University of Singapore.
- Rahimi, A., & Forughi, A. (2019). Control Mechanisms, CEO Power and Firm Value. *Journal of Accounting Advances*, 11(2), 151-182. doi: 10.22099/jaa.2019.32078.1810. (In Persian)
- Rahnamay Roodposhti, F., & Mohseni, A. (2018). Political connections, dividend and stock return in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(38), 129-144. (In Persian)
- Rahnamay Roodposhti, F., & Zandi, A. (2019). CEO's Power and Capital Structure Based on Lee's Model, *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(1), 1-19. (In Persian)
- Rezaei, F., & Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Accounting and Auditing Review*, 21(4), 449-470. (In Persian)

- Rezaei, F., Afrouzi, L. (2015). The Relation between Cost of Debt and Corporate Governance in Firms with Political Connections. *Journal of Accounting and Social Interests*, 5(1), 85-112. doi: 10.22051/ijar.2015.2138. (In Persian)
- Ruan, W., Tian, G., & Ma, S. (2011). Managerial ownership, capital structure and firm value: Evidence from China's civilian-run firms. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 5(3), 73-92.
- Salehinia, M., & Tamoradi, A. (2019). The Effect of Political Connections on Financing Policies. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(2), 39-60. doi: 10.22108/far.2019.116207.1434. (In Persian)
- Salehinia, M., Tamoradi, A., & Sepehri, E. (2021). The Effect of Political Connections on Relationships between Related Party Transactions and Restatement Financial Statements. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 13 (49), 1-30. (In Persian)
- Sapienza, P. (2004). The effects of government ownership on bank lending. *Journal of Financial Economics*, 72(2), 357-384.
- Sarlak, N., & Kalavani, D. (2015). Relationship between different types of institutional ownership and conservatism in listed companies in Tehran stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 5(1), 149-164. doi: 10.22051/jera.2015.1995. (In Persian)
- Taheri Abed, R., Alinezhad Sarokolaei, M., & Faghani Makerani, K. (2019). Impact of Reputation and Chief Executive Officer's Job Security on Financial Reporting Transparency. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(4), 185-215. doi: 10.22103/jak.2018.11902.2661. (In Persian)
- Tamoradi, A., Rostaminia, R., & Khayatan, F. (2018). The impact of CEO power on financing policies, *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies*, 4(4), 94-104. (In Persian)
- Tavangar Hamzeh Kalaei, A., & Eskafi Asl, M. (2019). Relationship between CEO power, audit committee characteristics, and quality of internal control. *Financial Accounting and Auditing Research*, 10(38), 187-207. (In Persian)
- Tee, C. M. (2018). Political connections and the cost of debt: Re-examining the evidence from Malaysia. *Journal of Multinational Financial Management*, 46, 51-62.
- Ting, H-I. (2013). CEO turnover and shareholder wealth: Evidence from CEO power in Taiwan. *Journal of Business Research*, 66(12), 2466-2472.
- Veprauskaitė, E., & Adams, M. (2013). Do powerful chief executives influence the financial performance of UK firms? *British Accounting Review*, 45(3), 229-241.
- Vo, X. V. (2017). Determinants of capital structure in emerging markets: Evidence from Vietnam. *Research in International Business and Finance*, 40, 105-113.
- Wang, L. (2015). Protection or expropriation: Politically connected independent directors in China. *Journal of Banking & Finance*, 55, 92-106.



اثر حسابرسی داخلی و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی: مطالعه موردی وزارت اقتصاد و امور دارایی^۱

پریسا سادات بهبهانی نیا^۲، سودابه غلام نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر حسابرسی داخلی مؤثر و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی با مطالعه تأکید بر وزارت اقتصاد و امور دارایی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارشناسان وزارت اقتصاد و امور دارایی می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی تست در SMART-PLS استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده این است که عملکرد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی تأثیر معنادار دارد؛ از نظر پاسخ‌دهندگان مؤلفه خط‌مشی و رویه‌های حسابرسی داخلی و مدیریت منابع حسابرسی داخلی، بیشترین تأثیر را بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان داد که اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی، اثر معنادار دارد. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد تشکیل واحدهای حسابرسی داخلی در سازمان‌های عمومی کشور، در دستور کار قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای حسابداری بخش عمومی، حسابرسی داخلی، کیفیت گزارشگری مالی، کنترل داخلی

طبقه بندی موضوعی: M41, M48

DOI: 10.22051/JAASCI.2021.38745.1653

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (P.behbahaninia@alzahra.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (s.gholamnejad@student.alzahra.ac.ir)

مقدمه

پژوهش‌های محدودی در ارتباط با توسعه حسابرسی داخلی در سازمان‌های بخش عمومی انجام شده است. در حال حاضر، حسابرسی داخلی در بخش عمومی مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز حسابرسی داخلی در مراحل اولیه است (آرنا، ۲۰۱۳). حرفه حسابرسی، از جمله حسابرسی داخلی نقش مهمی در تغییر ساختاری خدمات عمومی، به ویژه در ارتقا و انطباق عملکرد در روش‌های مدیریت منابع عمومی دارد (فری و موری، ۲۰۱۷). حسابرسی داخلی ابزاری مهم برای مدیریت است که برای ارزیابی روند داخلی و تعیین استراتژی‌های لازم برای بهبود عملکرد استفاده می‌شود. حسابرسی داخلی مؤثر می‌تواند کنترل سازمان، تخصیص و استفاده از منابع را بهبود بخشد و در دستیابی به استراتژی‌های سازمانی که موجب افزایش کارایی در جهت دستیابی به اهداف سازمان شود، نقش آفرینی می‌کند؛ برای مثال، حسابرسی داخلی مؤثر در سازمان مالیاتی نقش اساسی در شناسایی نیازهای اداره امور مالیاتی و راهکارهای بهبود درآمدزایی مالیاتی دارد. ایجاد درآمد مالیاتی کافی در سازمان مالیاتی با نقش مؤثر حسابرسی داخلی در شناسایی و تجزیه و تحلیل نیازهای داخلی امور مالیاتی، که می‌تواند کار آیی فرآیند داخلی و استفاده از منابع را تسهیل کند، افزایش می‌یابد (منصور و همکاران، ۲۰۱۸). حسابرسان داخلی باید توانایی، منابع و قدرت لازم برای به دست آوردن کلیه اطلاعات سازمان را داشته باشند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰). هنگامی که حسابرسان داخلی عملکرد خوبی داشته باشند، قطعاً می‌توانند سیستم حاکمیت شرکتی را در سازمان ارتقا دهند و نظارت موثری بر اجرا آن داشته باشند (صالحی، ۲۰۱۶). در حال حاضر، حاکمیت خوب مسئله روز در مدیریت دولت است. شیوه‌های حکمرانی خوب می‌تواند در سازمان‌های بخش عمومی مشارکت و پاسخگویی را بهبود بخشد (کاو و افیاح، ۲۰۱۷). انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۱۳) در بیانیه‌ای اظهار داشته است که کیفیت بالای عملکرد حسابرسی داخلی باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود و می‌تواند تصمیمات ناسازگار را تشخیص دهد (گامایونی، ۲۰۱۸). علاوه بر مسئله پیاده‌سازی حسابرسی داخلی در سازمان‌های بخش عمومی، حرکت به سمت مبنای تعهدی نیز در تقویت کنترل‌های داخلی در این نوع از سازمان‌ها بسیار اثربخش است. حسابداری تعهدی، مستلزم آن است که نهادهای بخش عمومی سوابق کامل دارایی‌ها و بدهی‌ها را برای تسهیل کنترل مدیریت

و کمک به مدیران برای مقایسه هزینه ارائه خدمات نگهداری نمایند. مبنای تعهدی نسبت به مبنای نقدی، اطلاعات قوی‌تر و سیستم گزارشگری مالی قوی‌تری را ارائه می‌کند و در اصلاحات بخش عمومی می‌تواند مفید باشد (هایجا و همکاران، ۲۰۲۱).

اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی با مبنای تعهدی در ایران از سال ۱۳۹۴ لازم‌الاجرا شده است و بر اساس نقشه راه وزارت دارایی پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۴۰۳، پیاده‌سازی کامل مبنای تعهدی در سازمان‌های بخش عمومی ایران تکمیل شود. در پژوهش‌های گذشته اثر پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی که تاکنون لازم‌الاجرا و پیاده‌سازی شده‌اند، بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی نشده است. علاوه بر این، در این پژوهش‌ها به اثر استقرار واحدهای حسابرسی داخلی در سازمان‌های بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری این سازمان‌ها پرداخته نشده است. هدف این پژوهش، بررسی اثر حسابرسی داخلی مؤثر و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی است که وزارت اقتصاد و امور دارایی برای این بررسی، انتخاب شده است.

مبنای نظری پژوهش

اثر حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی

حسابرسی داخلی برای دستیابی به قابلیت اطمینان گزارشگری مالی و تأمین کیفیت و یکپارچگی گزارشگری مالی، مؤثر خواهد بود. پژوهش‌های پیشین تأثیر اصول حاکمیت شرکتی (وجود کمیته حسابرسی داخلی، قدرت کمیته حسابرسی و قدرت رفتار شرکت) را بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی کردند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حسابرسی داخلی تأثیرگذارترین عامل بر کیفیت گزارشگری مالی است (گامایونی، ۲۰۱۸). عملکرد حسابرسی داخلی بر پایداری و موفقیت سازمان‌ها اثرگذار است (اراسموس و کوتزی، ۲۰۱۸؛ ابوت، داغری، پارکر و پیترز، ۲۰۱۶؛ آلبات و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع واحد حسابرسی داخلی به موضوعاتی می‌پردازد که بیشترین اهمیت را برای پایداری و موفقیت سازمان‌ها داشته و فراتر از صورت‌های مالی و خطرات، نگرانی‌های گسترده‌تری

از جمله شهرت، توسعه، پیامدهای زیست‌محیطی و نحوه مدیریت کارکنان را مورد توجه قرار می‌دهد (اراسموس و کوتزی، ۲۰۱۸؛ ابوت، داگرتی، پارکر، و پیترز، ۲۰۱۶). حسابرسان داخلی محرک موفقیت در سازمان‌ها هستند، به دلیل اینکه ترکیبی از اطمینان و مشاوره را در سازمان‌ها به وجود می‌آورند. این ترکیب شامل اطلاع‌رسانی به مدیریت از نحوه عملکرد سیستم‌ها و رویه‌های شرکت است (ولیم و آلزین، ۲۰۱۴؛ دلای و امری، ۲۰۱۶).

در فرآیند گزارشگری مالی، واحد حسابرسی داخلی باید سیاست‌ها، فرآیندها، رویه‌ها و افشاهای مربوط به گزارشگری را بررسی کند. به‌طور خاص، یکی از اقدامات توصیه‌شده توسط انجمن حسابرسان داخلی^۱ به حسابرسان داخلی به‌عنوان بهترین رویه در رابطه با گزارش‌های مالی فصلی، انجام بررسی‌های خاص یا هدفمند با تمرکز بر حوزه‌های پر ریسک، پیچیده و مشکل‌ساز است (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۵). اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده و موضوع مهمی در مطالعات انجام‌شده توسط دانشگاهیان و نهادهای حرفه‌ای است (آلبات و همکاران، ۲۰۲۱). استقرار واحدهای حسابرسی داخلی در ایران از سال ۱۳۹۱ در شرکت‌های بورسی لازم‌الاجرا شده است، هنوز استقرار این واحد در سازمان‌های بخش عمومی موردنظر قرار نگرفته است. بر این اساس، مطالعه حاضر به بررسی اثر استقرار واحدهای حسابرسی داخلی در سازمان‌های بخش عمومی می‌پردازد که تاکنون در پژوهش‌های پیشین، موردنظر قرار نگرفته است.

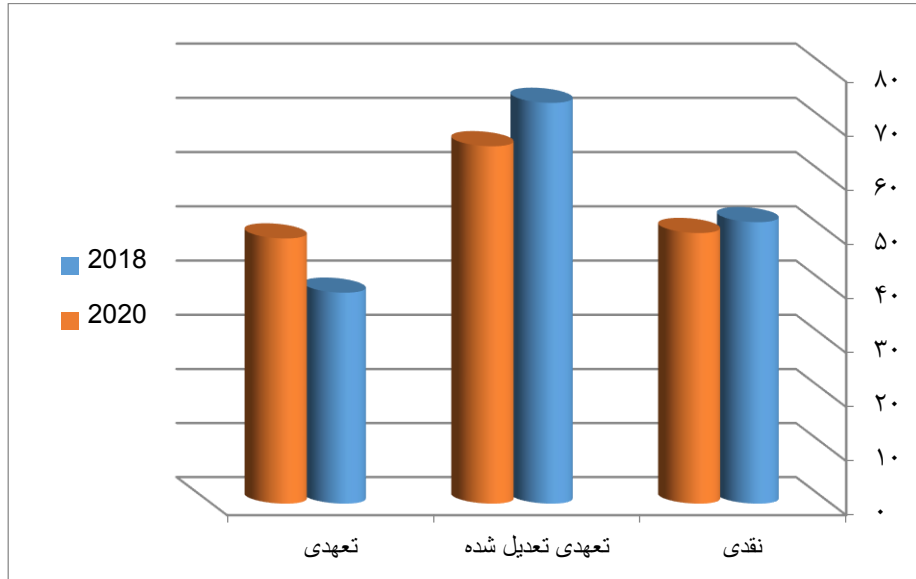
تأثیر استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی

نتایج پژوهش گامایونی (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر می‌گذارند و از این مجرا بر حکمرانی خوب نیز اثرگذار است. هماهنگ‌سازی حسابداری بخش عمومی در سطح بین‌المللی، با استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی^۲ محقق می‌شود. استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی از سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. از ۴۹ کشور گزارش شد، در سال ۲۰۲۰، ۲۸ کشور از

1. IIA

2. IPSAS

استانداردهای حسابداری تعهدی بین‌المللی بخش عمومی استفاده می‌کنند و برخی از کشورها هنوز از استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی نقدی و یا استانداردهای گزارش مالی خود استفاده می‌کنند. نمایه ۱ گزارشی از پیاده‌سازی استانداردهای تعهدی بخش عمومی در دنیا در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ را ارائه می‌دهد (فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱، ۲۰۲۱).



نمایه ۱: وضعیت پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی تعهدی (فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۲۱)

در ایران هم از سال ۱۳۹۴، مبنای تعهدی لازم‌الاجرا شده است و ۱۴ استاندارد حسابداری بخش عمومی در ایران پیاده‌سازی گردیده است. بر اساس نقشه راه وزارت امور اقتصادی و دارایی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۳، مبنای تعهدی به‌طور کامل در بخش عمومی ایران پیاده‌سازی شود. با توجه به اهمیت پیاده‌سازی به‌موقع و کامل استانداردهای حسابداری بخش عمومی در این پژوهش به بررسی اثر پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

کی رانتو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به تأثیر اجرای سیستم مبنای تعهدی بر کارایی و اثربخشی گزارشگری مالی بخش عمومی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که اجرای مبنای تعهدی تأثیر مثبت قابل توجهی بر کارایی و یا اثربخشی گزارشگری مالی بخش عمومی دارد.

بشیر و امیر (۲۰۲۰) در پژوهشی به اثر اجرای استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی پاکستان با توجه به نقش تعدیلی سیستم اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه، افشا و شفافیت به‌طور مثبت و معناداری با کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که سامانه اطلاعاتی حسابداری رابطه بین شفافیت، کیفیت گزارشگری و قابلیت مقایسه را به‌طور معناداری تعدیل می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که دولت پاکستان نیاز به اتخاذ رویکرد قوی‌تری برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارد.

گامایونی (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی اثربخشی حسابرسی داخلی و اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی در اندونزی پرداخت. نتایج این مطالعه شواهد تجربی ارائه می‌دهد که اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید می‌کند، اما اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی اثری بر کیفیت گزارشگری مالی نداشت.

گوراما و منصور (۲۰۱۸) در پژوهشی به تدوین مدل حسابرسی داخلی یکپارچه برای حسابرسی داخلی مؤثر در اداره مالیاتی نیجریه پرداختند. این مطالعه مدلی به نام "مدل حسابرسی داخلی یکپارچه" را برای عملکرد حسابرسی داخلی مؤثر ایجاد کرده است. این مدل به‌منظور بهبود کارایی و اثربخشی حسابرسی داخلی در اداره مالیات نیجریه کاربرد دارد.

تاکید و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر حسابرسی داخلی در سیستم‌های اداری غیرمتمرکز، پرداختند. این مطالعه نشان داد که کیفیت بالای کار حسابرسی ناشی از رعایت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و قوانین حسابرسی ملی است. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که مهارت

حرفه‌ای، استقلال سازمانی و پیشرفت شغلی با اثربخشی حسابرسی داخلی رابطه مثبت و معناداری دارند و حمایت مدیریتی تأثیری در اثربخشی حسابرسی داخلی ندارد.

باباجانی و بابایی (۱۳۸۹) در پژوهشی به تأثیر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی مالی دانشگاه‌ها در ایران پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در دانشگاه‌ها موجب ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی مالی در این قبیل مؤسسات می‌شود.

نیکبخت و حسن‌آباد (۱۳۹۷) در پژوهشی به عملکرد حسابرسی داخلی در ایران از دیدگاه مدیران حسابرسی داخلی پرداختند. نتایج بررسی، حاکی از فاصله عملکرد حسابرسی داخلی در ایران از نظر مدیران حسابرسی داخلی در مقایسه با تعریف حسابرسی داخلی در استانداردهای بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی است.

محسنی‌نیا و باباجانی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که کیفیت حسابرسی داخلی بر دو متغیر کیفیت گزارشگری مالی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معناداری نداشته است. بنابراین، لازم است توجه جدی‌تری به مقوله کیفیت حسابرسی داخلی شود و با اتخاذ سازوکارهای مناسب زمینه ارتقا هر چه بیشتر کیفیت واحد حسابرسی داخلی شرکت‌ها فراهم شود.

فرضیه‌های پژوهش

با عنایت به مباحث بیان‌شده در مبانی نظری در حوزه حسابرسی داخلی، استانداردهای حسابداری بخش عمومی و کیفیت گزارشگری مالی فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: عملکرد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی اثر معنادار دارد.

فرضیه دوم: اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر

معنادار دارد.

متغیرهای پژوهش

حسابرسی داخلی

در این پژوهش به پیروی از مقاله گامایونی (۲۰۱۸)، دروگلاس و همکاران (۲۰۱۸) و پوستلا و همکاران (۲۰۲۰)، عملکرد حسابرسی داخلی با مؤلفه‌های برنامه‌ریزی وظایف حسابرسی داخلی، ارتباط و تأیید، مدیریت منابع، خط‌مشی‌ها و رویه‌های حسابرسی داخلی، هماهنگی، گزارش حسابرسی داخلی به مدیریت ارشد، برنامه توسعه و کنترل کیفیت، پیگیری شکایات عمومی موردسنجش قرار گرفته است.

استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی

با توجه به لازم‌الاجرا بودن استانداردهای بخش عمومی شماره ۱ تا ۱۰ برای سازمان‌های بخش عمومی، در این پژوهش استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی شامل نحوه ارائه صورت‌های مالی، نحوه ارائه اطلاعات بودجه‌ای در صورت‌های مالی، درآمد حاصل از عملیات غیرمبادله‌ای، درآمدهای حاصل از عملیات مبادله‌ای، دارایی‌های ثابت مشهود، موجودی‌ها، دارایی‌های نامشهود، ذخایر، بدهی‌های احتمالی و دارایی‌های احتمالی، حسابداری مخارج تأمین مالی، رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، افشای اطلاعات اشخاص وابسته، مزایای بازنشستگی کارکنان، آثار تغییر در نرخ تبدیل ارز، رویدادهای پس از تاریخ گزارشگری، مورد سنجش قرار گرفته است.

کیفیت گزارشگری مالی

در این پژوهش به پیروی از گامایونی (۲۰۱۸) و ترن و همکاران (۲۰۲۰) کیفیت گزارشگری مالی با مؤلفه‌های مربوط بودن، قابلیت اتکا، قابلیت انطباق، قابل فهم بودن و ارائه صورت‌های مالی موردسنجش قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی، توصیفی، همبستگی و پیمایشی است و وزارت امور و اقتصاد و دارایی برای مطالعه موردی انتخاب شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از متخصصان وزارت امور اقتصاد و دارایی کل کشور است که ۵۱ نفر، بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند، که نگرش آن‌ها از

طریق پرسشنامه مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با ۴۱ پرسش بود که با توجه به سؤالات پژوهش‌های مشابه و نظرات اساتید این حوزه طراحی شد.

ویژگی پاسخ‌دهندگان جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی توزیع جنسیت در بین پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع جنسیت پاسخ‌دهندگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
آقا	۳۹	٪۷۶/۵
خانم	۱۲	٪۲۳/۵
جمع	۵۱	٪۱۰۰

با توجه به نتایج جدول، ۷۶/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان مورد مطالعه را مردان و ۲۳/۵ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهد. جدول ۲ فراوانی و درصد فراوانی توزیع سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: توزیع سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۱۲	٪۲۳/۵
کارشناسی ارشد	۲۶	٪۵۰/۹
دکتری	۱۳	٪۲۵/۶
جمع	۵۱	٪۱۰۰

با توجه به نتایج جدول، ۲۳/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان مورد مطالعه دارای تحصیلات کارشناسی، ۵۰/۹ درصد کارشناسی ارشد و ۲۵/۶ درصد آنان دارای تحصیلات دکتری هستند. جدول ۳ فراوانی و درصد فراوانی توزیع سابقه کار پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع سابقه کار پاسخ‌دهندگان

سابقه کار	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵ سال	۵	٪۹/۸
۵ تا ۱۰ سال	۳	٪۵/۹
۱۰ تا ۱۵ سال	۱۲	٪۲۳/۵
بیشتر از ۱۵ سال	۳۱	٪۶۰/۸
جمع	۵۱	٪۱۰۰

با توجه به نتایج جدول، ۹/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان مورد مطالعه دارای سابقه کار کمتر از ۵ سال، ۵/۹ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۳/۵ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۶۰/۸ درصد نیز دارای سابقه کار بیشتر از ۱۵ سال بوده‌اند.

آمار توصیفی

جدول ۴، نتایج حاصل از بررسی توصیفی هریک از متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	ابعاد	میانگین	میان	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
عملکرد حسابرسی داخلی	برنامه‌ریزی وظایف حسابرسی داخلی	۲/۱۲۵۵	۲	۰/۹۱۴۷۳	۱	۵
	ارتباط و تأیید	۲/۱۴۷۱	۲	۱/۰۵۹۶۹	۱	۵
	مدیریت منابع	۲/۲۲۲۲	۲	۰/۸۸۱۰۸	۱	۴/۳۳
	خط‌مشی‌ها و رویه‌های حسابرسی داخلی	۲/۲۵۹۸	۲	۰/۷۴۶۵۹	۱	۴/۷۵
	هماهنگی	۲/۱۶۶۷	۲	۰/۹۶۷۸۲	۱	۴/۵
	گزارش حسابرس داخلی به مدیریت ارشد	۲/۰۲۹۴	۲	۱/۰۰۷۰۳	۱	۵
	برنامه توسعه و کنترل کیفیت	۱/۸۶۲۷	۲	۰/۹۳۸۵۰	۱	۵
	کیفیت حسابرسی داخلی	۲/۱۱۷۶	۲	۰/۹۹۷۹۴	۱	۵
	کل مؤلفه‌ها	۲/۱۴۸۵	۲	۰/۷۶۲۲۴	۱	۴/۶۷
	نحوه ارائه صورت‌های مالی	۲/۶۴۷۱	۳	۱/۰۳۰۹۹	۱	۵
استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی	شناسایی و اندازه‌گیری	۲/۵۷۴۲	۲/۷۱۴۳	۰/۸۹۱۴۵	۱	۴/۷۱
	اصلاح اشتباه	۲/۵۸۸۲	۳	۰/۹۶۲۸۴	۱	۵
	کل مؤلفه‌ها	۲/۵۹۰۲	۲/۸	۰/۸۷۹۶۰	۱	۴/۶۰
کیفیت گزارشگری مالی	قابلیت اتکا	۲/۴۱۱۸	۲	۱/۰۴۲۶۲	۱	۵
	قابل فهم بودن	۲/۳۳۳۳	۲	۰/۹۹۳۳۱	۱	۵
	نحوه ارائه صورت‌های مالی	۲/۶۳۱۴	۲/۷	۰/۸۲۷۱۶	۱/۲	۵
	کل مؤلفه‌ها	۲/۵۸۸۲	۲/۸۳۳۳	۰/۷۹۵۳۷	۱/۱۷	۴/۵

بر اساس نتایج جدول ۴، مؤلفه‌های حسابرسی داخلی، خط‌مشی‌ها و رویه‌های حسابرسی داخلی بیشترین تأثیر را بر کیفیت گزارشگری مالی داشته و برنامه توسعه و کنترل کیفیت کمترین تأثیرگذاری را بر روی کیفیت گزارشگری نشان داده است. همچنین، ارزیابی پاسخ‌دهندگان از وضعیت کلی اجرای استانداردهای

حسابداری بخش عمومی تعهدی دارای متوسط نمرات برابر با ۲/۵۹۰۲ بوده است. نحوه ارائه صورت‌های مالی از نظر پاسخ‌دهندگان وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌های این متغیر داشته است، اما شناسایی و اندازه‌گیری نامطلوب‌ترین وضعیت را در بین این مؤلفه‌ها نشان داده است. همچنین ارزیابی پاسخ‌دهندگان از وضعیت کلی کیفیت گزارشگری مالی دارای متوسط نمرات برابر با ۲/۵۸۸۲ بوده است. از نظر پاسخ‌دهندگان نحوه ارائه صورت‌های مالی بیشترین نمره و قابل فهم بودن گزارش‌های مالی، کمترین نمره را در بین مؤلفه‌های این متغیر داشته است.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه اول

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از آزمون مقایسه میانگین تی-استودنت استفاده شده است. در این آزمون نمرات به دست آمده از ارزیابی پاسخ‌دهندگان از اثر عملکرد حسابرسی داخلی بر روی کیفیت گزارشگری مالی به همراه مؤلفه‌های آن با حد متوسط ۳، مورد مقایسه قرار گرفته است. جدول ۵ نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد.

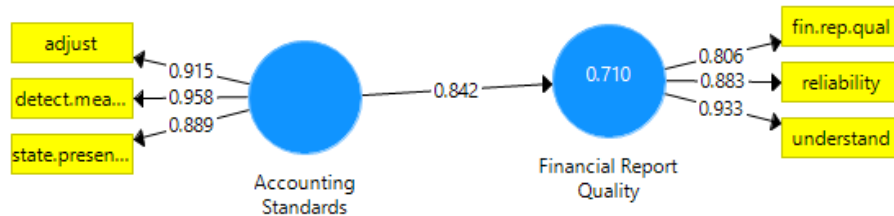
جدول ۵: آزمون تعیین وضعیت متغیرها

متغیر	ابعاد	میانگین	آماره t	معناداری
عملکرد حسابرسی داخلی	برنامه‌ریزی وظایف حسابرسی داخلی	۲/۱۲۵۵	-۶/۸۲۷	۰/۰۰۰۱
	ارتباط و تأیید	۲/۱۴۷۱	-۵/۷۴۸	۰/۰۰۰۱
	مدیریت منابع	۲/۲۲۲۲	-۶/۳۰۴	۰/۰۰۰۱
	خط‌مشی‌ها و رویه‌های حسابرسی داخلی	۲/۲۵۹۸	-۷/۰۸۰	۰/۰۰۰۱
	هماهنگی	۲/۱۶۶۷	-۶/۱۴۹	۰/۰۰۰۱
	گزارش حسابرس داخلی به مدیریت ارشد	۲/۰۲۹۴	-۶/۸۸۳	۰/۰۰۰۱
	برنامه توسعه و کنترل کیفیت	۱/۸۶۲۷	-۸/۶۵۴	۰/۰۰۰۱
	کیفیت حسابرسی داخلی	۲/۱۱۷۶	-۶/۳۱۴	۰/۰۰۰۱
	کل مؤلفه‌ها	۲/۱۴۸۵	-۷/۹۷۸	۰/۰۰۰۱

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از آزمون مقایسه میانگین تی-استودنت استفاده شده است. در این آزمون نمرات به دست آمده از ارزیابی پاسخ دهندگان از اثر عملکرد حسابرسی داخلی بر روی کیفیت گزارشگری مالی به همراه مؤلفه های آن با حد متوسط ۳، مورد مقایسه قرار گرفته است. واضح است که در صورتی که فرض بزرگ تری متوسط نمرات ارزیابی از حد متوسط ۳، پذیرفته شود می توان پذیرفت که اثر عملکرد حسابرسی داخلی بر روی کیفیت گزارشگری مالی، بزرگ تر از حد متوسط است و در غیر این صورت نیست. با توجه به سطوح معناداری به دست آمده برای آزمون مقایسات میانگین تی-استودنت، می توان پذیرفت که نمرات به دست آمده از ارزیابی پاسخ دهندگان نسبت به اثر عملکرد حسابرسی داخلی بر روی کیفیت گزارشگری مالی اختلاف معناداری با حد متوسط ۳، داشته است. بنابراین، اثر عملکرد حسابرسی داخلی و هر یک از مؤلفه های آن بر روی کیفیت گزارشگری مالی معنادار بوده است. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد نشده است.

آزمون فرضیه دوم

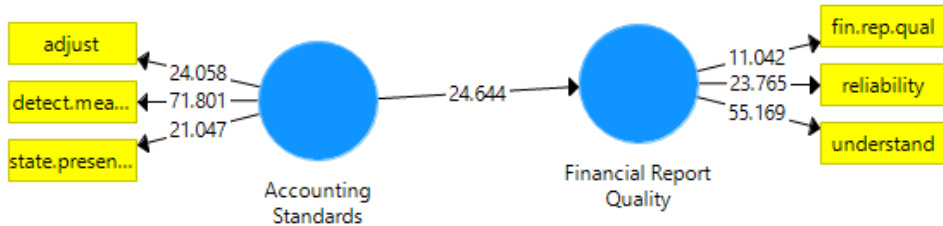
به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از برازش مدل معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. در این مدل، روابط بین متغیرهای پژوهش به طور هم زمان سنجیده شده و میزان سهم هر یک از متغیرهای مشاهده شده در تبیین مفاهیم مکنون پژوهش تعیین شده است. شکل ۶ برآورد ضرایب مدل ساختاری پژوهش را نشان می دهد.



نمودار ۶: برآورد ضرایب مدل ساختاری پژوهش

با توجه به ضرایب تأثیر به دست آمده از مدل ساختاری پژوهش مشاهده می شود که اندازه اثر اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر روی کیفیت گزارشگری مالی، برابر با ۰/۸۴۲ و

در جهت مستقیم برآورد شده است. معناداری این ضرایب نقشی اساسی در نتیجه‌گیری کلی از روابط ایفا می‌کند. به‌منظور بررسی معناداری ضرایب به‌دست آمده در مدل، قدر مطلق آماره‌های معناداری که دارای توزیع تی-استودنت می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است. نمودار ۶ یافته‌های این آماره را در مدل پژوهش نشان می‌دهد.



نتایج آزمون فرضیه دوم

جدول ۶، نتایج برآورد ضریب تأثیر اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی و آزمون معناداری این اثر را در مدل پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه دوم

معناداری	قدر مطلق آماره تی	انحراف معیار	ضریب تأثیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۲۴/۶۴۴	۰/۰۳۴	۰/۸۴۲	کیفیت گزارشگری مالی	اجرای استانداردهای حسابداری

با توجه به برآورد آماره‌های آزمون معناداری در نمودار ۶ مشاهده می‌شود که آماره آزمون معناداری اثر اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی برابر با ۲۴/۶۴۴ و بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۱/۹۶ به‌دست آمده است و نشان می‌دهد که اجرای این استانداردها تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی داشته است. با توجه به سطوح معناداری، می‌توان پذیرفت که مؤلفه‌های موردسنجش متغیرها در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده‌اند و بنابراین روایی سازه‌های متغیرهای اصلی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

روایی و پایایی سازه‌های پژوهش

پس از بررسی نتایج مدل، روایی و پایایی سازه‌های پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفت که جدول ۷، خلاصه مهم‌ترین یافته‌های این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۷: روایی و پایایی سازه‌های پژوهش

متغیر	ضریب تعیین (R^2)	سازگاری ترکیبی (CR)	روایی همگرا (AVE)
اجرای استانداردهای حسابداری	-	۰/۹۴۴	۰/۸۴۸
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۷۰۴	۰/۹۰۸	۰/۷۶۷

شاخص سازگاری ترکیبی^۱ که به‌عنوان جایگزین دقیق‌تری از آلفای کرونباخ مورد نظر قرار می‌گیرد، بزرگتر از مقدار تجربی ۰/۶، به‌دست‌آمده که سازگاری درونی مدل پژوهش را تأیید می‌کند. همچنین، شاخص روایی همگرای مدل که متوسط واریانس استخراجی^۲ هر یک از متغیرهای مکنون مدل را اندازه‌گیری می‌کند، برای تمامی متغیرها بزرگ‌تر از مقدار تجربی ۰/۵، به‌دست‌آمده و از این رو می‌توان پذیرفت که مدل پژوهش از نظر روایی همگرا نیز معتبر است. به‌منظور سنجش روایی واگرایی متغیرها از برآورد ضرایب ممیزی آن‌ها استفاده‌شده که نتایج آن به شرح جدول ۸ است.

جدول ۸: ضرایب روایی واگرا

متغیر	اجرای استانداردهای حسابداری	کیفیت گزارشگری مالی
اجرای استانداردهای حسابداری	۰/۹۲۱	
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۸۴۲	۰/۸۷۶

با توجه به ضرایب روایی واگرایی متغیرها مشاهده می‌شود که محتوای اطلاعاتی هر متغیر از خودش، بیشتر از محتوای اطلاعاتی آن از سایر متغیرها بوده است و بنابراین، سؤالات مورد استفاده در سنجش هر یک از متغیرها، بیش از هر متغیر دیگری مفهوم متغیر مرتبط با خود را تبیین نموده و می‌توان نتیجه گرفت که سازه‌های پژوهش دارای روایی واگرایی نیز هستند.

1. Composite Reliability
2. Average Variance Extrac

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی در بخش عمومی اثر معنادار مثبت دارد. نتایج حاکی از این است که در درجه اول مؤلفه خط‌مشی و رویه‌های حسابرسی داخلی از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد طراحی سیاست‌ها و رویه‌های همسو با حسابرسی داخلی سازمان، بررسی سیاست‌ها و رویه‌های سازمان از جهت مؤثر بودن، دسترسی به اسناد و مدارک کارکنان و اطلاعات مورد نیاز بدون محدودیت، عدم دخالت در تعیین دامنه کار حسابرسی مستقل حین انجام کار و گزارش نتایج، تأثیر بااهمیتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. سپس، در درجه دوم، مؤلفه مدیریت منابع از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد مدیریت منابع به صورت اقتصادی، مدیریت منابع به صورت کارآمد و مدیریت منابع به صورت مؤثر تأثیر، بااهمیتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ و در نهایت، مؤلفه برنامه توسعه و کنترل کیفیت از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد تدوین فعالیت‌ها بر اساس استانداردهای بین‌المللی حسابرسی داخلی، تأثیر بااهمیتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

نتایج بررسی گامایونی (۲۰۱۸) نشان داد که اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و با نتایج این پژوهش مطابقت دارد و همسو است. همچنین، نتایج پژوهش محسنی نیا و باباجانی (۱۳۹۹) نشان داد که کیفیت حسابرسی داخلی بر دو متغیر کیفیت گزارشگری مالی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معناداری نداشته است و با نتایج این پژوهش همسو نمی‌باشد و مطابقت ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر معنادار و مثبت دارد. طبق یافته‌های پژوهش عامل شناسایی و اندازه‌گیری با مقدار ۰/۹۵۸، بار عاملی از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد بررسی درآمد حاصل از عملیات غیرمبادله‌ای، درآمد حاصل از عملیات مبادله‌ای، دارایی‌های ثابت مشهود، موجودی‌ها، دارایی‌های نامشهود، ذخایر، بدهی‌های احتمالی و دارایی‌های احتمالی، حسابداری مخارج تأمین مالی در سازمان‌های بخش عمومی، بیشترین عاملی است که بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است و کیفیت گزارشگری مالی را شکل می‌دهد.

بعد از این مؤلفه، عامل اصلاح اشتباه با مقدار ۰/۹۱۵، از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، بیشترین عاملی است که بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است و کیفیت گزارشگری مالی را شکل می‌دهد. عامل نحوه ارائه صورت‌های مالی با مقدار بار عاملی ۰/۸۸۹، از نظر پاسخ‌دهندگان با ابعاد نحوه ارائه صورت‌های مالی، نحوه ارائه اطلاعات بودجه‌ای بیشترین عاملی است که بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است و کیفیت گزارشگری مالی را شکل می‌دهد.

نتایج این پژوهش با پژوهش کی‌رانتو و همکاران (۲۰۲۰)، همسو است. همچنین، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بشیر و امیر (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش گامایونی (۲۰۱۸) نشان داد اجرای استانداردهای حسابداری بخش عمومی تعهدی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر معنادار ندارد که با نتایج این پژوهش همسو نیست. با توجه به نتیجه فرضیه اول که نشان داد از نظر پاسخ‌دهندگان حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر دارد، پیشنهاد می‌گردد که تشکیل واحدهای حسابرسی داخلی به شکل برون‌سپاری یا درون‌سپاری در واحدهای بخش عمومی در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به اینکه نحوه ارائه صورت‌های مالی از نظر پاسخ‌دهندگان کمترین اثر را بر کیفیت گزارشگری مالی دارد، به نظر می‌رسد ضرورت دارد راهنمایی جهت استفاده، برای استاندارد شماره ۱ با عنوان «نحوه ارائه صورت‌های مالی» و استاندارد شماره ۲ با عنوان «نحوه ارائه اطلاعات بودجه‌ای در صورت‌های مالی»، تدوین گردد تا اهمیت این استانداردها بیشتر دریافت شود.

ابزار جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، پرسشنامه بود که دارای محدودیت‌های خاص خود در انجام پژوهش است. علاوه بر این، به دلیل بیماری کرونا جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش به صورت حضوری و بسیار مشکل بود. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر عوامل دیگر مانند راه‌اندازی کمیته حسابرسی داخلی در بخش عمومی، تغییر سبک آموزش کارکنان و تغییر فرآیندهای مالی در سازمان‌های بخش عمومی بر روی کیفیت گزارشگری مالی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- Haija, A., AlQudah, A., Aryan, L., & Azzam, M. (2021). Key success factors in implementing international public sector accounting standards. *Accounting*, 7(1), 239-248.
- Albawwat, I. E., Al-Hajaia, M. E., & AL Frijat, Y. S. (2021). The Relationship between Internal Auditors' Personality Traits, Internal Audit Effectiveness, and Financial Reporting Quality: Empirical Evidence from Jordan. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(4), 797-808.
- Amir, M., Rehman, S. A., & Khan, M. I. (2020). Mediating role of environmental management accounting and control system between top management commitment and environmental performance: A legitimacy theory. *Journal of Management and Research*, 7(1), 132-160.
- Postula, M., Irodenko, O., & Dubel, P. (2020). Internal Audit as a Tool to Improve the Efficiency of Public Service. *European Research Studies*, 23(3), 699-715.
- Thi Tran, Y., Nguyen, N. P., & Nguyen, L. D. (2020). Results-oriented culture and organizational performance: the mediating role of financial accountability in public sector organizations in Vietnam. *International Journal of Public Administration*, 1-16.
- Kartika, I., Shodiq, M. J. F., & Alwi, B. D. (2020). THE IMPACT OF ACCRUAL BASIS ACCOUNTING SYSTEM ON THE QUALITY OF FINANCIAL REPORT: AN AUDITOR PERCEPTION. *International Journal of Organizational Innovation (Online)*, 13(2), 10-24.
- Mohseninia, S., babajani, J. (2021). The Impact of Internal Audit Quality on Financial Reporting Quality in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 12(4), 19-38. doi: 10.22108/far.2020.120558.1570. (In Persian)
- Babajani, J., & Babae, M. (2011). The Impact Of Establishment Of Audit Committee And Internal Audit Unit On Improvement Of The Financial Accountability Of The Universities And Research Institutions. *Journal of Accounting Knowledge*, 2(4), 7-28. (In Persian)
- García, L. S., Barbadillo, E. R., & Pérez, M. O. (2019). Analysis of the Influence of the Internal Audit Function on Audit Fees: Análisis de la Influencia de la Función de Auditoría Interna sobre las Cuotas de Auditoría. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 22(1), 100-111.
- Nikbakht, M., Ghods Hasan Abad, M. (2018). Internal audit function from the internal audit managers view: Classical method of grounded theory. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(28), 187-200. (In Persian)
- Gamayuni, R. R. (2018). The effect of internal audit function effectiveness and implementation of accrual based government accounting standard on financial reporting quality. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 7(1), 46-58.
- Mansor, M. (2018). Integrated internal audit model for effective internal auditing performance in Nigerian tax administration. *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 1-7.

- Drogalas, G., Anagnostopoulou, E., Koutoupis, A., & Pazarskis, M. (2018). Relationship between internal audit factors and corporate governance. *Journal of governance & regulation*, (7, Iss. 3), 13-17.
- Kewo, C. L., & Afiah, N. N. (2017). Does quality of financial statement affected by internal control system and internal audit?. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 7(2), 568-573.
- RAHMANI, A., & Mahmoudkhani, M. (2018). Investigating the components of assessing the internal auditi effectiveness in Iran. *Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, 6(24), 57-78. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=662483>. (In Persian)
- Ferry, L., Zakaria, Z., Zakaria, Z., & Slack, R. (2017, December). Watchdogs, helpers or protectors?—Internal auditing in Malaysian Local Government. In *Accounting Forum* (Vol. 41, No. 4, pp. 375-389). No longer published by Elsevier.
- Marfo-Yiadom, E., Tackie, G., & Achina, S. O. (2016). Determinants of Internal Audit Effectiveness in Decentralized Local Government Administrative Systems.
- Abbaszadeh,m., Mohammadi, J., Mohammadi, Ka. (2012). The necessity of internal controls in the public sector. *Audit* 13(56). (In Persian)



تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

عبدالرسول رحمانیان کوشکی^۲، زهرا ایمان روی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت داری اهمیت بالایی است و نتایج استراتژیکی در شرکت‌ها دارد. شرکت‌های بزرگ در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت در بازارهای مهم سرمایه همچون بورس، سرمایه‌گذاری می‌کنند. امروزه مسئولیت اجتماعی شرکت برای اکثر سازمان‌ها و مدیرانشان موضوعی مهم به شمار می‌رود. از این رو، هدف این پژوهش بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. پژوهش حاضر پژوهشی کاربردی و از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی و روش‌شناسی آن از نوع پس‌رویدادی است که در آن تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی، مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای تحقق اهداف پژوهش، سه فرضیه تدوین شده است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چند متغیره و داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج پژوهش، اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد. همچنین، مالکیت نهادی به عنوان تعدیل‌گر بر شدت رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. مدیران ارشد اجرایی (مدیر عامل) با اعتماد به نفس بیش از حد، سرمایه‌گذاری کمتری در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مالکیت نهادی

طبقه بندی موضوعی: M41

10.22051/JAASCI.2021.36283.1626 : DOI .۱

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، (abr.rahmanian@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی زند شیراز، شیراز، ایران. (Zimanrooy@yahoo.com).

مقدمه

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، یکی از موضوعات حساسیت برانگیز و روبه توجه در سال‌های اخیر بوده و عامل اساسی بقای هر سازمانی محسوب می‌شود. در حقیقت، سازمان‌های سرآمد به‌عنوان یک سازمان پاسخگو، برای شفافیت و پاسخگویی به ذی‌نفعان خود در قبال عملکردشان باید تعهدات خود را در قبال مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق ارزش‌های خویش ابراز دارند و اطمینان حاصل نمایند که این تعهدات در سرتاسر سازمان جاری خواهد شد (فغانی ماکرانی، ۱۳۹۵). به دلیل اهمیت این موضوع، شرکت‌های بزرگ به طور قابل توجهی در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند تا از این طریق دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داده و به یک مزیت رقابتی دست یابند. این بدان معناست که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند برای شرکت و ذی‌نفعان سودمند واقع شود و ارزش سهام سهامداران را نیز به حداکثر برساند (وهاب و اساید، ۲۰۱۵).

همچنین، به نظر می‌رسد خصوصیات و ویژگی‌های شخصی مدیران بر سیاست‌های شرکت در اعمال فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثرگذار باشد. یکی از این ویژگی‌ها و صفات، اعتماد بیش از حد مدیران است (بن‌داوید و همکاران، ۲۰۱۳؛ دشموک و همکاران، ۲۰۱۳). در حقیقت، این ویژگی شخصی مدیران در تصمیمات مدیران ارشد اجرایی (مدیر عامل شرکت) نقش بسزایی را ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که مدیران با اعتماد بیش از حد به صورت افراطی، احتمالات دستیابی به نتایج خوب را بیش از حد در نظر می‌گیرند و به همان ترتیب احتمالات وقوع عواقب بد ناشی از اعمال فعالیت‌های خود را به حساب نمی‌آورند (هیتون، ۲۰۰۵).

به طور مثال، مدیران ارشد اجرایی با اعتماد به نفس بیش از حد، ابزارهای حفاظتی (ریسک، زیان‌های احتمالی و ...) را در شرکت بیش از اندازه کاهش می‌دهند تا از به تأخیر انداختن شناسایی

-
1. Corporate Social Responsibility
 2. Wahba & Elsayed
 3. Ben-David et al
 4. Deshmukh et al
 5. Heaton

زیان‌ها، برآورد خوش‌بینانه‌تری را در تعیین ارزش شرکت داشته باشند. به همین جهت، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد اجرایی موجب کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود (مالمندیر و همکاران، ۲۰۱۱؛ بن-دایوید و همکاران، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، مدیران ارشد اجرایی در تلاش هستند با سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بتوانند دیدی بهتر از ذی‌نفعان را نسبت به خود کسب کرده و مورد تحسین و تمجید قرار گیرند (جیراپورن و چینتراکارن، ۲۰۱۳). بیش‌اطمینانی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مهمترین مفاهیم مالی مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. مطالعات در این حوزه نشان داده است مشاغلی که به قضاوت نیاز دارند، بیش از مشاغل دیگر دچار بیش‌اطمینانی می‌شوند و هرچه تخصص افراد بیشتر باشد، در معرض بیش‌اطمینانی بیشتری قرار دارند (پارک و همکاران، ۲۰۲۰). مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود خوشبین هستند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند (دیک و همکاران، ۲۰۲۰). این موضوع بر مالکیت نهادی نیز موثر است. بعضی از مدیران، اعتماد به نفس بیش از حد را به عنوان یک تورش رفتاری دارند (حمیدی و همکاران، ۲۰۲۱) که بازده‌های آتی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های شرکت را بیش از حد برآورد می‌کنند (صالحی و همکاران، ۲۰۲۰). ذینفعان تمایل دارند ارزش شرکت را افزایش دهند، اما مدیران می‌خواهند بر منافع شخصی و شهرت خود بیفزایند (محمدی و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس نظریه مباشرت، منافع مدیران بایستی در راستای منافع سهامداران و ذینفعان باشد، بنابراین وجود مالکیت مدیران به علت همسو قرار گرفتن منافع مالکان و مدیران باعث بهتر شدن عملکرد شرکت می‌شود (جبارزاده و همکاران، ۱۳۹۴).

در واقع ادبیات موجود را می‌توان به واسطه حدسیات ضمنی و ساده آن مبنی بر رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیران ارشد اجرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق مالکیت نهادی به چالش کشید. به‌ویژه آنکه استدلال اصلی می‌تواند این باشد که مالکیت نهادی با تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه، اعتماد بیش از حد مدیر عامل را کاهش دهد. همچنین، با توجه به شرکت‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری ریسک‌گریز که اعتباربخشی شرکت را در گرو فعالیت‌های اجتماعی و محیطی می‌دانند، مشارکت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را

افزایش داده و از این طریق، سرمایه‌گذاری بیشتری را جذب می‌نمایند (ماهونی و رابرتز، ۲۰۰۷؛ پیترسن و ریندبرگ، ۲۰۰۹). بنابراین، سؤال اصلی این تحقیق این است که، آیا اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل شرکت با توجه به نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها اثر دارد؟

مبانی نظری پژوهش

اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مفاهیم مالی رفتاری مدرن است که در سال‌های اخیر با ورود مبحث روانشناسی به حوزه مالی و حسابداری، به یکی از عوامل شناخته شده در این حوزه تبدیل شده است (پیرمادی، ۱۳۹۳)، زیرا اعتماد بیش از حد باعث می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک را کمتر از حد تخمین بزند. این تورش رفتاری همچنین، باعث می‌شود که احساس کنیم روی مسائل کنترل داریم، در حالی که ممکن است این گونه نباشد. نکته قابل توجه این است که هرچه توانایی، دانش و مهارت فرد در حوزه‌ای بیشتر باشد، اعتماد فرد به دانش خود نیز بیشتر خواهد شد (رهنمای رودپشتی و زندیه، ۱۳۹۱).

درست از همین روست که محققان دریافتند که مدیران ارشد اجرایی (مدیرعامل) دارای اعتماد به نفس بالا، توانایی خود را در دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در مورد جریان‌های نقدی صورت گرفته برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری آینده‌نگر، بیش از حد بالا می‌برند. به عبارت دیگر، آنها بیش از اندازه بر روی دقت و توانایی خود حساب می‌کنند و همین امر موجب می‌شود تا برآورد کمتری از تغییرات در جریان‌های نقدی ایجاد شده در این گونه از پروژه‌های سرمایه‌گذاری، داشته باشند. به‌طور ویژه، مدیران ارشد اجرایی دارای اعتماد به نفس بیش از حد، ریسک ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را کمتر در نظر می‌گیرند (بن‌دایوید و همکاران، ۲۰۱۳؛ دشموک و همکاران، ۲۰۱۳). این امر موجب می‌شود مدیران ارشد اجرایی خود را به صورت نسبتاً کمتری در معرض خطر ریسک احساس کنند و این تصور را داشته باشند که احتمال موفقیت سایر شرکت‌ها در چنین پروژه‌هایی تنها ۵۹ درصد است، در حالی که برای شرکت‌های تحت مالکیت خود بیش از ۸۱ درصد را در نظر می‌گیرند (مک

کارتی و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع این اعتماد به نفس کاذب مدیران را می‌توان با خودشیفتگی آن‌ها مرتبط ساخت. در این باره شافر و همکاران^۱ (۲۰۰۴) با ارائه مستندات، این رابطه را به اثبات رساندند و بیان کردند افراد با ویژگی خودشیفتگی نیاز شدیدی به تحسین دارند. از این رو، شرکت‌ها با مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرصتی را برای مدیران ارشد اجرایی فراهم می‌آورند تا مورد تعریف و تمجید قرار گیرند.

پترنکو و همکاران^۲ (۲۰۱۵) و والاس و بائومیستر (۲۰۰۲) سه دلیل برای نشان دادن ارتباط میان خودشیفتگی مدیران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت مطرح کردند: اولین دلیل این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارای ابتکاراتی در جهت پیشبرد برخی از مناسبات اجتماعی (کمک به خیریه) می‌باشد. دوم اینکه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در تقابل با گروه‌های مختلف ذی‌نفعان قرار دارد و دلیل سوم این گونه می‌باشد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت باعث تداوم و تنوع در فرصت‌هایی می‌شود که مدیران ارشد اجرایی به وسیله آن می‌توانند، خود را مفیدتر و تأثیرگذارتر جلوه دهند (مک کارت و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، شرکت‌ها با اجرای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌توانند ذی‌نفعان داخلی و خارجی (شامل جامعه، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مشتریان، تأمین کنندگان و کارکنان) را از طریق یک ارتباط سازنده با آنها خشنود نموده و به شهرت و اعتبار و دیگر مزایای بالقوه دست یابند (پورتر و کرامر، ۲۰۰۶؛ و گول، ۲۰۰۵).

همچنین، در چند دهه اخیر همراه با افزایش منافع مؤسسات سرمایه‌گذاری نظیر بانک‌ها، صندوق‌های خصوصی سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی شاهد تغییر قابل توجه در ساختار مالکیت شرکت‌ها نیز بوده‌ایم (ساندارا مورتی و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهش‌های زیادی با موضوع مالکان نهادی انجام شده که نشان می‌دهد این مالکان، مدیریت شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت طلبانه الزام می‌نمایند و این مسئله بدین دلیل است که مالکان نهادی، فرصت، منابع و توانایی نظارت بر مدیریت شرکت را دارند و از این طریق از بیش اطمینانی مدیران، جلوگیری می‌کنند (مانکر و مینو، ۱۹۹۵).

1. Schaefer et al
2. Petrenko et al

البته پژوهش‌هایی هم وجود دارد که بیان می‌کند مالکان نهادی منطبق با نظریه ریسک‌گریزی، سرمایه‌گذارانی منطقی هستند که با در نظر گرفتن ریسک و بازده مربوط به هر سرمایه‌گذاری مطرح، به دنبال سرمایه‌گذاری کارآمد می‌گردند. بنابراین، ممکن است به برنامه‌ها و اقدامات اجتماعی شرکت‌ها به عنوان ابزاری برای کاهش ریسک بالقوه بنگرند (وهاب، ۲۰۱۰). این امر به احتمال قوی زمانی روی می‌دهد که کسب اعتبار در فعالیت‌های اجتماعی و زیست محیطی باعث کاهش نوسانات قیمت سهام شود (پیترسن و ریدنبرگ، ۲۰۰۹). بنابراین، برطبق این نظریه، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر مالکیت نهادی مؤسسه مثبت خواهد بود. به عبارتی دیگر، شرکت‌هایی که بیشتر بر روی کسب اعتبار اجتماعی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند قادر به جذب مالکیت نهادی بیشتری خواهند بود (وهاب و الساید، ۲۰۱۵). برعکس، بر طبق نظریه مؤسسات کوته‌بین، مالکیت نهادی، به عنوان سرمایه‌گذاران کوته‌بینی در نظر گرفته می‌شوند که فقط به بازده کوتاه‌مدت توجه داشته و مدیران این گونه مؤسسات بر اساس بازده کوتاه‌مدت خود مورد سنجش قرار گرفته و تشویق می‌شوند. از آنجایی که سرمایه‌گذاری در این گونه برنامه و فعالیت‌ها، یک تصمیم بلندمدت است که نیاز به زمان دارد تا به صرفه‌جویی در هزینه دست یابد، سازمان‌هایی که بر روی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، قادر به جذب سرمایه مالکیت نهادی نخواهند بود. بر این اساس، این ادعا نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت تأثیر منفی بر مالکیت نهادی دارد (وهاب، ۲۰۱۰).

پیشینه پژوهش

چانگ (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد با میانجی‌گری سه عامل ریسک غیرسیستماتیک، ریسک سیستماتیک و حاکمیت شرکتی پرداخت. نتایج پژوهش او حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداشت وجه نقد با نقش میانجی‌گری ریسک سیستماتیک بود. همچنین، نتایج پژوهش او نشان داد که دو عامل ریسک غیرسیستماتیک و حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و میزان نگهداشت وجه نقد ندارند.

هانگ و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیریت و سررسید بدهی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌هایی که مدیران آنها

دارای ویژگی بیش اعتمادی هستند، سررسید بدهی کمتری از شرکت‌هایی که مدیران آن‌ها دارای بیش اعتمادی نیستند، دارند.

مک‌کارتی و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اثر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل در جنبه‌های سازمانی مسئولیت اجتماعی، مانند جامعه و تنوع نیروی کار، نسبت به جنبه‌های فنی مسئولیت اجتماعی، مانند حاکمیت شرکتی و کیفیت محصول شدیدتر است. سونگ و جونگ‌مین (۲۰۱۷)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش سهامداران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور مثبتی با ارزش سهامداران رابطه دارد و عملکرد آتی را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، آن‌ها یک رگرسیون حداقل مربعات را برای ایجاد یک رابطه علی بین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش سهامداران پیاده‌سازی کردند.

هسی و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت حسابداری و هزینه سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین کیفیت حسابداری و هزینه سرمایه با ایجاد تحول در سطح مالکیت نهادی، تغییر می‌کند.

هی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در گزینش تأمین‌مالی داخلی و بازده سرمایه‌گذاری در بورس شانگهای چین و بورس شژن پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تأمین‌مالی داخلی می‌تواند موجب بهبود فرصت‌های کسب و کار و کاهش کمبود سرمایه شود، اما ممکن است باعث سرمایه‌گذاری مفرط نیز شود، به ویژه در شرکت‌هایی که دارای مدیرانی با اعتماد به نفس بیش از حد هستند.

نصیری پوردری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی ارتباط میان بیش اعتمادی مدیران و بیش‌نمایی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که هر چه بیش اعتمادی مدیران افزایش یابد، در آن صورت مدیریت سود از نوع

حداکثرسازی سود افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که رابطه‌ای منفی و معنادار بین نسبت بدهی و اندازه شرکت با مدیریت سود از نوع حداکثرسازی سود وجود دارد.

محمودآبادی و ایمان روی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی بر چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی از طریق مؤلفه بازده فروش تأثیر معناداری بر میزان شدت افزایش چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دارند، اما مؤلفه جریان وجه نقد عملیاتی تأثیری بر میزان شدت افزایش چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ندارد و باعث کاهش شدت چسبندگی هزینه می‌شود.

خوشکار و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت در شرکت‌های فعال عرضه‌کننده محصولات بهداشتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین شرایط محیط کار و بعد راهبردی به عنوان ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی رابطه معناداری وجود ندارد. بین بعد توجه به محیط زیست به عنوان یکی از ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جامعه و اجتماع محلی و عملکرد مالی رابطه معناداری و مثبت وجود دارد.

اقدامی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و نگاهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش واسطه‌ای عوامل ریسک سیستماتیک و حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که ریسک سیستماتیک و حاکمیت شرکتی نقش واسطه‌ای بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و نگهداشت وجه نقد دارند. به عبارتی، ریسک سیستماتیک باعث تضعیف و حاکمیت شرکتی باعث تقویت رابطه بین مسئولیت اجتماعی و نگهداشت وجه نقد می‌شود.

صالحی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اجزای سود باقیمانده و بازار در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین مالکیت نهادی و شاخص‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اجزای سود باقیمانده و شاخص‌های بازار وجود دارد که این نتایج با فرضیه نظارت کارآمد و فرضیه همگرایی منافع، مطابقت دارد.

به دلیل دغدغه‌های حرفه‌ای مدیریت، مدیران اجرایی دارای انگیزه قوی برای تأثیر بر تصمیمات مربوط به عملیات شرکت تحت مدیریت خود برای دستیابی به عملکرد بهتر می‌باشند. در پژوهش‌های نظری به بررسی

رابطه بین نگرانی‌های حرفه‌ای مدیران ارشد شرکت و تصمیمات سرمایه‌گذاری در بازه زمانی بلندمدت پرداخته شده است. به هر حال پژوهش‌های تجربی در این زمینه بسیار محدود است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تاکید بر ویژگی‌های مالکیت نهادی موضوع بسیار مهمی در سرمایه‌گذاری در این حوزه است. سرمایه‌گذاری نهادی به دلیل مالکیت و نظارت بر مدیران می‌تواند منجر به تغییر رفتار شرکت‌ها نیز شوند. به عبارت دیگر حضور مالکان نهادی در ساختار سرمایه شرکت سبب افزایش انعطاف‌پذیری آنها می‌شود.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

این پژوهش، با توجه به داده‌های پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه‌تجربی قلمداد می‌شود و به جهت تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ است. براساس شرایط زیر شرکت‌های عضو نمونه به صورت حذفی از بین شرکت‌های عضو جامعه آماری مد نظر قرار گرفته شده‌اند:

۱. شرکت‌های نمونه جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند، زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

۲. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.

۳. طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ تغییر سال مالی نداشته باشد.

۴. تا پایان سال مالی ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند.

۵. در دوره زمانی موردنظر از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.

۶. اطلاعات مالی مورد نیاز این پژوهش از جمله گزارشات هیأت مدیره شرکت‌ها به همراه گزارش عملکرد اجتماعی به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.

با اعمال شرایط فوق تعداد جامعه آماری در دسترس به ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تقلیل و به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

داده‌های مورد نیاز از یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی، گزارشات هیأت‌مدیره شرکت‌ها، نمونه‌های آماری و همچنین از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای مانند نرم‌افزار شرکت تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین و گاهی مراجعه به سازمان حسابرسی، جمع‌آوری و در نرم‌افزار اکسل وارد شد و سپس با استفاده از نرم‌افزار 7 Eviews اقدام به آزمون فرضیه‌ها شد.

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیات از مدل داده‌های تلفیقی ایستا استفاده شده است. در مدل داده‌های ترکیبی ایستا پس از آزمون هاسمن و انتخاب روش اثرات ثابت، اقدام به برآورد ضرایب مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی (GLS) شد. یکی از مزایای بکارگیری این روش در افزایش قدرت آماری ضرایب نسبت به استفاده از تجزیه و تحلیل مجزای داده‌های آماری به صورت سری زمانی یا مقطعی است.

متغیرهای پژوهش و روش محاسبه متغیرها

الف) متغیر مستقل: اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل

شاخص افزایش قیمت سهام کمی است که برای محاسبه، شاخص یک سال را به عنوان سال مبنا یا پایه فرض کرده و پس از تقسیم ارزش جاری بر ارزش مبنا (ارزش سال پایه) آن را در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنیم. عدد بدست آمده شاخص آن گروه یا دسته مورد نظر را به ما نشان می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل با تعدیل شاخص‌های بکار گرفته شده در پژوهش المندیر و تیت (۲۰۱۱) و کمپل و همکاران (۲۰۱۱) بدین گونه محاسبات مربوط انجام شده است: اگر درصد افزایش قیمت سهام بیش تر از درصد کاهش قیمت سهام شرکت باشد، فرض می‌شود که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل وجود دارد و برای آن عدد یک در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت، عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد.

ب) متغیر وابسته: مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در پژوهش حاضر جهت اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از سه بُعد کارکنان، ویژگی محصولات و محیط‌زیست مطابق با مدل میشر و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. با توجه به ماهیت افشاگری در ایران، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موظف به افشاء گواهی‌نامه OHSAS 18001، استاندارد ایمنی و بهداشت شغلی و برنامه حمایت از آموزش برای

اعضای حرفه، صنعت یا جامعه، گواهی نامه ISO 9001، سیستم مدیریت کیفیت و گواهی نامه ISO 14001، مدیریت زیست محیطی برای اندازه گیری مسئولیت پذیری اجتماعی در گزارشات هیأت مدیره خود هستند.

الف) امتیاز افشای بُعد کارکنان (Employee): اگر شرکت دارای گواهی نامه OHSAS 18001 باشد، به آن نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تعلق می گیرد.

ب) امتیاز افشای بُعد ویژگی های محصول (Product Characteristics): اگر شرکت دارای گواهی نامه ISO 9001 باشد، به آن نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تعلق می گیرد.

ج) امتیاز افشای بُعد محیط زیست (Environment): اگر شرکت دارای گواهی نامه ISO 14001 باشد، به آن نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تعلق می گیرد.

پس از اندازه گیری ابعاد بالا از طریق رابطه زیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت اندازه گیری می شود:

$$CSR_{score} = EMP_{score} + PRC_{score} + ENV_{score}$$

ج) متغیر تعدیل گر (مالکیت نهادی)

مالکیت نهادی از مجموع سهام در اختیار سرمایه گذاران نهادی بر کل سهام منتشره شرکت محاسبه می شود.

د) متغیر کنترلی

اهرم مالی (LEV): برای محاسبه این متغیر از نسبت ارزش دفتری بدهی های بلندمدت به ارزش دفتری کل دارایی های شرکت i در سال t استفاده می شود (جایو، ۲۰۱۰).

اندازه شرکت (Size): برای محاسبه این متغیر از معیارهایی نظیر لگاریتم مجموع دارایی ها استفاده می شود (مک و ویلیامز و سیگل، ۲۰۰۱).

بازده دارایی ها (ROA): برای محاسبه این متغیر از سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود خالص عملیاتی) به میانگین مجموع دارایی های شرکت استفاده می شود (کمپیل، ۲۰۰۷).

دوره تصدی مدیرعامل (TENURE): برای محاسبه این متغیر از تعداد سال‌هایی که مدیرعامل سمت تصدی‌گری را بر عهده داشته است، استفاده می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۳).

یافته‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل به‌طور معناداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تأثیر دارد.

فرضیه دوم پژوهش: مالکیت نهادی به‌طور معناداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تأثیر دارد.

مطالعه توصیفی داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌ها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر داده‌ها محاسبه شده و در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی	حداقل	حداکثر
مجموع ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱/۷۳۲۳	۲	۱/۳۲۸۸	-۰/۲۸۹۵	۰	۱
اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل	۰/۵۰۵۴	۱	۰/۵۰۰۲	-۰/۰۲۱۵	۰	۱
مالکیت نهادی	۰/۴۲۰۷	۰/۳۲۳۵	۰/۳۴۰۱	۰/۲۷۱۶	۰	۰/۹۹۴۳
اهرم مالی	۰/۶۳۹۸	۰/۶۳۱۹	۰/۲۵۹۰	۱/۰۵۹۰	۰/۰۵۳۳	۱/۸۷۷۰
اندازه شرکت	۵/۷۹۵۱	۵/۷۶۵۱	۰/۵۸۹۵	۰/۷۶۳۴	۳/۸۶۰۳	۸/۰۱۴۷
بازده دارایی	۰/۳۱۲۹	۰/۱۸۷۶	۰/۴۲۷۱	۲/۴۸۶	-۰/۶۴۲۱	۲/۸۱۸۳
دوره تصدی مدیرعامل	۳/۲۰۴۳	۲	۲/۵۷۴۴	۲/۱۰۶۶	۱	۲۰

بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

نتایج پایایی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) ارائه شده است. بر اساس آزمون ریشه واحد از نوع آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲) چون سطح معناداری آماره آزمون، کمتر از ۵ درصد است، کل متغیرهای پژوهش، در طی دوره پژوهش ایستا هستند.

نگاره (۲): نتایج آزمون ایستایی لوین، لین و چو

نام متغیرها	نماد	مقدار آماره	سطح معناداری
اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل	CONFIDENCE	-۹/۲۸۵	۰/۰۰۰۰
مجموع ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی	CSR score	-۱۴/۱۷	۰/۰۰۰۰
مالکیت نهادی	INSTH	-۱۲/۰۷۶	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۶/۱۸۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۴/۲۵۰	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۱۵/۰۱	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی مدیر عامل	TENURE	-۱۱/۶۳	۰/۰۰۰۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، به انتخاب الگوی مناسب برای مدل‌های رگرسیونی پرداخته شده است. ابتدا، با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های تابلویی، پرداخته شد. مقدار احتمال آماره F لیمر در تمام حالات کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ بود. بنابراین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتفی است. همچنین، احتمال آماره آزمون هاسمن برای فرضیه‌های اول و دوم، کمتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین برای آزمون فرضیه‌های مذکور از مدل رگرسیونی تابلویی اثرات ثابت استفاده گردید. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون لیمر و هاسمن

آزمون لیمر			آزمون هاسمن		
مدل	آماره F	سطح معناداری	الگوی انتخابی	آماره خی	سطح معناداری
مدل اول	۱۷/۳۲	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۴۷/۹۶	۰/۰۰۰۰
مدل دوم	۱۶/۴۶	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۴۲/۰۱	۰/۰۰۰۰

نتایج تخمین فرضیه اول پژوهش مبنی بر اثر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها، در نگاره (۴) ارائه شده است.

نگاره (۴): خلاصه نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیرها	ضریب	مقدار آماره تی	سطح خطا
$CSR\ score = \alpha_0 + \alpha_1 CONFIDENCE_{i,t} + \alpha_2 LEV_{i,t} + \alpha_3 SIZE_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 TENURE_{i,t} + \varepsilon$			
مقدار ثابت	-۰/۳۴۷۱	-۱/۴۰۵۰	۰/۱۶۰۴
اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل	-۰/۲۲۱۵	-۷/۷۵۴۴	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۹۱۶	۵/۳۱۶۳	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۲۸۹۴	۶/۹۳۹۶	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	۰/۵۶۶۷	۱۹/۸۰۹۳	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی مدیرعامل	۰/۰۰۴۸	۱/۱۸۴۵	۰/۲۳۶۴
آماره F	۶۲/۴۲ (۰/۰۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۵۸۰۹
آماره دورین واتسون	۱/۹۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۷۸
آماره جارک برا	۳/۷۲۸۸	احتمال آماره جارک برا	۰/۱۵۴۹

همان گونه که در نگاره (۴) مشاهده می شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰۰) است. از این رو، می توان نتیجه گرفت که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل در سطح خطای ۰/۰۵ درصد منفی (-۰/۲۲۱۵) است. به عبارت بهتر، فرضیه مزبور نشان می دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل، فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها را کاهش می دهد. از بین متغیرهای کنترلی وارد شده به مدل اهرم مالی، اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها ارتباط مثبت و معناداری با متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها دارند، اما بین متغیر دوره تصدی مدیرعامل با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری مشاهده نشد.

نتیجه فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اثر تعدیلگر مالکیت نهادی بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها، در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵): خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیرها	ضریب	مقدار آماره تی	سطح خطا
$CSR\ score = \alpha_0 + \alpha_1 CONFIDENCE_{i,t} + \alpha_2 INSTH_{i,t} + \alpha_3 CONFIDENCE_{i,t} \times INSTH_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 TENURE_{i,t} + \varepsilon$			
مقدار ثابت	-۰/۲۹۹۰	-۱/۳۳۳۶	۰/۱۸۲۷
اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل	-۰/۲۸۲۹	-۲/۷۵۵۸	۰/۰۰۱۲
مالکیت نهادی	۰/۷۸۶۳	۱۰/۶۲۴۷	۰/۰۰۰۰
اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل × مالکیت نهادی	-۰/۵۳۰۲	-۹/۶۶۸۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۳۰۸	۴/۲۳۱۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۲۴۱۰	۶/۳۷۹۴	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	۰/۳۷۲۵	۱۳/۸۵۰۹	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی مدیرعامل	۰/۰۴۶	۱/۲۹۱۶	۰/۱۹۶۹
آماره F	۵۰/۱۱ (۰/۰۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۴۸۳۸
آماره دوربین واتسون	۱/۹۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۵۱۸
آماره جاک برا	۱/۰۳۸۲	احتمال آماره جاک برا	۰/۵۹۵۰

همان گونه که در نگاره (۵) مشاهده می شود، متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر و مالکیت نهادی معنادار می باشد و مالکیت نهادی موجب تعدیل رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها می شود. از بین متغیرهای کنترلی وارد شده به مدل، متغیر اهرم مالی و اندازه شرکت و بازده دارایی ها ارتباط مثبت و معناداری با متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها دارند، اما متغیر دوره تصدی مدیرعامل هیچ ارتباطی با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها ندارند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها با نقش تعدیل گر مالکیت نهادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ پرداخته شد. فرضیه اول پژوهش نشان می دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها تأثیر منفی دارد و این بدان معنا هست که اگر مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، خود را کمتر در فعالیت های مسئولیت اجتماعی درگیر نمایند، پیامدهای نامطلوبی را برای ارزش

سهامداران به همراه خواهد داشت. از این رو، شرکت‌ها می‌توانند با استخدام مدیران با اعتماد به نفس بالا و در سطح مناسب، در کنار تأکید به درگیر شدن در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، بر ارزش خود اضافه نمایند و عملکرد مالی خود را بهبود بخشند. از سوی دیگر، فرضیه دوم نشان می‌دهد مالکیت نهادی به عنوان تعدیل‌گر بر این رابطه تأثیر معناداری داشته و در نتیجه باعث افزایش شدت رابطه‌ی موجود بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌گردد. با توجه به مبانی و عقاید مطرح شده توسط ایستین و فریدمن (۱۹۹۴)، افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان پل ارتباطی بین واحد تجاری و ذی‌نفعان است و باعث جذب سرمایه‌گذاران نهادی می‌شود. در واقع، سهامداران نهادی با نظارت فعالانه بر مدیریت و تصمیمات خود، انگیزه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند. بنابراین، سرمایه‌گذاران نهادی مدیران شرکت‌ها را به افشای اطلاعات اجتماعی در گزارش سالانه خود تشویق می‌کنند، تا بتوانند مشروعیت و افزایش ارزش شرکت را از طریق سازوکارهای بازار سرمایه که قیمت سهام شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدست آورند. همچنین، پیش از این گفته شد مالکیت نهادی موجب تعدیل رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌شود، که این نتایج با نتایج مک‌کارتی و همکاران (۲۰۱۶) همسو و با نتایج ماهونی و رابرتز، (۲۰۰۷) و پیترسن و ریندنبرگ (۲۰۰۹) نیز ناهمسو می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که سهامداران عمده و نهادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به منظور افزایش کارایی تصمیم‌گیری در خرید و فروش سهام شرکت‌ها، به مقوله اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد اجرایی توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به تفکیک هر صنعت و تأثیر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بررسی شود.

محدودیتی که در مراحل پژوهش حاضر وجود داشته و باید بدان توجه شود، این است که مدل پیش‌بینی شده برای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نسبت به هر یک از ابعاد، یک فرض مسلم و قطعی نیست.

منابع

- اقدامی، اسماعیل، مشکئی میاوقی، مهدی، کرد رستمی، سهراب، خردیار، سینا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و نگره داشت وجه نقد با تأکید بر نقش واسطه‌ای عوامل ریسک سیستماتیک و حاکمیت شرکتی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹(۳۴)، ۳۵-۴۵.
- پیرمرادی، فاطمه. (۱۳۹۳). تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات سیرجان.
- حجازی، رضوان، رجب دری، حسین. (۱۳۹۹). رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰(۴)، ۷۳-۹۲.
- خوشکار، فرزین، زارعی لاجینی، جلال، ایوبی، موسی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت در شرکت های فعال عرضه کننده محصولات بهداشتی. *فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۳(۲۴)، ۶۹-۸۶.
- دستگیر، محسن، کاکایی دهکردی، مجتبی. (۱۳۹۴). رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۲(۷)، ۴۷-۶۶.
- رهنمای رودپشتی، فریدون، زندیه، وحید. (۱۳۹۱). *مالی رفتاری و مالی عصبی (پارادایم نوین مالی) از تئوری تا عمل*، دانشگاه آزاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات.
- صالحی، اله کرم. (۱۳۹۹). تأثیر مالکیت نهادی بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اجزای سود باقیمانده و بازار. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۳(۴۶)، ۱-۱۴.
- فغانی ماکرانی، خسرو، حیدری رستمی، کرامت‌اله، امین، وحید. (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ریسک کاهش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش سرمایه‌گذاری*، ۵(۱۹)، ۲۶۹-۲۸۴.
- محمودآبادی، حمید، ایمان‌روی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی بر چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی زند شیراز.
- نصیری پوردری، سلاله، بنی مهد، بهمن، احمدزاده، حمید. (۱۳۹۵). بیش اعتمادی مدیر و بیش نمایی سود. *حسابداری مدیریت*، ۹(۳۰)، ۵۵-۶۵.

- Ben-David, I., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly journal of economics*, 128(4), 1547-1584.
- Byun, S. K., & Oh, J. M. (2018). Local corporate social responsibility, media coverage, and shareholder value. *Journal of Banking & Finance*, 87, 68-86.
- Campbell, J. L. (2007). Why would corporations behave in socially responsible ways? An institutional theory of corporate social responsibility. *Academy of management Review*, 32(3), 946-967.
- Campbell, T. C., Gammeyer, M., Johnson, S. A., Rutherford, J., & Stanley, B. W. (2011). CEO optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 695-712.
- Campello, M., Lin, C., Ma, Y., & Zou, H. (2011). The real and financial implications of corporate hedging. *The journal of finance*, 66(5), 1615-1647.
- Chin, M. K., Hambrick, D. C., & Treviño, L. K. (2013). Political ideologies of CEOs: The influence of executives' values on corporate social responsibility. *Administrative Science Quarterly*, 58(2), 197-232.
- Cheung, A. (2016). Corporate social responsibility and corporate cash holdings. *Journal of Corporate Finance*.
- Dastgir, M., Kakaii Dehkordi, M. (2015). The Relationship between CEO Overconfidence and Restated Financial Statements of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 2(7), 47-66. [In Persian]
- Deshmukh, S., Goel, A. M., & Howe, K. M. (2013). CEO overconfidence and dividend policy. *Journal of Financial Intermediation*, 22(3), 440-463.
- Dick, M., Wagner, E., & Pernsteiner, H. (2021). Founder-controlled family firms, overconfidence, and corporate social responsibility engagement: Evidence from survey data. *Family Business Review*, 34(1), 71-92.
- Eghdami, E., Meshki, M., Kordrostami, S., Kheradyar, S. (2020). Investigating the Relationship between Social Responsibility and Cash Holdings with Emphasis on the Mediating Roles of Systematic Risk Factors and Corporate Governance. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(34), 35-45. [In Persian]
- Fabrizi, M., Mallin, C., & Michelon, G. (2014). The role of CEO's personal incentives in driving corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 124(2), 311-326.
- Faghani Makarani, K., Heydari Rostami, K., Amin, V. (2016). Economic Analysis of the Possibility of a Tax on Bank Deposits. *Journal of Investment Knowledge*, 5(19), 269-284. [In Persian]
- Hamidi, E., Nikkar, J., & Hashemi Tilehnoei, M. (2021). The Impact of Corporate Social Responsibility on the Managers' Behaviors in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Iranian Journal of Finance*, 5(2), 128-151.
- Hejazi, R., Rajabdorri, H. (2020). The Relationship between Disclosure of Social Responsibility Information and accuracy of managers Forecast. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 73-92. [In Persian]

- Heaton, J. B. (2005). Managerial optimism and corporate finance. In *Advances in Behavioral Finance, Volume II* (pp. 667-684). Princeton University Press.
- Jiraporn, P., & Chintrakarn, P. (2013). How do powerful CEOs view corporate social responsibility (CSR)? An empirical note. *Economics Letters*, 119(3), 344-347.
- Jiao, Y. (2010). Stakeholder welfare and firm value. *Journal of Banking & Finance*, 34(10), 2549-2561.
- Khoshkar, F., Zarei Lachini, J., Ayoubi, M. (2020). Investigating the relationship between social responsibility and corporate financial performance in active companies supplying health products. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 3 (24), 69-86. [In Persian]
- Mahoney, L., & Roberts, R. W. (2007, September). Corporate social performance, financial performance and institutional ownership in Canadian firms. In *Accounting forum* (Vol. 31, No. 3, pp. 233-253). No longer published by Elsevier.
- Malmendier, U., & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The journal of finance*, 60(6), 2661-2700. Malmendier, U., Tate, G., & Yan, J. (2011). Overconfidence and early-life experiences: the effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of finance*, 66(5), 1687-1733.
- Mahmoudabadi, H; Imanrooy, Z. (2016). *Study of the effect of corporate social responsibility and financial performance on cost stickiness in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master Thesis*, Zand Higher Education Institute, Shiraz. [In Persian]
- McWilliams, A., & Siegel, D. (2001). Corporate social responsibility: A theory of the firm perspective. *Academy of management review*, 26(1), 117-127.
- El Ghouli, S., Guedhami, O., Kwok, C. C., & Mishra, D. R. (2011). Does corporate social responsibility affect the cost of capital?. *Journal of Banking & Finance*, 35(9), 2388-2406.
- McCarthy, S., Oliver, B., & Song, S. (2017). Corporate social responsibility and CEO confidence. *Journal of Banking & Finance*, 75, 280-291.
- Mohammadi, S., Saeidi, H., & Naghsbandi, N. (2020). The impact of board and audit committee characteristics on corporate social responsibility: evidence from the Iranian stock exchange. *International Journal of Productivity and Performance Management*.
- Monks, R., & Minow, N. (1995). *Corporate Governance* Blackwell. Cambridge, MA.
- NasiriPour Dori, S., Banimahd, B., Ahmadzadeh, H. (2016). Managerial Overconfidence and Earnings Overstatement. *Management Accounting*, 9(30), 55-65. [In Persian]
- Park, K. H., Byun, J., & Choi, P. M. S. (2020). Managerial overconfidence, corporate social responsibility activities, and financial constraints. *Sustainability*, 12(1), 61.
- Petersen, H. L., & Vredenburg, H. (2009). Morals or economics? Institutional investor preferences for corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 90(1), 1-14. Pirmoradi, F. (2014). *The effect of management distrust on the quality of*

- earnings in Tehran's securities*, M.Sc. Thesis, Islamic Azad University of Sirjan Research Sciences. [In Persian]
- Porter, M.E., Kramer, M.R., (2006). Strategy & society: the link between competitive advantage and Corporate Social Responsibility. *Harvard Business Review*, 84(12), 78-92.
- Petrenko, O. V., Aime, F., Ridge, J., & Hill, A. (2016). Corporate social responsibility or CEO narcissism? CSR motivations and organizational performance. *Strategic Management Journal*, 37(2), 262-279.
- Rahnama Roodposhti, F., Zandie, V. (2012). *Behavioral finance and neurofinance (the new paradigm in finance) bridging the gap between theory and practice*, Islamic Azad university: Printing and Publishing Organization. [In Persian]
- Salehi, A. (2020). The effect of institutional ownership on performance measurement indicators based on residual income and market components. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 13(46), 1-14. [In Persian]
- Salehi, M., Naeini, A. A. A., & Rouhi, S. (2020). The relationship between managers' narcissism and overconfidence on corporate risk-taking. *The TQM Journal*.
- Sundaramurthy, C., Rhoades, D. L., & Rechner, P. L. (2005). A meta-analysis of the effects of executive and institutional ownership on firm performance. *Journal of Managerial Issues*, 494-510.
- Schaefer, P. S., Williams, C. C., Goodie, A. S., & Campbell, W. K. (2004). Overconfidence and the big five. *Journal of research in Personality*, 38(5), 473-480.
- Vogel, D. (2007). *The market for virtue: The potential and limits of corporate social responsibility*. Brookings Institution Press.
- Wahba, H. (2010). How do institutional shareholders manipulate corporate environmental strategy to protect their equity value? A study of the adoption of ISO 14001 by Egyptian firms. *Business*



رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

رضا جامعی^۲، سیامک رنجوری^۳ و نیلوفر محمدی کلاره^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

نیاز به دارو و خدمات درمانی از جمله نیازهای اساسی در جوامع امروزی است. به منظور برآوردن این نیازها و تأمین بودجه مورد نظر، شرکت‌ها موظف به سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و توسعه می‌باشند که تخصیص و تصمیم‌گیری در مورد این منابع و بودجه‌بندی‌ها برای رسیدن به اهداف موردنظر از جمله وظایف مدیران می‌باشد و همچنین معاملات با اشخاص وابسته به دلیل سیاست‌ها و دیدگاه‌های خاص می‌تواند در اتخاذ تصمیمات پژوهش و توسعه و بیش‌اعتمادی مدیران اثرگذار باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، تعداد ۲۱ شرکت دارویی از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ به عنوان نمونه انتخاب و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از الگوی رگرسیون چند متغیره و به منظور برازش الگوی رگرسیون، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه، دارای رابطه مثبت و معنادار هستند و معاملات با اشخاص وابسته، سبب تضعیف رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به اینکه دارو و درمان در جوامع امروزی دارای نقش به‌سزایی هستند، وجود مدیران بیش‌اعتماد سبب تخصیص بودجه بیشتری به مخارج پژوهش و توسعه می‌شود و انگیزه سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه به واسطه وجود معاملات با اشخاص وابسته تا حدی کاهش می‌یابد، که می‌تواند در پیاده‌سازی این امور اثرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: مخارج پژوهش و توسعه، بیش‌اعتمادی مدیران، معاملات با اشخاص وابسته.

طبقه بندی موضوعی: M12, O32

DOI: 10.22051/JAASCI.2021.31594.1591

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. نویسنده مسئول. (r.jamei@uok.ac.ir)

۳. کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (siamak.ranjouri@gmail.com)

۴. کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (nilo.mohamadi.2017@gmail.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

امروزه از جمله صنایعی که در تأمین نیازهای اساسی جامعه دارای نقش به‌سزایی هستند می‌توان به صنعت دارو اشاره کرد و در این راستا، فعالیت‌های پژوهش و توسعه از جایگاهی بالایی برخوردار می‌باشند. فعالیت‌های پژوهش و توسعه به منظور بهبود عملکرد و افزایش توان سازمان‌ها فرصت‌های کسب و کار زیادی را به وجود می‌آورند و یا در جهت بهبود و توسعه فرصت‌های قبلی فعالیت می‌کنند (محمدزاده و کامیاب، ۱۳۹۳). به عبارتی دیگر پژوهش و توسعه به فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که سبب تولید محصول جدید و یا بهبود در محصولات قدیمی می‌گردد که در مجموع سبب افزایش و ارتقا دانش می‌شود (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶). به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با تکنولوژی بالا به منابع جهت تأمین بودجه نیاز است که به واسطه تدابیر مدیران، ممکن است این نیازها برطرف گردد. با توجه به میزان ریسک نوآوری و با توجه به اینکه اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری بر عهده مدیران است و در برخی موارد در شرکت‌ها مدیران بیش‌اعتماد وجود دارند و حضور آنان برای اینگونه شرکت‌ها مناسب است (کاس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷)، زیرا این مدیران اصولاً به توانایی‌های خود در کسب بازدهی خوش‌بین هستند و این احتمال را می‌دهند که موفقیت آنها نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر است. بنابراین، آنها نسبت به مدیران سایر شرکت‌ها، زمان بیشتری را به تداوم فعالیت‌های شرکت اختصاص می‌دهد و در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری نیز خوش‌بین‌تر هستند (بشکوه و کشاورز، ۱۳۹۷). حال در این پژوهش به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه پرداخته شد.

معاملات با اشخاص وابسته از جمله شایع‌ترین رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت است، که در عین اینکه از ویژگی‌های معمول فعالیت‌های تجاری برخوردار است، می‌تواند بر عملکرد واحد تجاری نیز تأثیرگذار باشد. معاملات با اشخاص وابسته در درون یک شرکت، شرکت‌ها را مانند بازار بسته به یکدیگر پیوند می‌دهد یعنی بیشتر به معاملات داخلی توجه می‌شود و می‌تواند از طریق رونق فروش، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و انتفاع از هم‌افزایی، نقش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه را تکمیل کند. به عبارتی دیگر با توجه به اینکه شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته به دنبال سود سهامداران اکثریت هستند، اینگونه شرکت‌ها بیشتر به دنبال تأمین منافع خاص خود

می‌باشند و در صدد نوآوری و یا انجام مخارج پژوهش و توسعه و به تبع آن ریسک کردن نمی‌باشند. در نتیجه با توجه به نفوذ و تأثیر اشخاص وابسته در شرکت‌ها، بیشتر مدیرانی در رأس کار قرار می‌گیرند که در جهت پیشبرد اهداف اشخاص وابسته باشند.

ضرورت و انگیزه پژوهش حاضر به دلیل اهمیت سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه در راستای افزایش کیفی عوامل و دستیابی به جایگاه قابل‌تامل پژوهش‌ها در برنامه‌های توسعه و بر طرف نمودن همه‌جانبه نیازهای جوامع است. از جمله نیازهای جوامع، می‌توان به دارو اشاره کرد. گسترش صنعت داروسازی به دلیل پدید آمدن انواع جدید بیماری، تأکید بر بهبود کیفیت زندگی و سلامت جامعه و نیز بالا رفتن طول عمر زندگی در این صنعت به لحاظ تأمین اهداف اقتصادی و سیاسی همواره از سوی قانون‌گذاران و دولت‌مردان مورد توجه به خصوصی قرار گرفته است. این اهداف در سازمان‌ها به واسطه توجه ویژه به فعالیت‌های پژوهش و توسعه محقق نخواهد شد. فعالیت‌های پژوهش و توسعه در این صنعت با وجود اهمیت بالا دیر بازده بوده و یا به عبارتی دستیابی به نتایج و به ثمر رسیدن پژوهش‌ها نیازمند صرف زمان زیادی می‌باشد.

بر این اساس، در ادامه پس از مرور مبانی نظری پژوهش و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش مطرح شده و سپس روش و طرح پژوهش ارائه خواهد شد و در پایان به تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

امروزه شرکت‌ها برای بالا بردن جایگاه خود در میان رقبا و حفظ مزیت رقابتی نیازمند سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه می‌باشند. بدین ترتیب با توجه به ارزش اساسی اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها و به منظور باقی ماندن در صحنه رقابت با ایجاد، نگهداری و افزایش منافع حاصل از آن‌ها در پی مستحکم کردن جایگاه خود در بازار هستند. به همین ترتیب به دلیل اهمیت روزافزون پژوهش‌ها، شناخت و درک صحیح از مخارج پژوهش و توسعه امری ضروری به نظر می‌رسد. بدین روی پژوهش و توسعه را پژوهش‌های محض و کاربردی می‌دانند که به منظور افزایش دانش و ایجاد نوآوری‌ها و همچنین گسترش این نوآوری‌ها در زمینه‌های متفاوت به کار گرفته می‌شوند که در شرکت‌ها و سازمان‌ها دارای اهمیت به‌سزایی هستند

و در مجموع می‌توانند در ارتقای سازمان مؤثر باشند (کاس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). فعالیت‌های پژوهش و توسعه که به منظور بهبود در وضعیت موجود انجام می‌گردد، به دلیل نیاز جوامع کنونی به تولید محصولات به‌روز و جدید منظور می‌شوند و بیشتر این فعالیت‌ها در شرکت‌های دارویی، الکترونیکی و رایانه به کار گرفته می‌شوند، زیرا با توجه به نیاز جوامع، این محصولات نیازمند به‌روز شدن و ارتقا می‌باشند. به بیانی دیگر، پژوهش و توسعه به اقداماتی گفته می‌شود که برای دستیابی به راه‌کارهای نو و یا کشف محصولات جدید و همچنین گسترش محصولات قدیمی صورت می‌گیرد، با این هدف که در ارتقای سازمان متمرکز باشد و در بهبود و رشد سازمان مؤثر واقع گردد، به گونه‌ای که ماحصل این پژوهش‌ها در روند رشد سازمان تأثیر بسزایی داشته باشد (محمدزاده و کامیاب، ۱۳۹۳). از طرفی از آنجاییکه نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری در مخارج پژوهش و توسعه با عدم اطمینان و ریسک همراه است، بنابراین تصمیم به سرمایه‌گذاری در این بخش امری دشوار به نظر می‌رسد و این موضوع در شرکت‌های خصوصی، نمایان‌تر است.

یکی از ارکان‌های مهم تصمیم‌گیری درون سازمان‌ها، مدیران هستند و این مدیران نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری و بازدهی شرکت‌ها دارند. به عبارتی، می‌توان گفت که رشد و گسترش در شرکت‌ها و موفقیت و شکست آن‌ها در گرو تصمیم‌های مدیران است. سیاست‌های نوآوری یکی از تصمیم‌های شرکت است که با نگرش‌های مدیریتی به ریسک و عدم قطعیت در ارتباط است. با توجه به عدم اطمینان فعالیت‌های پژوهش و توسعه و همچنین اخذ تصمیمات مناسب از سوی مدیران، تصمیمات مربوط به فعالیت‌های پژوهش و توسعه، توسط مدیران تحت تأثیر عوامل رفتاری-شناختی آن‌ها است. یکی از این عوامل، وجود اعتماد به نفس بیش از حد مدیران^۱ است. اینگونه مدیران، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود و شرکت را بالاتر از حد می‌دانند و موارد ضعف را نیز نادیده می‌گیرند (حبیب و محمدی، ۲۰۱۸؛ احمد و دوئل من، ۲۰۱۳).

مخارج پژوهش و توسعه به دنبال نوآوری، ابداع و همگام شدن با علم می‌باشند. شرکت‌ها مجبوراند برای حفظ مزیت رقابتی و بالا بردن جایگاه خود در میان رقبا به مخارج پژوهش و توسعه

روی بیاورند. همگام‌سازی و نوآوری مستلزم انجام مخارجی می‌باشد که گاه منتج به هدف و گاهی نیز بی‌نتیجه و فاقد هر گونه ارزش افزوده‌ای برای شرکت‌ها می‌باشد. مدیران بیش‌اعتماد به دلیل دید مثبتی که نسبت به نتایج عملیات خود دارند به ریسک سرمایه‌گذاری‌های پژوهش و توسعه نیز خوش‌بین‌تر هستند و مبالغ بیشتری را به سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند. در حالیکه در شرکت‌هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته هستند، سهامداران اکثریت (کنترلی) انگیزه زیادی برای استفاده از منابع شرکت در جهت منافع و مقاصد شخصی خود به جای منافع سهامداران اقلیت دارند، در نتیجه انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در مخارج پژوهش و توسعه وجود ندارد (اسماعیل‌زاده مفری و همکاران، ۱۳۹۵؛ نعمتی، ۱۳۹۸).

حال با اینکه برخی مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه حاکی از اثر مثبت فعالیت‌های پژوهش و توسعه بر رشد اقتصادی و ارزش افزوده صنایع با فناوری بالا است، اما هنوز زمینه بررسی بیشتر در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (کیم و یوو، ۲۰۱۷). در ایران که از جمله کشورهای در حال توسعه است، علی‌رغم وجود پتانسیل‌ها و زیربنای فیزیکی و سرمایه انسانی مناسب، خلأ پژوهشی و به تبع عدم توجه به هزینه‌های پژوهش و توسعه در گزارش‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌ها، کاملاً مشهود است.

پیشینه پژوهش

الملکی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با بررسی رابطه بین خودشیفتگی، بیش‌اعتمادی مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به این نتیجه رسیدند که بین خودشیفتگی مدیریتی با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در ایران ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. آن‌ها با بررسی شرکت‌های عراقی، ارتباط منفی بین این دو متغیر را نیز نشان دادند. در ادامه نتایج، آن‌ها نشان می‌دهند که بیش‌اعتمادی مدیران و مقایسه صورت‌های مالی در هر دو کشور ایران و عراق، رابطه منفی دارد.

چوی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با بررسی رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به این نتیجه رسیدند که بین معاملات اشخاص وابسته و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارتی شرکت‌هایی به معاملات با اشخاص وابسته

بیشتر تمایل دارند که هزینه‌های زیست‌محیطی کمتری متحمل شوند و به تبع این شرکت‌ها انتشار گزارش‌های زیست‌محیطی کمتری نیز دارند.

صفری گریلی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با بررسی بیش‌اعتمادی مدیران و ضعف‌های کنترل داخلی: شواهدی از شرکت‌های ایرانی به این نتیجه رسیدند که بین بیش‌اعتمادی مدیران و ضعف کنترل داخلی شرکت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بیش‌اعتمادی مدیران ضعف کنترل داخلی شرکت را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، رابطه مثبت بین بیش‌اعتمادی مدیران و ضعف کنترل داخلی در شرکت‌های بزرگ‌تر، کمتر مشخص است.

هور و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با بررسی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه به این نتیجه رسیدند که مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بیش‌از حد هستند حتی زمانیکه فروش آن‌ها کاهش می‌یابد تمایلی به کاهش هزینه‌های پژوهش و توسعه ندارند و از اختیارات خود جهت تنظیم میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه استفاده می‌نمایند و در نهایت آن‌ها به رابطه مثبت بیش‌اعتمادی مدیران با مخارج پژوهش و توسعه، دست یافتند.

راشد و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان رابطه بین مالکیت سهامداران مؤسس، معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت در هند به این نتیجه رسیدند که بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همچنین مالکیت سهامداران مؤسس، هیچ تأثیری بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت، ندارد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت بر مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر نقش بیش‌اعتمادی مدیران به این نتیجه رسیدند که بین ارتباطات سیاسی و مخارج پژوهش و توسعه رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارتی، آن‌ها به این امر اشاره دارند که در شرکت‌هایی که روابط سیاسی برقرار است، مبالغ کمتری به مخارج پژوهش و توسعه اختصاص می‌یابد و از طرفی بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و این امر حاکی از آن است که مدیران بیش‌اعتماد سبب می‌شوند تا مبالغ بیشتری به پژوهش و توسعه اختصاص یابد و در نهایت بیش‌اعتمادی مدیران این رابطه را تقویت می‌کند.

کیم و یوو (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته، بر رابطه بین مخارج پژوهش و توسعه و ارزش شرکت پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نسبت بالاتر معاملات با اشخاص وابسته با مخارج پژوهش و توسعه، دارای رابطه منفی است و وجود معاملات با اشخاص وابسته، رابطه مثبت بین مخارج پژوهش و توسعه و ارزش شرکت، را تعدیل می‌کند. به عبارتی، این مطالعه با تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر هزینه پژوهش و توسعه و اثربخشی متعاقب بر روی مقادیر شرکت به اشخاص مرتبط کمک می‌کند، تا ماهیت معاملات با اشخاص وابسته مربوط به پژوهش و توسعه و عملکردهای شرکت را درک کنند و تصمیم‌های لازم را اتخاذ نمایند.

مرادی و تحقیقی (۱۴۰۰) تاثیر جریان نقد عملیاتی بر مخارج پژوهش و توسعه با تاکید بر نقش شایستگی مدیران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، جریان نقد عملیاتی و پاداش نقدی تاثیر معنادار و مثبتی بر مخارج پژوهش و توسعه شرکت‌ها دارد و پاداش غیر نقدی تاثیر معناداری ندارد. همچنین، نتایج حاکی از تاثیر منفی پاداش نقدی بر رابطه بین جریان نقد عملیاتی و مخارج پژوهش و توسعه است و پاداش غیر نقدی تاثیر معناداری ندارد.

آقایی و امری اسرمی (۱۴۰۰) تاثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر رابطه بین نگهداشت وجه نقد با بازده مازاد را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، نگهداشت وجه نقد با بازده مازاد سهام تاثیر مثبت و معنادار و بیش‌اعتمادی مدیریت با بازده مازاد سهام شرکت نیز رابطه منفی و معنادار، دارد. بیش‌اعتمادی مدیریت بر رابطه بین نگهداشت وجه نقد با بازده مازاد سهام شرکت تاثیر منفی و معنادار دارد. با افزایش اطمینان مدیریت، درصد بازده مازاد کاهش می‌یابد. مدیران بیش‌اعتماد، با نگهداشت وجه نقد در سطح بالاتر، موجب سرمایه‌گذاری بیش از حد شده و این موضوع منجر به کاهش بازده مازاد می‌شود.

حاجیها و آزادزاده (۱۳۹۹) رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری: بررسی نقش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین معیار دوم هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته نیز ارتباط مثبتی، وجود دارد.

برزگر و حقیقت (۱۳۹۹) اثر تعدیل کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افزایش هزینه پژوهش و توسعه و ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، بین افزایش هزینه پژوهش و توسعه و ارزش شرکت رابطه مثبت و همچنین بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به علاوه، معاملات با اشخاص وابسته رابطه بین افزایش هزینه پژوهش توسعه و ارزش شرکت را تضعیف می‌کند.

بزرگ‌اصل و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، بیش اطمینانی مدیران و مالکیت نهادی، تأثیر مثبت و معناداری بر اهرم مالی شرکت دارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که مالکیت نهادی، رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اهرم مالی شرکت را تضعیف می‌کند.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه راهبری شرکتی و مخارج پژوهش و توسعه شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که سیاست‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها از نظام راهبری شرکتی شرکت، تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، به منظور فراهم نمودن زمینه‌ای مناسب برای فعالیت‌های پژوهش و توسعه در صنایع دانش‌بنیان مانند صنعت دارو، توجه بیش از پیش به رعایت نظام راهبری شرکتی ضروری به نظر می‌رسد.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش، انتظار می‌رود بین بیش اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته رابطه معناداری وجود داشته باشد. بر اساس اساس، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین بیش اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بیش اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه اثر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - همبستگی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ زمان انجام پژوهش از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی (غیرتجربی) است و از لحاظ نوع استدلال برای نتیجه‌گیری، جزء پژوهش‌های استقرایی تلقی می‌شود.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۹ ساله ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ است و به منظور انتخاب نمونه مناسب، معیارهایی از جمله: (۱) سال مالی مورد نظر منتهی به پایان اسفند ماه باشد، (۲) شرکت‌های مورد نظر جزء شرکت‌های مالی، سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد، (۳) طی قلمرو پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد و (۴) اطلاعات مورد نیاز مربوط به متغیرها در دسترس باش، لحاظ شد. در نتیجه تعداد ۲۱ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. همچنین داده‌های مورد نیاز پژوهش از نرم افزار ره آورد نوین و یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی گردآوری شد. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های ترکیبی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از الگوی رگرسیون چند متغیره به روش حداقل مربعات تعمیم یافته و نرم افزار Excel نسخه ۲۰۱۳، Eviews نسخه ۱۰ استفاده شده است.

مدل‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مدل‌های پژوهش به شرح زیر است:

$$R\&D_{it} = \alpha + \beta_1 OCD + \beta_2 ASSET + \beta_3 LN_AGE + \beta_4 ROA + \beta_5 SHARE + \beta_6 BIND + \varepsilon_{i,t}$$

$$R\&D_{it} = \alpha + \beta_1 OCD + \beta_2 RPT + \beta_3 OCD * \beta_4 RPT + \beta_5 ASSET + \beta_6 LN_AGE + \beta_7 ROA + \beta_8 SHARE + \beta_9 BIND + \varepsilon_{i,t}$$

در این مدل‌ها متغیرها به شرح زیر است:

مخارج پژوهش و توسعه (R&D)؛ بیش‌اعتمادی مدیران (OCD)؛ معامله با اشخاص وابسته (RPT)؛ اندازه شرکت (ASSET)؛ سن شرکت (LN_AGE)؛ نرخ بازده دارایی (ROA)؛ سهامداران عمده (SHARE)؛ استقلال هیئت مدیره (BIND).

متغیرها و مدل‌های پژوهش

متغیر وابسته

مخارج پژوهش و توسعه (R&D): اطلاعات مخارج پژوهش و توسعه از یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی استخراج شده است و از جمع اقلامی از قبیل: هزینه پژوهش و توسعه، تجهیزات طرح توسعه، دریافتی و پرداختی طرح توسعه، پروژه‌های پژوهشی، توسعه آزمایشگاه‌ها و ... بدست می‌آید. در نهایت مخارج پژوهش و توسعه بر به کل درآمد فروش سالانه شرکت، تقسیم شده است.

متغیر مستقل

بیش‌اعتمادی مدیران (OCD): این متغیر بر اساس خطای مدل زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\Delta Asset = a_0 + a_1 \Delta Sale + \varepsilon_0$$

تغییرات دارایی ($\Delta Asset$): تغییر در دارایی‌های سال جاری t شرکت نسبت به سال قبل.

تغییرات فروش ($\Delta Sale$): تغییر فروش سال t شرکت نسبت به سال قبل می‌باشد که درآمد ناشی از فروش محصولات و ارائه خدمات از صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج شده است.

ε_0 : خطای مدل که بیانگر بیش‌اعتمادی مدیران می‌باشد.

برای همگن شدن داده‌ها در سطح همه شرکت‌ها، متغیرهای مدل بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است. این مدل توسط (احمد و دونل من، ۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیران، ارائه شده است. مبانی نظری این مدل بر این پایه استوار است که رشد دارایی‌ها باید تابعی از رشد فروش باشد. آن بخش از رشد دارایی‌ها که تابعی از فروش نیست، ناشی از رفتار متهورانه و ریسک‌پذیری مدیر می‌باشد که در مقادیر خطای مدل، قرار می‌گیرد.

متغیر تعدیلگر

متغیر تعدیلگر در این پژوهش معامله با اشخاص وابسته (RPT) می‌باشد که عموماً به صورت (انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن) تعریف می‌شود. به علاوه نتایج و وضعیت مالی شرکت به خاطر صرف وجود اشخاص وابسته (حتی اگر معامله‌ای صورت نگیرد) تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اطلاعات معاملات با اشخاص وابسته از یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی استخراج شده است و از تقسیم ارزش ریالی معاملات با اشخاص وابسته به جمع دارایی‌ها در پایان سال شرکت به دست می‌آید (رضایی و حسینی، ۱۳۹۶).

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش متغیرهای کنترلی به شرح زیر است:

اندازه شرکت (ASSET): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت، است.

سن شرکت (LN_AGE): لگاریتم طبیعی مدت زمان سال ورود به بورس تا پایان هر سال، است.

نرخ بازده دارایی (ROA): نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها، است.

سهامداران عمده (SHARE): مجموع سهام در اختیار پنج سهامدار بزرگ، است.

استقلال هیئت مدیره (BIND): نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت مدیره، است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی به تلخیص، توصیف و توضیح ویژگی‌های مهم داده‌ها گفته می‌شود. معمولاً برای شناخت بهتر جامعه پژوهشی و در جهت آشنا شدن با متغیرهای پژوهش، توصیف داده‌ها، قبل از

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری انجام می‌شود. آمار توصیفی متغیرهای استفاده شده در این پژوهش در نگاره ۱ منعکس شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره ۱، در ارتباط با متغیر وابسته هزینه پژوهش و توسعه، از بین ۱۸۷ مشاهده به طور میانگین تنها ۰/۰۰۳ آن‌ها از هزینه پژوهش و توسعه بهره می‌گیرند.

میانگین معاملات با اشخاص وابسته برای شرکت‌های مورد مطالعه، برابر ۰/۲۱۳ و میانه آن نیز برابر ۰/۲۵۶ است. به دلیل کوچک‌تر بودن میانگین از میانه نتیجه گرفته می‌شود که توزیع داده‌های مربوط به این متغیر دارای چولگی به سمت چپ است. انحراف معیار این متغیر نیز برابر ۰/۲۹۸ است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
هزینه پژوهش و توسعه	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸
بیش اعتمادی مدیران	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۶۷۹	-۰/۴۱۷	۰/۱۴۹
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۲۱۳	۰/۲۵۶	۱/۷۱۲	-۰/۱۹۰	۰/۲۹۸
اندازه شرکت	۱۴/۲۴۱	۱۴/۱۹۷	۱۵/۹۳۹	۱۲/۲۸۹	۰/۸۴۷
سن شرکت	۲/۸۹۰	۲/۸۴۵	۳/۱۷۸	۱/۹۴۵	۰/۲۱۷
نرخ بازده دارایی	۰/۱۴۹	۰/۱۵۵	۰/۴۰۹	-۰/۲۰۵	۰/۱۰۸
سهامداران عمده	۰/۸۷۱	۰/۸۳۴	۰/۹۶۳	۰/۴۷۰	۰/۱۱۳
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۰۰	۰/۶۳۹	۰/۸۰۰	۰/۴۰۰	۰/۱۱۸

همبستگی متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی، ارتباط متغیرهای وابسته و مستقل مدل را نشان می‌دهد و تعیین کننده شدت و جهت همبستگی بین دو متغیر است. نگاره ۲ نتایج همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

نگاره (۲): ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

همبستگی	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
هزینه پژوهش و توسعه (۱)	۱							
بیش‌اعتمادی مدیران (۲)	۰/۲۴۶۴*	۱						
معاملات با اشخاص وابسته (۳)	-۰/۰۳۸۱	-۰/۲۶۵۱**	۱					
اندازه شرکت (۴)	-۰/۲۵۰۹**	-۰/۱۵۵۰**	۰/۰۰۳۵	۱				
سن شرکت (۵)	۰/۰۴۱۲	-۰/۱۳۴۳	-۰/۲۱۳۹*	۰/۴۶۷۰*	۱			
نرخ بازده دارایی (۶)	-۰/۳۵۱۸**	۰/۱۵۷۹**	۰/۱۳۷۱	۰/۰۵۵۷	-۰/۱۳۹۷	۱		
سهامداران عمده (۷)	۰/۱۶۱۹**	-۰/۲۲۴۳**	۰/۲۴۱۷*	۰/۳۱۲۲*	-۰/۰۱۱۰	۰/۱۶۱۸*	۱	
استقلال هیئت مدیره (۸)	-۰/۱۹۱۷*	-۰/۱۰۳۱	-۰/۰۸۹۴	-۰/۰۷۵۹	-۰/۰۶۱۹	۰/۱۵۷۰*	۰/۰۰۶۴	۱

* معناداری در سطح ۵ درصد و دارای همبستگی مثبت

** معناداری در سطح ۵ درصد و دارای همبستگی منفی

آزمون مانایی متغیری پژوهش

نگاره (۳): آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	لوین، لین و چو		نتایج
	مقدار آماره	معناداری	
هزینه پژوهش و توسعه	-۱۲/۴۱	۰/۰۰۰۰	مانا
بیش‌اعتمادی مدیران	-۹/۶۱	۰/۰۰۰۰	مانا
معاملات با اشخاص وابسته	-۶/۳۰	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	-۹/۵۷	۰/۰۰۰۰	مانا
سن شرکت	-۹/۲۰	۰/۰۰۰۰	مانا
نرخ بازده دارایی	-۹/۸۴	۰/۰۰۰۰	مانا
سهامداران عمده	-۱۸/۰۲	۰/۰۰۰۰	مانا
استقلال هیئت مدیره	-۳/۲۱	۰/۰۰۰۷	مانا

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول پژوهش برابر است با: بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه رابطه معناداری وجود دارد.

نگاره (۴) خلاصه نتایج آزمون F لیمر و هاسمن را برای فرضیه اول نشان می‌دهد.

نگاره (۴): خلاصه نتایج آزمون F لیمر و هاسمن فرضیه اول

نوع آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۵/۴۶۴	۲۰/۱۳۹	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
آزمون هاسمن	۱۴/۱۸۴	۶	۰/۰۲۷	اثرات ثابت

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده از آزمون F لیمر کوچک‌تر از ۵ درصد است. فرض H_0 رد شده و فرض مقابل پذیرفته می‌شود؛ از این رو باید از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود. سطح معناداری محاسبه شده از آزمون هاسمن نیز برابر ۰/۰۲۷ و کوچک‌تر از ۵ درصد است؛ بنابراین، فرض H_0 رد می‌شود؛ رد فرض H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و باید از روش اثرات ثابت استفاده شود. به این ترتیب از مدل با اثرات ثابت برای آزمون فرضیه اول، استفاده می‌شود. با توجه به نگاره (۵)، مقدار شاخص عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ به دست آمد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. به منظور بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی از احتمال آماره F در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره F به دست آمده (۸/۷۰۳) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که الگو در کل از معناداری خوبی برخوردار است؛ همچنین، به منظور بررسی معنادار بودن ضرایب همبستگی از احتمال آماره t در سطح ۵ درصد استفاده شده است.

با توجه به اینکه ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۴ درصد است و اختلاف آن با ضریب تعیین بسیار کم است، نشان می‌دهد که متغیرهای انتخابی برای تخمین مدل به درستی انتخاب شده‌اند. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون یعنی ۱/۷۷۹، حاکی از آن است که بین باقیمانده‌ها همبستگی سریالی وجود ندارد.

آزمون فرضیه اول

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب رگرسیونی	آماره تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰/۰۴۱	۱۵/۶۷۵	۰/۰۰۰	---
بیش‌اعتمادی مدیران	OCD	۰/۰۰۲	۲/۹۷۹	۰/۰۰۳	۱/۱۰۸
اندازه شرکت	ASSETS	-۰/۰۰۱	-۵/۴۰۶	۰/۰۰۰	۱/۴۸۸
سن شرکت	LN-AGE	۰/۰۰۳	۴/۴۵۳	۰/۰۰۰	۱/۳۸۸
نرخ بازده دارایی	ROA	-۰/۰۰۶	-۲/۵۲۲	۰/۰۱۲	۱/۱۰۰
سهامداران عمده	SHARE	-۰/۰۱۷	-۳/۶۹۶	۰/۰۰۰	۱/۲۰۷
استقلال هیئت مدیره	BIND	-۰/۰۰۰۴	-۰/۳۱۷	۰/۷۵۱	۱/۰۴۰
آماره F			۸۷۰۳		
سطح معناداری F			۰/۰۰۰		
ضریب تعیین			۰/۶۱۹		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۵۴۸		
آماره دورین-واتسون			۱/۷۷۹		

نتیجه تخمین مدل برای متغیرهای پژوهش در فرضیه اول نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی متغیر بیش‌اعتمادی مدیران مثبت و این ضریب در سطح ۹۵ درصد معنادار است، طبق نگاره ۵، ضریب متغیر مستقل بیش‌اعتمادی مدیران در فرضیه اول برابر با (۰/۰۰۲) است که از لحاظ آماری معنادار است. به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. در نتیجه با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت بین بیش‌اعتمادی مدیران و هزینه پژوهش و توسعه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. از بین متغیرهای کنترلی موجود در مدل، تأثیر متغیرهای اندازه شرکت (ASSET)، سن شرکت (LN-AGE)، نرخ بازده دارایی (ROA) و سهامداران عمده (SHARE) بر هزینه پژوهش و توسعه معنادار است.

فرضیه دوم پژوهش برابر است با معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه اثر معناداری دارد.

نگاره (۶) خلاصه نتایج آزمون F لیمر و هاسمن را برای فرضیه دوم نشان می‌دهد.

نگاره (۶): خلاصه نتایج آزمون F لیمر و هاسمن فرضیه دوم

نوع آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۵/۲۳۴	۲۰/۱۳۶	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
آزمون هاسمن	۱۵/۸۸۱	۸	۰/۰۴۴	اثرات ثابت

همان گونه که ملاحظه می شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده از آزمون F لیمر کوچک تر از ۵ درصد است. فرض H_0 رد شده و فرض مقابل پذیرفته می شود؛ از این رو باید از روش داده های تابلویی استفاده نمود. سطح معناداری محاسبه شده از آزمون هاسمن نیز کوچک تر از ۵ درصد است؛ بنابراین، فرض H_0 رد می شود؛ رد فرض H_0 نشان می دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می باشد و باید از روش اثرات ثابت استفاده شود. به این ترتیب از مدل با اثرات ثابت برای آزمون فرضیه دوم، استفاده می شود.

با توجه به نگاره (۷) جهت اطمینان از اینکه ارتباط خطی میان متغیرهای مستقل، بر نتایج پژوهش اثرات نامطلوبی خواهد داشت یا خیر، عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شده است. مقدار شاخص عامل تورم واریانس برای تمامی متغیرها کمتر از ۱۰ به دست آمد. بنابراین؛ هم خطی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد. به منظور بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی از احتمال آماره F در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره F به دست آمده (۷/۸۳۰) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می توان بیان کرد که الگو در کل از معناداری خوبی برخوردار است. همچنین، به منظور بررسی معنادار بودن ضرایب همبستگی از احتمال آماره تی در سطح ۵ درصد استفاده شد.

با توجه به اینکه ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۳ درصد است و اختلاف آن با ضریب تعیین بسیار کم است، نشان می دهد که متغیرهای انتخابی برای تخمین مدل به درستی انتخاب شده اند. همچنین مقدار آماره دورین-واتسون یعنی ۱/۸۵۵ حاکی از آن است که بین باقیمانده ها همبستگی سریالی وجود ندارد.

آزمون فرضیه دوم

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد	ضریب رگرسیونی	آماره تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰/۰۳۶	۱۱/۲۳۷	۰/۰۰۰	---
بیش اعتمادی مدیران	OCD	۰/۰۰۵	۲/۳۲۹	۰/۰۲۱	۱/۴۵۴
بیش اعتمادی مدیران - معاملات با اشخاص وابسته	OCD*RPT	-۰/۰۱۱	-۲/۱۳۶	۰/۰۰۰	۱/۳۵۰
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۰/۰۰۰	۱/۱۰۶	۰/۲۷۰	۱/۲۶۱
اندازه شرکت	ASSETS	-۰/۰۰۱	-۳/۳۵۹	۰/۰۰۱	۱/۴۸۸
سن شرکت	LN-AGE	۰/۰۰۲	۲/۴۴۴	۰/۰۱۵	۱/۴۷۲
نرخ بازده دارایی	ROA	-۰/۰۰۷	-۲/۲۱۴	۰/۰۲۸	۱/۱۴۸
سهامداران عمده	SHARE	-۰/۰۱۵	-۳/۳۱۳	۰/۰۰۱	۱/۲۷۴
استقلال هیئت مدیره	BIND	-۰/۰۰۱	-۰/۷۵۱	۰/۴۵۳	۱/۰۹۰
آماره F			۷/۸۳۰		
سطح معناداری F			۰/۰۰۰		
ضریب تعیین			۰/۶۱۷		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۵۳۸		
آماره دورین-واتسون			۱/۸۵۵		

نتیجه تخمین مدل برای متغیرهای پژوهش در فرضیه دوم نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی متغیر مستقل بیش‌اعتمادی مدیران*معاملات با اشخاص وابسته منفی و این ضریب در سطح ۹۵ درصد معنادار است، بر اساس نتایج نگاره ۷، ضریب متغیر مستقل بیش‌اعتمادی مدیران*معاملات با اشخاص وابسته در فرضیه دوم برابر با (۰/۱۱-) است که از لحاظ آماری معنادار است. به این ترتیب فرضیه دوم مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه اثر تعدیلی معاملات با اشخاص وابسته بر ارتباط بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه معنادار می‌باشد. به عبارتی، معاملات با اشخاص وابسته رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه را کاهش می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که معاملات با اشخاص وابسته با توجه به نفوذ و اثرگذاری در اعضای هیأت‌مدیره شرکت‌ها به دنبال انتخاب مدیرانی است که در جهت پیشبرد منافع سهامداران اکثریت قدم بر خواهند داشت در نتیجه انگیزه برای مخارج پژوهش و توسعه در اینگونه شرکت‌ها کمتر است. به این ترتیب فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. از بین متغیرهای کنترلی موجود در مدل، تأثیر متغیرهای اندازه شرکت (ASSET)، سن شرکت (LN_AGE)، نرخ بازده دارایی (ROA) و سهامداران عمده (SHARE) بر مخارج پژوهش و توسعه معنادار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. در آزمون فرضیه اول پژوهش مشاهده شد که بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتیجه این فرضیه بیانگر این بود که وجود مدیران بیش‌اعتماد موجب افزایش مخارج پژوهش و توسعه می‌گردد. به عبارتی از آنجاییکه مخارج پژوهش و توسعه به رشد و توسعه شرکت‌ها منتج می‌گردد و این مخارج نیازمند تخصیص قسمتی از بودجه شرکت به این فعالیت‌ها می‌باشند و در این میان در تخصیص بودجه این مدیران هستند که دخالت دارند و اتخاذ تصمیمات درون شرکت‌ها و سازمان‌ها را عهده‌دار هستند. گاهی مدیران دارای دید خوش‌بینانه‌ای نسبت به وضعیت و عملکرد شرکت‌ها هستند و تردید حاصل از مخارج پژوهش و توسعه را نادیده می‌گیرند. به عبارتی وجود اینگونه مدیران در شرکت‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها دارد زیرا اینگونه مدیران به طور کلی خوش‌بین هستند و نسبت به نتایج فعالیت‌ها و کارهای خود دید مثبتی دارند و حتی اگر احتمال زیان یا شکست در پروژه نیز وجود داشته باشد باز هم نسبت به کار خود خوش بین هستند و فعالیت‌های پژوهش و توسعه

که عموماً همراه با ریسک و عدم اطمینان است با وجود اینگونه مدیران بهتر انجام می‌گیرد. نتیجه فوق با استدلال پژوهشگران (زاورتیوا و همکاران، ۲۰۱۸؛ گالاسکو و سیمکوی، ۲۰۱۱؛ هرشلینفر و همکاران، ۲۰۱۲؛ لی و تانگ، ۲۰۱۰؛ تانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ کاس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته سبب تضعیف رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه می‌شود. بدین ترتیب، سطح بالای معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند سطح سرمایه‌گذاری‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها را کاهش دهد، زیرا معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند از شرکت حمایت کند. به طور کلی، نسبت بالای معاملات با اشخاص وابسته وابستگی بالای شرکت را بر بازار داخلی نشان می‌دهد. حتی اگر شرکت با رقابت شدیدتری در مقایسه با بازار خارجی مواجه شود، نیازی به افزایش سرمایه‌گذاری در بحث پژوهش و توسعه ندارد، زیرا از مزایای بازار امن و پایدار داخلی استفاده می‌کند. به بیانی دیگر، مزایای وجود معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌ها، سبب کاهش تخصیص مخارج پژوهش و توسعه می‌گردد. همچنین با توجه به شرایط بومی کشور و کم‌رنگ بودن رقابت، اثر معاملات با اشخاص وابسته در این گونه شرکت‌ها بیشتر جلوه می‌کند. بنابراین، شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته با توجه به وجود بازار مصرف و تداوم سوددهی محصولات خود تمایل کمتری به ریسک کردن و صرف مخارجی در پژوهش و توسعه دارند و اینگونه شرکت‌ها عموماً از مدیرانی بهره می‌گیرند که در راستای تأمین منافع سهامداران اکثریت، در نهایت این نتیجه با استدلال کیم و یوو (۲۰۱۷) تطابق دارد.

در این راستا، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد که رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و مخارج پژوهش و توسعه با تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های کوچک و متوسط را بررسی نمایند. در نهایت، با توجه به محدودیت‌های اعمال‌شده جهت نمونه‌گیری تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها بایستی با احتیاط صورت گیرد.

منابع

- Aghaei, M. A., & Amri Asrami, M. (2021). The effect of management overconfidence on the relationship between cash holdings and excess returns. *Empirical studies of financial accounting*. (In Persian).
- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
- Almaleki, M., Salehi, M., & Moradi, M. (2021). The relationship between narcissism, managerial overconfidence and comparability of financial statements of listed companies. *Journal of Facilities Management*.
- Barzegar, G., & Haghghat, T. (2020). Moderating Effects of Related Party Transactions on The Relation between Disclosure of Research and Development Expenditures and Firm's Value. *Empirical Research in Accounting*, 10(1), 203-225. (In Persian).
- Beshkoh, M., & Keshavarz, F. (2018). Investigating the relationship between managers' uncertainty and the risk of falling stock prices in selected industries of Tehran Stock Exchange. *Financial management strategy*, 6: 183-208. (In Persian).
- Bozorgasl, M., Babajani, J., & Kohkan, A. (2020). Impact of Institutional Ownership on the Relationship between Managers Overconfidence and Financial Leverage of the Companies Listed in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*. 26(4), 482-498. (In Persian).
- Choi, W., Chung, C. Y., Rabarison, M. K., & Wang, K. (2021). Related party transactions and corporate environmental responsibility. *Finance Research Letters*, 102490.
- Dehghani, A., Kheradmand, K., & Eidi, M. (2017). Effectiveness of Research and Development Costs (Case Study of Production Cooperatives in Khorasan Razavi Province and Iranian Industries). *Quarterly Journal of Economic Studies*, 4: 99-141. (In Persian).
- Esmaeilzadeh Maghari, A., Alijan Zadeh Ghara, S., & Hadian, S. A. (2017). The effect of transactions with dependents on cash dividends. *The financial Accounting and Auditing Researches*, 8(31), 57-72. (In Persian).
- Habib, A., & Mohammadi, A. H. (2018). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- Hajiha, Z., & Azadzadeh, A. (2020). Related Party Transactions and Accounting Information Quality: Opportunistic Behavior of Managers. *Empirical Research in Accounting*, 10(2), 187-212. (In Persian).
- Hirshleifer, D., Low, A., & Teoh, S. H. (2012). Are overconfident CEOs better innovators?. *The journal of finance*, 67(4), 1457-1498.
- Hur, K. S., Kim, D. H., & Cheung, J. H. (2019). Managerial Overconfidence and Cost Behavior of R&D Expenditures. *Sustainability*, 11(18), 4878.

- Kaspour, S., Khairullahi, F., & Ivani, F. (2018). The relationship between managers' overconfidence and research and development costs. *Quarterly Journal of Economic Studies, Financial Management and Accounting*, 4: 32-41. (In Persian).
- Li, J., & Tang, Y. I. (2010). CEO hubris and firm risk taking in China: The moderating role of managerial discretion. *Academy of Management Journal*, 53(1), 45-68.
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Qomi, M., & Zarei Ahvor, A. (2017). Corporate governance relationship and research and development expenses of pharmaceutical companies listed on the stock exchange Tehran Securities. *Journal of Health Accounting*, 6: 110-128. (In Persian).
- Mohammadzadeh, A., & Kamyab, M. J. (2014). Investigating the relationship between institutional ownership, capital structure and investment in research and development. *Quarterly Journal of Development and Transformation Management*, 91-99. (In Persian).
- Moradi, M., & Tahaghoghi Haj Ghorbani, M. (2021). The Impact of Operational Cash Flow on R&D Expenditures with Emphasis on the Role of Managers' Competence. *Accounting and auditing research*, 13. (In Persian).
- Nemati, H. (2019). The role of audit quality in the relationship between affiliate transactions and earnings management. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*. 3(11), 115-133. (In Persian).
- PC, A. R., Mallikarjunappa, T., & Thomachan, K. T. (2019). Promoter Ownership, Related Party Transactions and Firm Performance: A Study Among Selected Companies in India. *FIIB Business Review*, 8(3), 205-217.
- Rezai, F., & Hosseini, A. (2016). The impact of transactions with ordinary and non-ordinary affiliates on the quality of corporate profits. *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies*, 3: 106-119. (In Persian).
- Safari Gerayli, M., Abdoli, M., Valiyan, H., & Damavandi, A. (2021). Managerial overconfidence and internal control weaknesses: evidence from Iranian firms. *Accounting Research Journal*, 475-487.
- Shahabadi, A., & Komijani, A. (2001). Investigating the effect of domestic and foreign R&D activities (through foreign trade) on the productivity of all factors of production. *Journal of Commerce*, 50: 29-68. (In Persian).
- Tang, Y., Li, J., & Yang, H. (2015). What I see, what I do: How executive hubris affects firm innovation. *Journal of Management*, 41(6), 1698-1723.
- Wang, D., Sutherland, D., Ning, L., Wang, Y., & Pan, X. (2018). Exploring the influence of political connections and managerial overconfidence on R&D intensity in China's large-scale private sector firms. *Technovation*, 69, 40-53.



بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی^۱

محمد میردیریکوندی^۲، مسعود طاهری نیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

مقاله پژوهشی

چکیده

بانک‌ها و موسسات اعتباری در قبال اعطای وام به واحدهای تجاری، وثایق و ضمانت، وام بانکی اخذ می‌نمایند که با افزایش سطح ضمانت تسهیلات توسط شرکت‌ها، مسئولیت‌های قانونی مرتبط با آن افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی حساب‌رسان مستقل، به منظور ارزیابی و تعیین ریسک حسابرسی برنامه منسجم‌تر و قوی‌تری را باید طراحی و اجرا نمایند. هدف این پژوهش، بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به همین منظور، اطلاعات مالی مربوط به ۱۰۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۹ به روش تحلیل داده‌های ترکیبی جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی (ایویوز ۱۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد، بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، افزایش مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت اثر تعدیل‌کننده دارد. به عبارتی، با ورود متغیر مسئولیت اجتماعی به مدل، افزایش ضمانت وام بانکی منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی، می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکت، ضمانت وام بانکی، حق‌الزحمه حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M21, M41

10.22051/JAASCI.2021.36764.1629 : DOI ۱

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، (mohammadmirdrikvandi7394@gmail.com)

۳. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، نویسنده مسئول. (taherinia.m@lu.ac.ir)

مقدمه

تأمین مالی و تعیین ساختار سرمایه شرکت یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی ادبیات مالی و حسابداری از گذشته تاکنون بوده است. در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، تأمین مالی از طریق سهام دارای دشواری‌هایی بوده است. به همین دلیل بیشتر شرکت‌ها در چنین اقتصادهایی به سمت تأمین مالی از طریق بدهی‌های بانکی روی آورده‌اند. بنابراین، به دلیل اجبار شرکت‌ها به تأمین مالی از طریق بدهی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباردهنده از قدرت چانه‌زنی بالایی برای اعطای تسهیلات برخوردار هستند (جعفری و احمدوند، ۱۳۹۴). معمولاً بانک‌ها در چنین شرایطی جهت اعطای تسهیلات، از شخص متقاضی یا شخص ثالثی ضمانت وام بانکی دریافت می‌کنند که این ضمانت‌نامه‌ها در واقع تضمین پرداخت اصل و فرع مبلغ بدهی توسط اعتبارگیرنده می‌باشد. معمولاً به سبب اعتبار بالای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، بانک‌ها تمایل دارند که یک شرکت بورسی، ضمانت شخص وام‌گیرنده را به عهده بگیرد (هاینز و ریڈینگ، ۲۰۰۱). اگرچه ضمانت وام بانکی توسط یک شرکت بورسی برای وام‌دهنده و وام‌گیرنده از حیث کاهش محدودیت‌های مالی و کاهش ریسک نکول وام، مطلوب تلقی می‌شود، اما شرکت‌هایی که ضمانت شخص دیگری را به عهده می‌گیرند با خطر ریسک نکول بدهی مواجه می‌شوند، زیرا در صورت عدم پرداخت بدهی توسط وام‌گیرنده، مسئولیت نکول بدهی با ضامن وام است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، حق‌الزحمه حسابرس مستقل به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از عوامل تاثیرگذار، ریسک شرکت است؛ هرچه ریسک شرکت بالاتر باشد، انتظار می‌رود حق‌الزحمه حسابرسی افزایش پیدا کند. همچنین، احتمالاً موسسات مالی و اعتباری به منظور کاهش ریسک نکول بدهی‌های خود، تقاضای افزایش کیفیت حسابرسی و به تبع حق‌الزحمه حسابرسی را دارند (هاستون، جیم پارت، ۲۰۰۵). با توجه به تغییر روش حسابرسی به روش ریسک محور از سال‌های قبل، تأکید می‌شود که حسابرسان می‌بایست به ریسک‌های موجود در خارج محیط عملیاتی شرکت توجه ویژه‌ای داشته باشند (ژی، گوی، ۲۰۰۶). همچنین، حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس بهای تمام‌شده خدمات بکار رفته در فرآیند حسابرسی بعلاوه، تخمینی از زبان‌های ناشی از مسئولیت حسابرس در برابر گزارش صادرشده، تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، حق‌الزحمه حسابرسی شامل هرگونه وجهی

است که بابت ارائه خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا موسسه حسابرسی پرداخت می‌شود. فرآیند تعیین حق‌الزحمه در سه مرحله انجام می‌گیرد؛ مرحله اول، ارزیابی حسابرس از وقوع زیان‌های آتی ناشی از قضاوت حسابرس است، که در آینده یک ذینفع برای مثال سهامدار متحمل می‌شود. مرحله دوم، بکارگیری منابع اجرای عملیات حسابرسی برای مثال نیروی انسانی است و در نهایت، تعیین قیمتی که هزینه حسابرسی را پوشش دهد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۱).

وانگ و همکاران (۲۰۱۹) در خصوص تأثیر ضمانت وام بانکی بر حق‌الزحمه حسابرسی استدلال‌های متفاوتی دارند. استدلال اول مربوط به حیطه کار حسابرسی است؛ در واقع از آنجایی که ضمانت‌های وام بانکی می‌تواند یک خطر بالقوه برای شرکت محسوب شوند، شرکت‌ها موظف به افشای چنین اطلاعاتی می‌باشند. علی‌رغم آنکه ضمانت وام بانکی ارتباط مستقیمی با ایفا تعهدات شخص وام‌گیرنده دارد، اما ممکن است شرکت‌هایی که ایفای تعهدات وام‌گیرنده را بر عهده دارند، با عدم اطمینان جدی‌تری روبه‌رو باشند و از افشای کامل این اطلاعات خودداری نمایند. بنابراین، مؤسسات حسابرسی در راستای ایفای وظایف خود و کاهش ریسک‌های قانونی می‌بایست به افزایش آزمون‌های محتوا، افزایش منابع مالی و انسانی حاضر در فرآیند حسابرسی و یا حتی تمدید زمان حسابرسی صورت‌های مالی، روی آورند. به‌عنوان مثال، حسابرسان می‌توانند بررسی کنند که آیا مشتری، سیستم مدیریتی مطلوبی برای ضمانت‌های وام ایجاد کرده و آن را به طور کارآمد اجرا می‌کند، یا اینکه بدهی‌های حاصل از ضمانت وام به درستی و کامل ثبت شده است بنابراین، وجود ضمانت وام بانکی می‌تواند به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی منجر گردد (ویلیام کینی، مک ذنیل، لیندا، ۱۹۸۹).

استدلال دوم در خصوص تأثیر ضمانت وام بانکی بر حق‌الزحمه حسابرسی به ریسک حسابرس، ارتباط پیدا می‌کند. ضمانت وام بانکی برای اشخاص ثالث اگرچه ریسک نکول بدهی توسط وام‌گیرنده را به شرکت منتقل می‌کند، اما ممکن است دارای منفی نیز برای شرکت ضامن ایجاد نماید. در واقع برخی شرکت‌ها از طریق ضمانت شرکت‌هایی که با آنها دارای مرادده مالی می‌باشند، منفی کسب می‌کنند (هانگ، چانگ، ۲۰۰۰). با این حال، تشدید ضمانت‌های بی‌رویه یا ضمانت‌های متقابل ممکن است ریسک عملیاتی شرکت را افزایش دهد. در برخی موارد، شرکت‌ها

بیش از خالص ارزش دفتری دارایی‌های خود ضمانت وام بانکی صادر می‌کنند که این امر حتی ممکن است منجر به ورشکستگی شرکت گردد (یائو، فنگ، ۲۰۰۵). بنابراین، می‌توان گفت صدور ضمانت‌های بی‌رویه و ارائه ضمانت‌های متقابل می‌تواند ریسک‌های مضاعفی به شرکت اعمال نماید که در این صورت ریسک حسابرسی نیز بیشتر می‌شود (لیو و همکاران، ۲۰۱۶).

اقدامات اجتماعی شرکت که به‌عنوان مسئولیت‌های اجتماعی در سراسر جهان شناخته می‌شود، برای تمامی ذینفعان شرکت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. به بیانی دیگر، اگرچه هدف اصلی شرکت افزایش ثروت سهامداران شرکت است، اما در سال‌های اخیر توجه به منافع جامعه نیز در قالب مسئولیت‌های اجتماعی مطرح گردیده است. در کشورهای در حال توسعه نظیر چین (و حتی ایران) شرکت‌ها همواره به سبب عدم توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و انجام هزینه در این زمینه، مورد انتقاد واقع شده‌اند. حمایت از حقوق کارکنان، محیط‌زیست و توجه به کیفیت محصولات از جمله مهمترین حوزه‌های مورد بحث در مسئولیت‌های اجتماعی شرکت است. (وانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

در خصوص تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. براساس پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۹)، شرکت‌های مشارکت‌کننده در اقدامات اجتماعی به منظور حمایت از منافع ذینفعان شرکت اقدام به انتشار میزان اطلاعات ضمانت وام بانکی، کنترل‌های داخلی مربوط به آن و قوانین داخلی هیئت مدیره در این زمینه در گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت می‌نمایند. در نتیجه انتشار این اطلاعات به‌خودی‌خود موجب کاهش ریسک حسابرسی و آزمون‌های حسابرسی می‌شود. از دیدگاه مسئولیت‌های اجتماعی، اقدامات اجتماعی شرکت می‌تواند علامت مثبتی در خصوص فرهنگ سازمانی با هنجارهای رفتاری خوب و افق دید طولانی باشد. فرهنگ شرکت به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهای مشترک در یک شرکت در نظر گرفته می‌شود که نگرش‌ها و رفتارهای مناسب را برای اعضای سازمان تعریف می‌کند (هارملین، ۲۰۰۱).

در واقع، با توجه به تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر منافع مردم، دولت، سرمایه‌گذاران و ... پرداختن به مولفه اقدامات اجتماعی در پژوهش حاضر از اهمیت خوبی برای ذینفعان برخوردار است.

از سوی دیگر، تأثیر ضمانت وام بانکی بر ریسک کلی شرکت موضوعی است که در پژوهش‌های تجربی داخل ایران توجه کافی به آن صورت نگرفته است، در حالی که آمار نکول وام‌ها در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ایران نسبتاً بالا تلقی می‌شود (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۴). در نتیجه می‌توان گفت پرداختن به موضوع پژوهش حاضر، می‌تواند برای طیف وسیعی از ذینفعان شرکت از جمله دولت، سهامداران، اعتباردهندگان، حساب‌سازان، تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران و ...، از اهمیت بالایی برخوردار باشد. همچنین، از آنجایی که در ادبیات نظری و تجربی حاضر در ایران رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش حاضر از لحاظ موضوعی دارای نوآوری است. همچنین، توجه به تأثیر نقش تعدیل‌گر مسئولیت اجتماعی بر این رابطه، وجه تمایز دیگر این پژوهش با سایر پژوهش‌های پیشین است. در این بخش به دنبال دستیابی به پاسخ این سوال هستیم که آیا افزایش مسئولیت‌های اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است؟

مبانی نظری پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکت از اهمیت بسزایی در حوزه رفتارهای مدیران در جهت هموارسازی سود برخوردار است. افزایش تعداد سفارشات شرکت‌ها نشان می‌دهد که آنها باید در تولید محصولات خود به مسئولیت اجتماعی توجه ویژه داشته باشند. به عنوان مثال، شرکت اپل که یک شرکت الکترونیکی بزرگ در آمریکا است با طرح ایده و ابتکاری جدید در سال ۲۰۰۵، تامین‌کنندگان خود را به استفاده از انرژی پاک در تولید محصولات، تشویق نمود. این تمایل تنها به منظور حفظ تعادل بین سودآوری و پایداری زیست محیطی نیست، بلکه تا حدودی نشان‌دهنده سیاست مسئولیت اجتماعی شرکت در جامعه معاصر است. با توجه به اینکه هزینه‌های مسئولیت اجتماعی در نهایت در بهای تمام شده کالا لحاظ می‌شود، شرکت‌ها نیازی به سرمایه‌گذاری اضافی در این پروژه‌ها ندارند مگر اینکه، تامین‌کنندگان بخواهند تمرکز خود را از هزینه تولیدات به تولیدات سبز، تغییر دهند. این امر حاکی از آن است که روابط زنجیره تامین با سایر شرکا عاملی مهم در تعیین سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکت است.

اگرچه اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکت در جامعه بین المللی رو به افزایش است، با این حال تعریف مشترکی برای آن وجود ندارد. بسیاری از محققان از دیدگاه مک و ویلیامز و سیگل (۲۰۰۱) پیروی می کنند. طبق تعریف آنها مسئولیت اجتماعی شرکت، شرایطی است که شرکت از منافع خود و از پایداری به آنچه بر اساس قانون ضروری می باشد، فراتر رفته و در فعالیت هایی مشارکت می کند که به نظر می رسد بیشتر به صلاح جامعه است."

در برخی مطالعات، تعهدات شرکت در قبال مسئولیت اجتماعی بر دیدگاه نظریه ذینفعان متمرکز شده است. به عنوان مثال، بهاتاچاریا و همکاران (۲۰۱۱) نشان می دهند عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت، بیانگر انگیزه مدیران در ارتباط با روابط ذینفعان است، زیرا تعهد به مسئولیت اجتماعی شرکت می تواند برای روابط بین شرکت ها و ذینفعان سودمند باشد.

گادفری و همکارانش (۲۰۰۵) نشان دادند فعالیت در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت، اعتبار و تصویر ذهنی مثبتی ایجاد کرده و باعث تعدیل قضاوت های منفی ذینفعان و تحریم این شرکت ها می شود. هویی و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند اعتبار شرکت برای اجرای مفاد قراردادهای ضمنی و موجود با ذینفعان برای ادغام موفق شرکت ها بسیار حائز اهمیت است. همچنین، آنها دریافتند فعالیت های تصاحب کنندگان در زمینه ی مسئولیت اجتماعی شرکت، عامل کلیدی تاثیرگذار بر عملکرد ادغام شرکت ها است که به بهبود عملکرد عملیاتی بلندمدت پس از ادغام، کمک می کند.

حق الزحمه حسابرسی بر اساس بهای تمام شده خدمات بکار رفته در فرآیند حسابرسی بعلاوه، برآوردی از زیان های ناشی از مسئولیت حسابرسی در برابر گزارش صادر شده تعیین می شود. به عبارت دیگر، حق الزحمه حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرسی یا موسسه ی حسابرسی پرداخت می شود. بررسی پژوهش های در زمینه حق الزحمه حسابرسی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی به دو گروه اصلی تقسیم می شوند:

دسته اول، عوامل مربوط به عرضه کنندگان خدمات حسابرسی؛ از جمله تخصص صنعتی موسسه حسابرسی، شهرت و اعتبار موسسه حسابرسی، استقلال حرفه ای موسسه حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی.

دسته دوم، عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی؛ از جمله دعاوی حقوقی شرکت صاحب‌کار، شهرت و اعتبار شرکت صاحب‌کار، اندازه شرکت صاحب‌کار و ریسک شرکت صاحب‌کار.

پیشینه پژوهش

وانگ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین ضمانت وام بانکی با حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نمونه آماری آنان شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار چین در بازه زمانی ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۶، بود. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که افزایش ضمانت وام بانکی شرکت، موجب افزایش حق‌الزحمه حسابرسی شرکت می‌شود.

چن، لانگ، کریشان (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر کاهش حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت سود و کیفیت حسابرسی در طی بحران‌های مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که بین کیفیت سود شرکت‌هایی که در طی بحران‌های مالی حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کرده‌اند با سایر شرکت‌هایی که در حق‌الزحمه حسابرسی خود کاهشی دریافت نکرده‌اند، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین، سایر یافته‌های آنان نشان می‌دهد بین کیفیت حسابرسی شرکت‌هایی که در طی بحران‌های مالی از کاهش حق‌الزحمه حسابرسی بهره‌مند شدند و سایر شرکت‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

رهداری و انواری‌رستمی (۲۰۱۵) در مطالعه خود به بررسی رایج‌ترین شاخص‌های پایداری در سطح شرکت‌ها پرداختند. آنها برای یافتن مرسوم‌ترین شاخص‌های ارزیابی جنبه‌های زیست‌محیطی، مسئولیت اجتماعی و حاکمیتی فضای کسب و کار، به بررسی حاکمیت شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکت، چارچوب‌های هنجاری پایداری، سیستم‌های مدیریتی و دستورالعمل‌ها و سیستم‌های رتبه‌بندی پرداختند. نتایج این پژوهش شامل ۱۵ مورد از شاخص‌های حاکمیتی، ۱۱ مورد شاخص محیط‌زیستی و ۲۴ مورد شاخص مسئولیت اجتماعی بود.

مک‌کیتی (۲۰۱۰) بر اساس نظرسنجی، دریافت مدیرانی که از مدل تجاری شرکت به شرکت و شرکت به مصرف‌کننده استفاده می‌کنند، بر این باور هستند که عملکرد خوب در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت

می‌تواند راه‌یابی به بازار و استخدام کارکنان مستعد را تسهیل نماید. مطالعات متعدد نشان می‌دهد تلاش در جهت ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت در رابطه با آموزش محلی، حفاظت از محیط‌زیست و یا فعالیت‌هایی در زمینه مراقبت‌های بهداشتی کارکنان، سرمایه‌ای مؤثر ایجاد می‌کند که مشابه تبلیغات است.

دانی و کانون (۱۹۹۷) شواهدی ارائه دادند که نشان می‌دهد توجه تأمین‌کنندگان به خیرخواهی و نوع دوستی، احتمال اینکه خریداران از آنها خرید کنند را افزایش می‌دهد.

کروکی نژاد، زهره و تائبی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر افشای داوطلبانه مسئولیت اجتماعی بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بر اساس نتایج، به‌طور متوسط حدود ۴۵ درصد شاخص‌های مسئولیت اجتماعی در گزارش‌های سالانه فعالیت هیئت‌مدیره افشاء شده است. سطح پایین افشاء ابعاد مسئولیت اجتماعی را می‌توان ناشی از شکاف وضعیت موجود از انتظارات ذینفعان دانست. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۰۲ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵، است و نتایج پژوهش بیانگر این مطلب است که افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی صورتهای مالی، تأثیر معناداری ندارد.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیرات شاخص‌های مهم مسئولیت‌پذیری، شامل انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶، پرداختند. یافته‌های حاصل از نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد انتشار گازهای گلخانه‌ای، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد.

روش پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸، می‌باشد. بر این اساس، شرکت‌هایی در نمونه بررسی انتخاب شدند که در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی و تغییر فعالیت نداشتند، در طول دوره مورد بررسی تداوم فعالیت داشتند و سال مالی آنها به

۱۲/۲۹ ختم می‌شود. همچنین، نمونه مورد بررسی شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی شامل بانک‌ها و بیمه‌ها، نیز نمی‌شود؛ شرکت‌هایی که داده‌های آنها در دسترس بوده و در نهایت با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۰۰ شرکت برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب گردید.

فرضیه‌ها و مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌ها معادله رگرسیون زیر طراحی و سپس آزمون معنادار بودن خط معادله رگرسیون و معنادار بودن ضرایب متغیر مستقل انجام شد. این مدل توسط وانگ و همکاران (۲۰۱۹) نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

فرضیه اول: بین ضمانت وام بانکی و حق الزحمه حسابرسی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

(۱)

$$\text{LNFE}it = \beta_0 + \beta_1 \text{TOTALGUA}it + \beta_2 \text{LNASSEST}it + \beta_3 \text{RECINV}it + \beta_4 \text{LEV}it + \beta_5 \text{ROA}it + \beta_6 \text{LOSS}it + \beta_7 \text{C_RATIO}it + \beta_8 \text{MAO}it + \beta_9 \text{BIG2}it + \beta_{10} \text{SWITCH}it + \beta_{11} \text{SOE}it + \beta_{12} \text{ARLAG}it + \epsilon it$$

فرضیه دوم: افشای مسئولیت‌های اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق الزحمه حسابرسی شرکت تأثیر معناداری دارد.

(۲)

$$\text{LNFE}it = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR}it * \text{TOTALGUA}it + \beta_2 \text{TOTALGUA}it + \beta_3 \text{CSR}it + \beta_4 \text{LNASSEST}it + \beta_5 \text{RECINV}it + \beta_6 \text{LEV}it + \beta_7 \text{ROA}it + \beta_8 \text{LOSS}it + \beta_9 \text{C_RATIO}it + \beta_{10} \text{MAO}it + \beta_{11} \text{BIG2}it + \beta_{12} \text{SWITCH}it + \beta_{13} \text{SOE}it + \beta_{14} \text{ARLAG}it + \epsilon it$$

متغیرهای پژوهش

در مدل فوق i نماد شرکت و t نماد دوره مالی است. همچنین، LNFE حق الزحمه حسابرسی، Totalgua ضمانت وام بانکی، CSR مسئولیت اجتماعی شرکت، LNASSEST مجموع دارایی‌ها، RECINV پیچیدگی عملیات واحد تجاری، LEV آهرم مالی، Currentratio نسبت جاری،

ROA بازده دارایی، LOSS زیان شرکت، MAO اظهار نظر حسابرس، BIQ اندازه موسسه حسابرس، Switch دوره تصدی حسابرس، SOE مالکیت نهادی و Arlag مدت زمان صدور گزارش حسابرس را نشان می‌دهند.

برای محاسبه متغیر حق الزحمه حسابرسی، از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است که اطلاعات آن از سرفصل هزینه‌های اداری و تشکیلاتی در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی استخراج شده است. برای اندازه‌گیری ضمانت وام بانکی، اندازه ضمانت وام بانکی بر کل دارایی‌های شرکت تقسیم شده است. اطلاعات ضمانت وام بانکی در سرفصل بدهی‌های احتمالی و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، ارائه شده است. برای محاسبه مسئولیت اجتماعی شرکت، به پیروی از راه‌داری و انواری رستمی (۲۰۱۵) و بهار مقدم و همکاران (۲۰۱۴) برای اندازه‌گیری آن از شاخص‌های کمک‌های بشر دوستانه، خیریه و عام‌المنفعه، رفاه و بهداشت کارکنان، آموزش و ایمنی کار، معیشت خانواده کارکنان، نوآوری و کیفیت بخشی به محصولات، اقدامات جهت کاهش انرژی، نظام اطلاعاتی مدیریت محیط‌زیست، اقدامات جهت رعایت حقوق قانونی کارگران، استفاده شده است. شرکتی که هر کدام از شاخص‌های فوق را در گزارش‌های مالی و گزارش‌های سالیانه هیئت‌مدیره به مجمع عمومی افشاء نموده باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت صفر برای آن در نظر گرفته شده است. در نهایت، مجموع امتیازات شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت را تشکیل می‌دهد.

برای محاسبه اندازه شرکت، از لگاریتم مجموع دارایی‌ها؛ برای محاسبه پیچیدگی عملیات واحد تجاری، نسبت حساب‌های دریافتی تجاری و موجودی مواد و کالا به مجموع دارایی‌ها؛ برای محاسبه اهرم مالی، از نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت؛ برای محاسبه نسبت جاری، از نسبت دارایی‌های جاری به بدهی جاری؛ برای محاسبه بازده دارایی‌ها، از نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت؛ برای محاسبه زیان، در صورتی که شرکت در سال مورد بررسی زیان‌ده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر؛ برای محاسبه نوع اظهار نظر حسابرس، در صورتی که حسابرس مستقل اظهار نظر غیرمقبول ارائه کند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر؛ برای محاسبه اندازه حسابرس، در صورتی که حسابرس شرکت سازمان حسابرسی یا موسسه مفید راهبر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر، لحاظ شده است.

در این پژوهش، تغییر حسابرس یک متغیر موهومی است؛ به این صورت که اگر در یک سال مؤسسه حسابرسی که پیش از این کار حسابرسی شرکت مورد نظر را انجام می‌داده است تغییر کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر لحاظ شده است. برای محاسبه مالکیت نهادی، در صورتی که بیش از ۲۰ درصد مالکیت سهام شرکت در اختیار نهادهای دولتی و عمومی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر و برای محاسبه تأخیر گزارش حسابرسی نیز تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ ارائه گزارش حسابرسی، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه و بررسی شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام فارسی	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
حق‌الزحمه حسابرسی	۶/۸۸۵	۶/۹۰۷	۹/۳۳۳	۱/۸۱۵	۰/۹۱۳
ضمانت وام بانکی	۰/۲۳۸	۰/۲۱۰	۰/۶۴۲	۰/۰۰۰۲	۰/۱۶۶
مسئولیت اجتماعی شرکت	۳/۹۵۰	۴/۰۰۰	۷/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۴۸۶
اندازه شرکت	۱۴/۱۲۷	۱۴/۰۳۰	۱۹/۱۵۶	۱۰/۶۶۰	۱/۳۷۸
پیچیدگی واحد تجاری	۰/۲۰۹	۰/۱۹۸	۰/۷۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۳۸
اهرم مالی	۰/۵۸۹	۰/۶۱۳	۱/۳۷۱	۰/۰۱۲	۰/۲۲۸
نسبت جاری	۱/۵۲۷	۱/۲۵۰	۹/۲۲۴	۰/۰۴۲	۱/۳۸۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۱	۰/۱۰۱	۰/۶۳۱	-۱/۲۰۲	۰/۱۷۲
زیان شرکت	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۲
اظهار نظر حسابرس	۰/۵۶۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۷
دوره تصدی حسابرس	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹
مالکیت نهادی	۰/۴۲۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۴
تأخیر در ارائه گزارش	۷۵/۰۰۰	۷۳/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۱۹/۵۲۵

آماره‌های توصیفی پژوهش در نگاره (۱) ارائه گردیده است. بر این اساس، لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی دارای میانگین ۶/۸۸۵ است. هرچه این عدد بالاتر باشد، حق‌الزحمه پرداختی به حسابرس

مستقل شرکت بیشتر است. میانگین نسبت ضمانت وام بانکی به کل دارایی های شرکت های نمونه عدد ۰/۲۳۸ درصد را نشان می دهد که با توجه به این امر می توان گفت ریسک اعتباری شرکت های مورد بررسی در سطح بالایی ارزیابی می شود. میانگین مسئولیت اجتماعی شرکت های مورد بررسی، نشان می دهد ۳/۹۵۰ شرکت ها نسبت به افشای شاخص های آن اقدام نموده اند. ارزش میانگین اندازه شرکت ۱۴/۱۲۷ و نسبت جاری ۱۱/۵۲۷ است. به عبارتی، بخش عمده ای از دارایی های شرکت ها جاری و بیان کننده بالاتر بودن سرمایه گذاری کوتاه مدت است. میانگین نسبت حساب های دریافتی و موجودی کالا به کل دارایی ها دارای میانگین ۰/۲۰۹ درصد است و این امر حاکی از آن است که این دو قلم از مهمترین دارایی های واحدهای مورد بررسی می باشند. میانگین اهرم مالی ۰/۵۸۹ می باشد که نشان می دهد بخش عمده ای از مصارف شرکت از محل بدهی ها تأمین مالی شده است. میانگین بازده دارایی ها و زیان شرکت به ترتیب برابر با ۰/۱۱۱ و ۰/۱۲۷ است و بیان کننده ۱۱ درصد بازدهی به ازای هر ریال سرمایه گذاری در دارایی ها است. اظهار نظر حسابرس به طور میانگین ۰/۵۶۶ غیرمقبول بوده است. ارزش اندازه موسسه حسابرسی نشان می دهد شرکت ها به طور میانگین ۰/۲۹۶ توسط سازمان حسابرسی یا موسسه مفیدراهر را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب نمودند. همچنین، میانگین پایان سال مالی تا صدور گزارش حسابرسی ۷۵ روز می باشد. هرچه مدت زمان صدور گزارش های حسابرسی از پایان سال مالی فاصله بیشتری داشته باشد، به هنگامی صورت های مالی، کمتر ارزیابی می شود.

نتیجه آزمون فرضیه ها

بر اساس ادبیات اقتصادسنجی داده های تابلویی، قبل از تخمین مدل ها لازم است با استفاده از آماره آزمون F لیمر، همگنی داده ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده های تابلویی مورد آزمون قرار گیرد. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت می تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود، از آزمون F لیمر استفاده گردیده است. نتایج حاصل از آزمون F لیمر، برای هر دو مدل کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، باید از روش داده های تابلویی استفاده نمود. همچنین، نتایج حاصل از آزمون هاسمن نیز برای دو مدل برابر است

با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد است که نشان‌دهنده این است که اثرات تصادفی ناسازگار است. بنابراین، باید از روش اثرات ثابت استفاده شود.

از آزمون‌های دورین واتسون، آزمون جارک ویرا، بروش پاگان جهت بررسی و شناسایی وجود یا عدم وجود همبستگی بین باقیمانده‌های مدل، نرمال بودن جملات خطا و ناهمسانی واریانس جملات خطا (بررسی فرضیات اساسی رگرسیون) استفاده شد که نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی سریالی باقیمانده‌ها و نرمال بودن توزیع جملات خطا است. همچنین، ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل که با استفاده از آزمون بروش پاگان انجام شد. برای هر دو مدل بیش از ۵ درصد بود که نشان‌دهنده نبود ناهمسانی بین جملات باقیمانده است. بنابراین، در این پژوهش مدل‌های مذکور با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی با اثرات ثابت برازش می‌یابد. نتایج برازش مدل فرضیه اول و دوم در نگاره ۲ و ۳ ارائه شده است.

نگاره ۲: نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

$LNFE_{it} = \beta_0 + \beta_1 TOTALGUA_{it} + \beta_2 LNASSEST_{it} + \beta_3 RECINV_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 C_RATIO_{it} + \beta_8 MAO_{it} + \beta_9 BIG2_{it} + \beta_{10} SWITCH_{it} + \beta_{11} SOE_{it} + \beta_{12} ARLAG_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	آماره تی	سطح معنی داری	سطح تولرانس
ضمانت وام بانکی	-۰/۲۴۲	-۱/۴۰۰	۰/۱۶۱	۱/۱۰
اندازه شرکت	۰/۶۲۷	۱۵/۸۳۵	۰/۰۰۰	۱/۳۴
پیچیدگی واحد تجاری	۰/۶۰۳	۳/۲۷۷	۰/۰۰۱	۱/۲۴
اهرم مالی	۰/۰۸۸	۰/۴۱۸	۰/۶۷۵	۲/۶۶
بازده دارایی‌ها	-۰/۷۲۷	-۲/۸۳۸	۰/۰۰۴	۲/۵۵
زبان شرکت	-۰/۰۱۹	-۰/۲۱۳	۰/۸۳۱	۱/۵۸
نسبت جاری	۰/۰۶۴	۱/۹۶۰	۰/۰۵	۱/۷۱
اظهار نظر حسابرس	۰/۰۶۸	۱/۱۷۳	۰/۲۴۱	۱/۲۴
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۱۴۸	۱/۴۰۲	۰/۱۶۱	۱/۲۵
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۲۳	۰/۴۹۴	۰/۶۲۱	۱/۰۶
مالکیت نهادی	۰/۸۳۴	۱/۵۴۱	۰/۱۲۳	۱/۱۳
تأخیر در گزارش حسابرس	۰/۰۱۲	۰/۲۹۹	۰/۷۶۴	۱/۱۵
جزء ثابت	-۲/۷۱۲	-۳/۹۱۵	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین	۰/۷۴۳		F آماره	۱۷/۲۶۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۰		احتمال آماره F	۰/۰۰۰
آماره دورین واتسون	۱/۷۹۴		تعداد مشاهدات	۶۹۷

بر اساس الگوی (۱) و نگاره (۲) با توجه به ضریب متغیر ضمانت وام بانکی که برابر با ۰/۲۴۲- و معناداری آن برابر با ۰/۱۶۱ است، بین ضمانت وام بانکی و حق الزحمه حسابرسی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، پیچیدگی واحد تجاری و نسبت جاری دارای رابطه مثبت و معنادار با حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F کمتر از ۵ درصد است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. براساس ضریب تعیین تعدیل شده، تقریباً ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه مقدار آماره دورین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است، می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

نگاره (۳): نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

LNFEeit = β ₀ + β ₁ CSRit * TOTALGUAit + β ₂ TOTALGUAit + β ₃ CSRit + β ₄ LNASSESTit + β ₅ RECINVit + β ₆ LEVit + β ₇ ROAit + β ₈ LOSSit + β ₉ C_RATIOit + β ₁₀ MAOit + β ₁₁ BIG2it + β ₁₂ SWITCHit + β ₁₃ SOEit + β ₁₄ ARLAGit + εit				
متغیر	ضریب	آماره تی	سطح معنی‌داری	سطح تولرانس
مسئولیت اجتماعی*ضمانت وام بانکی	۰/۷۴۲	۲/۱۱۶	۰/۰۳۴	۳/۸۷
ضمانت وام بانکی	-۰/۵۴۵	-۲/۴۳۱	۰/۰۱۵	۱/۶۳
مسئولیت اجتماعی شرکت	-۰/۴۶۶	-۰/۸۴۲	۰/۴۰۰	۳/۴۷
اندازه شرکت	۰/۶۲۲	۱۵/۶۶۴	۰/۰۰۰	۱/۴۱
پیچیدگی عملیات واحد تجاری	۰/۶۵۴	۳/۲۳۲	۰/۰۰۱	۱/۲۷
اهرم مالی	۰/۱۰۱	۰/۴۷۸	۰/۶۳۲	۲/۷۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۶۸۹	-۲/۶۸۹	۰/۰۰۷	۲/۵۶
زبان شرکت	-۰/۰۱۶	-۰/۱۷۹	۰/۸۵۸	۱/۵۹
نسبت جاری	۰/۰۶۵	۱/۹۷۱	۰/۰۴۹	۱/۷۶
اظهار نظر حسابرس	۰/۰۶۷	۱/۱۵۳	۰/۲۴۹	۱/۲۶
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۱۳۴	۱/۲۷۰	۰/۲۰۴	۱/۳۰
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۲۱	۰/۴۵۵	۰/۶۴۹	۱/۰۷
مالکیت نهادی	۰/۸۵۵	۱/۵۸۳	۰/۱۱۳	۱/۱۳
تأخیر در ارائه گزارش حسابرس	۰/۰۱۵	۰/۴۳۶	۰/۶۶۲	۱/۱۸
جزء ثابت	-۲/۴۷۵	-۳/۴۳۸	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین	۰/۷۴۵		آماره F	۱۷/۰۴۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۱		احتمال آماره F	۰/۰۰۰
آماره دورین واتسون	۱/۷۷۶		تعداد مشاهدات	۶۹۷

فرضیه دوم پژوهش براساس الگوی (۲) و نگاره (۳) مبنی بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت تأثیر معناداری دارد، رد نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همزمان مسئولیت اجتماعی شرکت با ضمانت وام بانکی برابر با ۰/۷۴۲ و معناداری آن برابر با ۰/۰۳۴ است که رابطه مثبت و معناداری فرضیه دوم را تأیید می‌کند. ضریب متغیر ضمانت وام بانکی که برابر با ۰/۵۴۵- و معناداری آن که برابر با ۰/۰۱۵ است، رابطه منفی و معناداری بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی را تأیید می‌کند. در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت و پیچیدگی عملیات واحد تجاری دارای رابطه مثبت و معنادار با حق‌الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. در حالی که رابطه بین بازده دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منفی و معنادار است. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F کمتر از ۵ درصد است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل، تبیین می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه مقدار آماره دورین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است، می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی با نقش تعدیل‌کننده افشای مسئولیت‌اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. طبق ادبیات پژوهش از نظر تئوری استفاده شرکت‌ها از ضمانت‌های وام بانکی بی‌رویه یا ضمانت‌های متقابل، ممکن است ریسک عملیاتی شرکت را افزایش دهد. بنابراین، می‌توان گفت صدور ضمانت‌های بی‌رویه و ارائه ضمانت‌های متقابل می‌تواند ریسک‌های مضاعفی به شرکت اعمال نماید که در این صورت ریسک حسابرسی نیز بیشتر می‌شود (یائو، فنگ، ۲۰۰۵). طبق فرضیه اول پژوهش، بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. براساس پیشینه پژوهش، پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۹) در خصوص تأثیر ضمانت وام بانکی بر حق‌الزحمه

حسابرسی برخلاف نتایج این پژوهش است. نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش بیان‌کننده اثر افزایش مسئولیت‌های اجتماعی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت است که تاثیر مثبت و معناداری آن تایید شد. به عبارتی شرکت‌هایی که در راستای فعالیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند و این اطلاعات در صورت‌های مالی سالانه یا گزارش تفسیری مدیریت آنها افشامی شود، بابت صدور ضمانت وام بانکی، حق‌الزحمه بیشتری را به حسابرس پرداخت می‌نمایند. در پژوهشی که یائو و همکاران (۲۰۰۵) انجام دادند نتایج نشان می‌دهد که افزایش مسئولیت‌های اجتماعی شرکت با افزایش شهرت شرکت در ارتباط است که این امر می‌تواند مسئولیت‌های قانونی حسابرسان در قبال شرکت را افزایش دهد، زیرا شرکت‌های بزرگ و مشهور معمولاً بیشتر از سایر شرکت‌ها مورد توجه نهادهای دولتی و سایر اشخاص در جامعه قرار دارند. بنابراین، حسابرسان می‌بایست به منظور کاهش ریسک مسئولیت‌های قانونی، فرآیند حسابرسی با کیفیت‌تری را ارائه نمایند و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین، افزایش مشارکت‌های اجتماعی نیز به خودی خود سطح آزمون‌های محتوای حسابرسان را نیز افزایش می‌دهد.

با توجه به پژوهش حاضر، به حسابرسان مستقل توصیه می‌شود که با توجه به مسئولیت‌های قانونی ناشی از افزایش سطح ضمانت وام بانکی شرکت و احتمال نکول اصل و فرع بدهی‌های دریافت شده و به طور کلی افزایش سطح ریسک شرکت، در ارزیابی سطح ریسک حسابرسی شده توجه ویژه‌ای به سطح ضمانت‌های وام بانکی شرکت نمایند. و همچنین، با توجه به سطح مشارکت‌های اجتماعی شرکت‌ها و احتمال سوء استفاده از عناوینی نظیر کمک‌های اجتماعی، سطح آزمون‌های محتوا در خصوص مشارکت‌های اجتماعی را افزایش دهند.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود، تاثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ضمانت وام بانکی و حق‌الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود تاثیر ضمانت وام بانکی بر ریسک حسابرسی شرکت‌ها، و با توجه به نوع صنعت، مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- Baharmoghadam, M., Sadeghi, Z., & Safarzadeh, S., (2013). Review of the relationship between corporate governance mechanisms and the disclosure of corporate social responsibility. *Journal of Financial Accounting*, 5(20), 90-107. (In Persian)
- Banimahd, B., MoradzadehFard, M., & Zeynali, M. (2013). Effect of audit fee on auditor's opinion. *Management Accounting*, 5(15), 41-54. (In Persian)
- Chang, S. J., & Hong, J. (2000). Economic performance of group-affiliated companies in Korea: Intragroup resource sharing and internal business transactions. *Academy of Management journal*, 43(3), 429-448.
- Chen, L., Krishnan, G. V., & Yu, W. (2018). The relation between audit fee cuts during the global financial crisis and earnings quality and audit quality. *Advances in accounting*, 43, 14-31.
- Doney, P. M., & Cannon, J. P. (1997). An examination of the nature of trust in buyer-seller relationships. *Journal of marketing*, 61(2), 35-51.
- Ghasemi, M., Mohammadi, M., Amin Panah, C. (2020). Investigating the Effects of Greenhouse Gas Emissions, Environmental Performance and Social Function on Financial Performance of firms listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 93-110. doi: 10.22051/jaasci.2021.27062.154. (In Persian).
- Godfrey, P. C. (2005). The relationship between corporate philanthropy and shareholder wealth: A risk management perspective. *Academy of management review*, 30(4), 777-798.
- Feng, G. F., MA, Y. J., & YAO, S. J. (2005). A positive analysis of guarantee behavior of Chinese listed companies. *China Industrial Economy*, 3, 13-21.
- Hermalin, B. E. (2001), "Economics and Corporate Culture," in C. L. Cooper, S. Cartwright, and P. C. Earley (eds.). *The International Handbook of Organizational Culture and Climate*, New York: John Wiley & Sons.
- Hildebrand, D., Sen, S. and Bhattacharya, C.B. (2011), "Corporate social responsibility: a corporate marketing perspective", *European Journal of Marketing*. 45(9/10), 1353-1364. <https://doi.org/10.1108/03090561111151790>
- Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88(6), 2025-2059.
- Houston, R. W., Peters, M. F., & Pratt, J. H. (2005). Non litigation risk and pricing audit services. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(1), 37-53.
- Jafari, S., Ahmadvand, M. (2015). Credit Rating of Companies Listed on Tehran Stock Exchange Using the EMS Approach. , 6(10), 37-56. (In Persian).
- Kinney Jr, W. R., & McDaniel, L. S. (1989). Characteristics of firms correcting previously reported quarterly earnings. *Journal of accounting and economics*, 11(1), 71-93.

- Krokinejad, Z., Taebi. Amir, H. (2019). Investigating the impact of voluntary disclosure of social responsibility on audit fees in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Fourth National Conference on Management Accounting and Economic*. (In Persian)
- Liu, B., Cullinan, C., Zhang, J., & Wang, F. (2016). Loan guarantees and the cost of debt: evidence from China. *Applied Economics*, 48(38), 3626-3643.
- McKinsey & Company. (2010). Innovation and commercialization, McKinsey global survey results.
- McWilliams, A., & Siegel, D. (2001). Corporate social responsibility: A theory of the firm perspective. *Academy of management review*, 26(1), 117-127.
- Riding, A. L., & Haines Jr, G. (2001). Loan guarantees: Costs of default and benefits to small firms. *Journal of business venturing*, 16(6), 595-612.
- Rahdari, A. H., & Rostamy, A. A. A. (2015). Designing a general set of sustainability indicators at the corporate level. *Journal of Cleaner Production*, 108, 757-771.
- Sepehrdoust, H., Rajabi, F., Barooti, M. (2015). The impact of good governance on income performance of tax system. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 2(2), 103-126. (In Persian)
- Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of accounting research*, 161-190.
- Wang, F., Xu, L., Guo, F., & Zhang, J. (2019). Loan Guarantees, Corporate Social Responsibility Disclosure and Audit Fees: Evidence from China. *Journal of Business Ethics*, 166(2).
- Wang, H. M. D. (2010). Corporate social performance and financial-based brand equity. *Journal of product & Brand management*, 19(5), 335-345.
- Xie, Z. H., & Cui, X. G. (2006). Risk-based auditing: mechanism and application. *China Accounting Review*, 7, 15-20.



نشریه علمی

فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی

JAASCI

دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

حسابداری و منافع اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۱۲۴-۱۰۷

بررسی اثر تعدیلی جنسیت حسابرسان بر رابطه بین کیفیت حسابرسان و

حق الزحمه حسابرسان^۱

زهرا گرندل^۲، کیهان آزادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

مقاله پژوهشی

چکیده

در این پژوهش به بررسی اثر تعدیلی جنسیت حسابرسان بر رابطه بین کیفیت حسابرسان و حق الزحمه حسابرسان پرداخته شده است. حق الزحمه حسابرسان در برنامه ریزی و اجرای مناسب و با کیفیت کار حسابرسان مالی مؤثر است. مطالعه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسان و تأثیر کیفیت حسابرسان و جنسیت حسابرسان بر آن، حائز اهمیت است. در همین راستا، این پژوهش به بررسی نقش تعدیلگر جنسیت در رابطه میان کیفیت حسابرسان و حق الزحمه حسابرسان می پردازد. این پژوهش بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نوع پژوهش های توصیفی و با تأکید بر روابط همبستگی می باشد. همچنین، روش گردآوری داده ها کتابخانه ای بوده و از داده های تجربی استفاده شده است و برای تحلیل داده ها از نرم افزار Eviews استفاده شده است. در این پژوهش، برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ می باشد که تعداد ۹۹ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کیفیت حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسان اثر مثبت و معناداری دارد و همچنین، نتایج نشان داد که جنسیت حسابرسان به عنوان متغیر تعدیلگر بر رابطه میان کیفیت حسابرسان و حق الزحمه حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معناداری نداشت.

واژه های کلیدی: جنسیت حسابرسان، کیفیت حسابرسان، حق الزحمه حسابرسان.

طبقه بندی موضوعی: M42، M41

10.22051/JAASCI.2021.33809.1611 : DOI

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران، (zahragrandel@gmail.com)

۳. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران، نویسنده مسئول. (ka.cpa2012@yahoo.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

حق الزحمه حسابرسی از موضوعات مهمی است که ذهن صاحب کار و حسابرس را به خود مشغول می کند و باید درباره آن به روشنی مذاکره کرد (حضرتی و پهلوان، ۱۳۹۱). حق الزحمه حسابرسی عبارت است از هزینه اقتصادی که به سازمانها تحمیل می شود و همین عامل باعث انجام پژوهش های زیادی در جهت بررسی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی شده است (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج مطالعات پیشین در رابطه با عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی نشان داده اند که ارزش حسابرسی از طریق برآورد ساعات لازم برای انجام حسابرسی، بودجه بندی می شود (جامعی و نجفی، ۱۳۹۸). همچنین، این مطالعات به عوامل بیشتری از جمله تلاش حسابرس، کیفیت خدمات حسابرسی، مسئولیت اجتماعی شرکت ها، ریسک ها و پیچیدگی کار حسابرسی نیز اشاره کردند که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به تعیین حق الزحمه حسابرسی مربوط است (سورزکی و تریکا، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، میزان حق الزحمه ی پرداختی به حسابرس نیز می تواند بر کیفیت کار حسابرسی اثر بگذارد؛ هرچه حق الزحمه ی بیشتری برای حسابرس در نظر گرفته شود، تلاش او نیز بیشتر می شود و کیفیت کار افزایش خواهد یافت (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). کیفیت حسابرسی به عنوان شاخص تعیین کننده عملکرد حسابرسی، تابع عوامل متعددی از قبیل توانایی های حسابرس (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای حرفه ای (شامل استقلال، عینیت، مراقبت حرفه ای، تضاد منافع و قضاوت) است. بر این اساس، به نظر می رسد ویژگی های فردی حسابرسان نیز بتواند کیفیت حسابرسی مستقل را تحت تأثیر قرار دهد (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۱). از آنجاییکه برخی از ویژگی های فردی تحت تأثیر جنسیت تغییر می کند، جنسیت حسابرس می تواند بر میزان کیفیت خدمات حسابرسی اثرگذار باشد (خلیف و آچک، ۲۰۱۷). مطالعات اخیر نظام راهبری با بررسی تاثیر حضور نماینده زن در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی نشان داده اند که تنوع جنسیتی، کاربردهایی برای نظام راهبری داشته و می تواند عامل بالقوه ای در پویایی و استقلال هیئت مدیره باشد (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲). براساس دیدگاه نظریه پردازان نمایندگی، اثربخشی کمیته حسابرسی به انسجام گروهی وابسته است و تنوع جنسیتی ممکن است پویایی گروه کوچکی را که موجب تشکیل اکثریت و اقلیت در گروه می شود، از بین ببرد، اما مخالفان تئوری یاد شده معتقدند که تنوع جنسیتی در

ترکیب کمیته حسابرسی و حضور افراد با تجربه و دارای دیدگاه‌های مختلف، می‌تواند کمیته حسابرسی را در مجموعه وسیعی از موضوعات حسابداری کمک کند (گال و همکاران، ۲۰۱۱). بر این اساس، مطالعه‌ی حاضر اولین مطالعه در این زمینه است و هدف آن، بررسی تاثیر حضور حداقل یک نماینده خانم در کمیته حسابرسی (تنوع جنسیتی) بر رابطه میان کیفیت حسابرسی و حق الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به بیانی دیگر، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سوال است که آیا حضور نمایندگان زن در کمیته حسابرسی، رابطه میان کیفیت و حق الزحمه حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ اگر جواب مثبت است، این تاثیر چگونه است؟ نتایج این پژوهش می‌تواند به گسترش ادبیات مباحث جنسیتی، رفتاری و شخصیتی، در ارتباط با نظام راهبری، کمیته حسابرسی، کیفیت و حق الزحمه حسابرسی بینجامد. در ادامه مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه پژوهش، روش شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری

صورت‌های مالی بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان یک شرکت را تأمین می‌کند. براساس چنین سطح اعتمادی به صورت‌های مالی، نقش حسابرسان نقشی حیاتی است. حسابرسی صورت‌های مالی امری ضروری است، زیرا صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌تواند این اطمینان را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم نماید که اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا در اختیار آنها قرار می‌گیرد. بنابراین، حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند ارزش افزوده اقتصادی را برای یک شرکت به وجود آورد (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۵).

اصطلاح جنسیت در زمینه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی، به تلاش‌های طرفداران حقوق زن برای تمایز بین تفاوت‌های زیستی میان مردان و زنان و تفاوت‌هایی که توسط قدرت‌های اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود، اشاره دارد (ولش، ۱۹۹۲). از همین رو، هرچند تفاوت‌های جنسیتی نشان‌دهنده وجود ویژگی‌های پایدار برای مردان و زنان است، مفهوم جنسیت مبین تاثیرات هنجارهای اجتماعی برای ادراک افتراق بین آنها می‌باشد. برادبنت و کیرخام (۲۰۰۸) در خصوص ارتباط بین حسابداری و جنسیت اینگونه توضیح می‌دهند که با وجود تغییر جایگاه زنان در طول ۳۰ سال گذشته،

همچنان مسئله جنسیت به همان شدت قبل باقی مانده است. البته در این بین ورود زنان به حرفه حسابداری، آن هم در تعداد قابل توجهی، کاملاً قابل مشاهده بوده و سیاست‌های شرکت‌های حسابداری به حمایت از زنان سوق پیدا کرده است که با این وجود، باز هم در مراتب بالای حرفه حسابداری، هنوز هم مسائل جنسیتی باقی مانده است.

برای مثال، چارنس و گنیزی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای مروری نتیجه گرفتند که زنان محتاط‌تر از مردان از نظر مسائل مالی هستند. این نتیجه پیامدهای جدی و بالقوه‌ای برای بازار کار، عمدتاً در زمینه‌های مالی و حسابداری، به همراه دارد؛ جایی که ریسک مالی مسئله اساسی محسوب می‌شود.

بر اساس مطالعات ایتون و همکاران (۲۰۱۳)، تفاوت‌های جنسیتی در پردازش اطلاعات شناختی، سرسختی، محافظه‌کاری، اعتماد بیش از حد و ریسک‌پذیری می‌تواند بر روی تصمیمات حسابرسان تاثیر گذاشته و به تبع بر کیفیت خدمات حسابرسی نیز تاثیر بگذارد. همچنین، این محققین با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های کشورهای سوئد و فنلاند، رابطه‌ای را بین جنسیت حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی مشتریان، بررسی کرده و نتیجه می‌گیرند که شرکت‌های دارای حسابرسان زن دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند. پژوهش‌های رفتاری به طور کلی نشان‌دهنده تفاوت‌های جنسیتی در مهارت‌های مختلف هستند. از نظر محافظه‌کاران، فراتحلیل انجام گرفته توسط بایرنز و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که به طور کلی، زنان محافظه‌کارتر از مردان هستند. در این راستا، تمرکز ویژه بر ریسک مالی بیانگر این موضوع است که زنان به نسبت مردان از ریسک‌پذیری کمتری برخوردارند. مردان از اعتماد به نفس بالاتری نسبت به زنان برخوردارند (بنگسن و همکاران، ۲۰۰۵) و در نهایت، زنان از مهارت‌های پردازش اطلاعاتی قوی‌تری نسبت به مردان برخوردارند (چانگ و مونرو، ۲۰۰۱). اودانل و جانسون (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند که حسابرسان زن در انجام وظایف فرآیندی و تحلیلی، دارای بازدهی بالاتر و قابل توجهی نسبت به مردان هستند. برناردی و آرنولد (۱۹۹۷) با تمرکز بر روی حرفه حسابرسی، نتیجه گرفتند که حسابرسان زن در سطح متوسط به بالاتری از رشد اخلاقی نسبت به حسابرسان مرد برخوردارند. با این حال، شواهد گزارش شده توسط مطالعات دیگر به این قطعیت نیست (راکساس و استونیک، ۲۰۰۴). بر اساس مطالعات دامبرین و لمبرت (۲۰۱۲)، فقدان حضور زنان در رتبه‌های بالاتر حرفه حسابداری نشان می‌دهد که تا وقتی کلیشه‌ها به

چالش کشیده نشوند، عدم تقارن جنسیتی به قوت خود باقی خواهد ماند. بر اساس نظر چن و همکاران (۲۰۱۶)، تفاوت‌های جنسیتی در اخلاق بیشتر تحت سیطره بُعد فرهنگی تساوی جنسیتی، قرار دارد. از همین رو، محققان باید پژوهش‌های زیادی را در رابطه با موقعیت زنان انجام دهند تا به بهبود وضعیت زنان در حرفه حسابداری منجر شود.

به‌طور کلی، اگرچه توافقی در مورد تفاوت‌های جنسیتی در رفتار اخلاقی وجود ندارد، برخی مطالعات نشان داده‌اند که زنان در موقعیت‌های اخلاقی کسب و کار بیشتر از مردان تمایل به انجام رفتارهای اخلاقی دارند. بر همین مبنا، مطالعات فراوانی در زمینه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی انجام شده است، اما تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی، در داخل کشور مطالعه نشده است و از آنجا که آگاهی از چنین تأثیری به مدیران شرکت‌ها و شرکای حسابرسی این امکان را می‌دهد که برنامه حسابرسی و تقسیم کار بین اعضای تیم حسابرسی را با کارآیی بیشتری تنظیم کنند، در پژوهش حاضر، ابتدا ویژگی‌های فردی و مهارت‌هایی که برای حرفه حسابرسی بسیار مهم هستند، در نظر گرفته شده و سپس تفاوت‌های جنسیتی بالقوه در این مهارت‌ها، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت، به مسئله رابطه بین جنسیت و کیفیت گزارشگری حسابرسی نیز پرداخته خواهد شد.

مروری بر پیشینه پژوهش

با بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش ملاحظه گردید که از نظر محققان، عوامل متعددی بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذارند. متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش با توجه به پژوهش‌های قبلی که در داخل و سایر کشورها انجام شده و وجود ارتباط بین آنها مورد تأیید قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه میان کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی و بررسی نقش تعدیلگر جنسیت در رابطه میان کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. تاکنون پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده است.

داداشی و نوروزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری پرداختند. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ انتخاب گردید. اثربخشی کمیته

حسابرسی توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر تخصص مالی، استقلال، جنسیت حسابرس، اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز از طریق متغیرهای مشاهده‌پذیر درصد سهامداران نهادی، نوع اظهارنظر، تخصص صنعت، اندازه و دوره تصدی حسابرس اندازه‌گیری شد. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی مستقل را افزایش می‌دهد.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر کیفیت سود پرداختند. هدف مطالعه، بررسی تأثیر حضور حداقل یک نماینده زن در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی (تنوع جنسیتی) بر کیفیت سود از طریق تحلیل داده‌های ۱۵۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۵-۱۳۹۱) بوده است. روش گردآوری داده‌ها آرشویی بود و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون با رویکرد داده‌های ترکیبی نامتوازن استفاده شد. یافته‌ها حاکی از تأثیر معنادار حضور زنان در کمیته حسابرسی بر کیفیت سود بود، اما در مقابل نتایج پژوهش نشان داد که تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره تأثیر معناداری بر کیفیت سود شرکت‌ها ندارد.

گارسیا-بلاندان و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی این موضوع پرداختند که «آیا جنسیت بر روی کیفیت خدمات حسابرسی تأثیر دارد؟» نمونه‌ای از شرکت‌های ثبت‌شده در اسپانیا بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ با استفاده از کیفیت گزارشگری مالی مشتری به‌عنوان شاخصی برای کیفیت خدمات حسابرسی، مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت حسابرس زن بر کیفیت گزارشگری حسابرسی است. اگرچه آمارها نشان می‌دهد که زنان و مردان تمایل به انواع مختلفی از مشتریان دارند، اما نتایج این پژوهش‌ها نشان‌دهنده این تفاوت نبود. علاوه بر این، تأثیر جنسیت از اولین سال انتصاب حسابرس زن برای جایگزینی حسابرس مرد اتفاق می‌افتد.

کونگ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر ترکیب جنسیتی در حسابداری مشترک مدیریت درآمد، پرداختند. محققان از محیط سازمانی منحصر به فرد کشور تایوان استفاده کردند که در آن حسابرسان متقاضی، طبق قانون جذب می‌شوند. این بررسی باهدف دستیابی به اهداف گزارشگری مالی بوده است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که جذب یک زن به‌عنوان حسابرس

سرپرست، می‌تواند مدیریت درآمد اقدام تعهدی را بدون در نظر گرفتن اینکه آیا حسابرسی کمکی مرد یا زن است، محدود کند. همچنین، محققان دریافتند که تمام حسابرسان مرد دارای حق امضا یا تخصص صنعتی می‌تواند باعث کاهش مدیریت درآمد اقدام تعهدی شوند.

الجاباساح و یکینی (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی به بررسی تنوع جنسیتی در کیفیت حسابرسی با استفاده از ۱۰۳۵ مشاهده سالانه شرکت پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که تنوع جنسیتی تاثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی ندارد.

وانگ و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از یک نمونه از شرکت‌های فهرست شده چینی، نشان دادند که تنوع جنسیتی هیات‌مدیره، مسئولیت محیطی را بهبود می‌بخشد، به خصوص زمانی که اعضای زن هیات‌مدیره جایگاه‌های قدرت را در اختیار دارند. با این حال، تاثیر مثبت اعضای زن هیات‌مدیره در استان‌هایی که نسبت جنسیت مرد به زن در هنگام تولد بیشتر است، تضعیف می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی، اثربخشی هیات‌مدیره بر مسئولیت محیطی افزایش می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به بیان مسئله و مدل پژوهش، فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

۱. بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. جنسیت رابطه بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از بعد اجرا از نوع توصیفی - همبستگی بوده و از بعد هدف، پژوهشی کاربردی می‌باشد و از آنجا که در پژوهش، به بررسی وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات از طریق اطلاعات گذشته اقدام شده است، در ردیف مطالعات توصیفی - پس رویدادی قرار می‌گیرد.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد. داده‌های مربوط به فرضیه‌ها و متغیرهای موردنیاز جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از اسناد و مدارک بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار

ره آورد نوین، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و نیز لوح فشرده موجود، استخراج گردید و همچنین داده‌ها در اکسل جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار Eviews مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش از شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ تشکیل شده است. از جامعه مزبور با استفاده از روش حذفی (سیستماتیک) نمونه‌گیری انجام شد که با توجه به محدودیت‌های احتمالی اطلاعات جامعه آماری مورد بررسی، در انتخاب نمونه موارد زیر در نظر گرفته شد:

- شرکت‌ها باید در طول دوره‌ی مورد بررسی تداوم فعالیت داشته باشند.
- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی و بیمه‌ای نباشند.
- شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
- وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند.
- اطلاعات مالی مورد نیاز در دسترس باشد.
- در نهایت ۹۹ شرکت به عنوان نمونه، انتخاب گردید.

مدل پژوهش

با توجه به پژوهش پژوهش گارسیا-بلاندان و همکاران (۲۰۱۹)، مدلی که برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش طراحی شده است به شرح زیر است:

$$\text{Audit Fees}_{i,t} = \beta_1 \text{ACCRUALS}_{i,t} + \beta_2 \text{FEMALE}_{i,t} + \beta_3 (\text{ACCRUALS}_{i,t} \times \text{FEMALE}_{i,t}) + \beta_4 \text{BIG4}_{i,t} + \beta_5 \text{LSALES}_{i,t} + \beta_6 \text{CFO}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{LAG_LOSS}_{i,t} + \beta_9 \text{GROWTH}_{i,t} + \beta_{10} \Delta \text{PPE}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

الف) متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی ($\text{Audit Fees}_{i,t}$): لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی است. این هزینه‌ها شامل کل هزینه‌های حق الزحمه حسابرسی پرداخت شده به حساب‌سان در طول سال مالی (به‌غیر از هزینه‌های خدمات غیر حسابرسی)، می‌باشد.

(ب) متغیر مستقل

اقدام تعهدی اختیاری ($ACCRUALS_{i,t}$) این متغیر نماینده کیفیت گزارشگری مالی است که به عنوان کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. به این دلیل که اگر کیفیت حسابرسی قوی باشد، گزارشگری حسابرسی نیز با کیفیت می گردد. به همین دلیل، نماینده کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می شود. مطابق با مطالعات قبلی (ایتون و همکاران، ۲۰۱۳؛ نیسکانن و همکاران، ۲۰۱۱)، در این پژوهش کیفیت گزارشگری مالی با تعهدات اختیاری اندازه گیری می شود که شاخصی متداول برای دستکاری حسابداری است. همانند این مطالعات، در این مطالعه نیز فرض می شود که حسابرسان با کیفیت بالا با کاهش استفاده مشتری از تعهدات اختیاری به منظور هدف دستکاری حسابداری، منجر به بالا رفتن کیفیت گزارشگری مالی می شوند. برای برآورد تعهدات اختیاری، از رویکرد پیشنهادی فرانسیس و وانگ (۲۰۰۸) استفاده شده است. بر این اساس، ابتدا مجموع تعهدات به عنوان درآمد خالص عملیاتی منهای جریان های نقدی عملیاتی که از طریق مجموع دارایی های معوقه به دست آمده، محاسبه می گردد. سپس تعهدات اختیاری به عنوان مجموع تعهدات در سال t منهای تعهدات پیش بینی شده برای سال t تعریف می گردد. برای این منظور، از مدل های جونز برای این کار استفاده شده است (دیچاو و همکاران، ۱۹۹۵؛ جونز، ۱۹۹۱؛ کوثری و همکاران، ۲۰۰۵).

(ج) متغیر تعدیل گر

جنسیت حسابرِس در قالب حسابرِس مرد- زن (FEMALE)، متغیر ساختگی که اگر حداقل یکی از امضاء کنندگان گزارش حسابرسی زن باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر، لحاظ می شود.

(د) متغیرهای کنترل

اندازه مؤسسه حسابرسی ($BIG4_{i,t}$) برای شرکت هایی که توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی می شوند برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر، می باشد.

فروش شرکت ($LSALE_{i,t}$) برابر است با لگاریتم فروش شرکت در سال جاری.

جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت ($CFO_{i,t}$) حاصل از عملیات که به‌طور مستقیم از صورت جریان وجوه نقد گرفته شده است.

اهرم مالی ($LEV_{i,t}$) عبارت است از نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌های شرکت به کل دارایی‌های شرکت. متغیر زیان ناگهانی ($LAG_LOSS_{i,t}$) متغیری ساختگی که اگر مشتری درآمد منفی را قبل از موارد فوق‌العاده در سال قبلی گزارش کند عدد ۱ و در غیر این صورت صفر، لحاظ می‌شود.

رشد شرکت ($GROWTH_{i,t}$) برابر است با تفاضل درآمد فروش در سال جاری و درآمد فروش در سال قبل تقسیم بر درآمد فروش در سال قبل.

اموال و تجهیزات شرکت ($PPE_{i,t}$) از اختلاف بین دارایی‌های ناخالص سال جاری و سال قبل به دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

خلاصه آمارهای توصیفی متغیرهای استفاده‌شده در این پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	پیشینه	کمینه	انحراف معیار
حق‌الزخمه حسابرسی	۲/۵۴۳	۲/۳۹۸	۵/۵۴۴	۰/۰۰۸	۰/۹۵۸
اقدام تعهدی اختیاری	۵/۳۶۵	۵/۷۶۵	۶۸/۸۹	-۴/۹۴۳	۳/۸۵۶
جنسیت	۰/۰۹۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۵۶۷	۰/۰۰۰	۶۸/۶۵۴	۰/۰۰۰	۱/۷۶۵
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۹۹۸	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۵
فروش شرکت	۶/۱۶۵	۶/۱۲۴	۸/۸۹۷	۳/۹۳۵	۰/۴۸۸
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۲۳۴	۰/۱۴۰۵	۶۷۲۹۳	۰/۴۷۷۴	۴۴۴۲
اهرم مالی	۰/۶۰۱	۰/۵۹۴	۲/۷۰۱	۰/۰۱۲	۰/۳۶۱
زیان ناگهانی	۰/۷۰۸	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۹
رشد	-۰/۷۹۱	۰/۰۸۱	۰/۹۷۰	-۴۱/۵۴۳	۴/۰۹۰
اموال و تجهیزات	۳۸۷۲	۵۹۷	۶۸۶۴	-۴۱۳۳	۴۳۶۰

آزمون مانایی

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل‌های نهایی به شرح جدول ۲ است.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی

نتیجه آزمون	آزمون لوین، لین و چو		متغیر
	احتمال	آماره	
پایا است	۰/۰۰۰	-۶۵/۷۴۳	حق الزحمه حسابرِس
پایا است	۰/۰۰۰	-۲۹/۸۷۳	اقلام تعهدی اختیاری
پایا است	۰/۰۰۰	-۱۸/۹۸۷	جنسیت زن
پایا است	۰/۰۰۰	-۱۸/۳۲۱	اقلام تعهدی اختیاری * جنسیت (زن)
پایا است	۰/۰۰۰	-۲۸/۹۶۵	اندازه مؤسسه حسابرِس
پایا است	۰/۰۰۰	-۷۹/۲۱۲	فروش شرکت
پایا است	۰/۰۰۰	-۲۱/۶۵۳	جریان نقدی عملیاتی
پایا است	۰/۰۰۰	-۸۱/۰۴۳	اهرم مالی
پایا است	۰/۰۰۰	-۲۳/۲۱۲	زیان عملیاتی
پایا است	۰/۰۰۰	-۴۳۲/۵۳۲	رشد
پایا است	۰/۰۰۰	-۶۸/۴۳۲	اموال و تجهیزات

آزمون ناهمسانی واریانس مدل‌های پژوهش

در این پژوهش آزمون ناهمسانی واریانس اجرا شده که نتایج این آزمون برای مدل پژوهش در جدول ۳ ارائه گردیده است. که در این آزمون فرض صفر بیانگر وجود ناهمسانی واریانس بین اجزا اخلال و فرض مقابل وجود ناهمسانی واریانس است.

جدول (۳): خروجی آزمون ناهمسانی واریانس مدل پژوهش

روش‌های آزمون	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معناداری
بارتلت	۱۰	۴/۳۲۱	۰/۰۰۰
لوین	(۱۰/۵۴۳۱)	۵۲/۶۷۵	۰/۰۰۰
برون فورسیت	(۱۰/۵۴۳۱)	۱۶/۹۷۶	۰/۰۰۰

همانطور که مشاهده می‌شود، در تمامی روش‌ها مقدار احتمال (سطح معنی‌داری) برابر با ۰/۰ شده است که کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس رد شده و فرضیه مقابل آن مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس پذیرفته می‌شود. با توجه به وجود ناهمسانی واریانس از حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای رفع آن استفاده می‌شود.

تحلیل فرضیه‌ها و آزمون مدل‌های پژوهش

نتایج آزمون F لیمر (چاو) و هاسمن

قبل از ورود به بحث تخمین و تجزیه و تحلیل مدل، لازم است در ابتدا نحوه انتخاب مدل برآورد با استفاده از آزمون F لیمر و هاسمن مشخص شود. نتیجه آزمون F لیمر مدل (چاو) و آزمون هاسمن در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به اینکه آماره آزمون بزرگتر از نقطه بحرانی (سطح اطمینان ۹۵ درصد) به‌دست آمده است یا به عبارت دیگر مقدار احتمال (سطح معنی‌داری آماره) کوچکتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است، در نتیجه فرضیه مبتنی بر استفاده از مدل تلفیقی یا تجمعی رد می‌شود. بنابراین باید از روش داده‌های تابلویی برای تخمین مدل استفاده شود. همچنین، با توجه به نتایج خروجی آزمون هاسمن، مشاهده می‌شود برآورد مدل پژوهش به روش اثرات ثابت می‌باشد.

جدول (۴): خروجی آزمون F لیمر و هاسمن مدل پژوهش

اثر تست	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
Cross-Section F	۶۴۳/۵	(۹۸/۳۸۳)	۰/۰۰۰
Cross-Section Random	۲۲/۳۲۲	۱۰	۰/۰۰۱

بررسی فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه ۱: بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: جنسیت رابطه بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند.

نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش برای فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش اثرات ثابت و در نظر گرفتن ناهمسانی واریانس و رفع آن با استفاده از حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل پژوهش

متغیر	سطح معناداری	t-statistic	انحراف معیار	ضریب متغیر
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۰۰۱	۲/۵۳۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳۲
جنسیت زن	۰/۵۸۱۱	-۰/۷۸۰	۰/۲۱۵	-۰/۰۶۳
اقدام تعهدی* جنسیت(زن)	۰/۲۵۴	۰/۹۴۵	۰/۰۳۴	۰/۰۳۲
اندازه شرکت	۰/۱۱۶	-۱/۳۶۷۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۳۰
فروش شرکت	۰/۰۰۰	۱۰/۶۴۳	۰/۰۴۲	۰/۴۵۴
جریان نقد عملیاتی	۰/۰۲۴	۲/۱۷۱	۱/۰۳E-۰۸	۲/۱۱E-۰۸
اهرم مالی	۰/۰۰۰	۳/۳۵۸	۰/۰۵۳	۰/۴۶۵
زیان ناگهانی	۰/۷۸۸	-۰/۳۴۲	۰/۰۳۲	-۰/۰۵۶
رشد	۰/۳۲۷	-۰/۹۸۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷
اموال و تجهیزات	۰/۰۳۲	۲/۸۶۵	۷/۵۵E-۰۹	۱/۸۲E-۰۸
R ² تعدیل شده	۰/۵۹۱	آماره F	۱۲۱/۸۶۴	۰/۹۷۵
R ²	۰/۷۸۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۹۶۹
آماره دوربین- واتسون		۱/۸۳۲		

همانطور که ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج تخمین مدل پژوهش، با توجه به سطح معناداری آماره F مشخص می‌شود که مدل با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید شده است. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون در بازه بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که نشان از عدم خودهمبستگی بین خطاها است. ضریب تعیین تعدیل شده متغیرهای استفاده شده در مدل نشان می‌دهد، مجموعاً کیفیت حسابرسی، ۹۶/۲ درصد از واریانس حق الزحمه حسابرسی را در جامعه آماری تبیین می‌کنند و در سطح معناداری ۹۵٪ فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

نتایج تخمین فرضیه دوم نیز حاکی از آن است که متغیر تعاملی حسابرس زن و کیفیت حسابرسی با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد و مقدار t کمتر از ۱/۹۶ در سطح معناداری ۹۵٪، رابطه

معناداری با حق الزحمه حسابرسی ندارد. به عبارتی، متغیر جنسیت به عنوان یک متغیر تعدیلی رابطه میان حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را تعدیل نمی‌نماید و فرضیه دوم تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی اثر تعدیلی جنسیت حسابرس بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شد. نتایج حاکی از آن بود که بین متغیر کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به بازار حسابرسی و نوع رفتار حسابرس در مواجهه با صاحبکاران در هنگام عقد قرارداد انجام خدمات، همواره این ایده مطرح است که حسابرسان بر اساس چه اقدامی و اصولی حق الزحمه حسابرسی خود را تعیین می‌کنند. همواره حسابرسانی که در صنعت حسابرسی تخصص دارند و از ویژگی‌ها و وضعیت یک صنعت خاص اطلاع و آگاهی دارند، این صنایع را در بهترین وضعیت قرار داده‌اند، زیرا شناخت آنها از خطرات پیرامون فعالیت صنعت و راه کارهای آنها، موجب برون‌رفت از بحران‌های مالی شده است. بنابراین، تخصص حسابرس در صنعت به عنوان معیاری که هم کیفیت و کارایی حسابرسی را افزایش می‌دهد، باید همواره مورد توجه قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سهامداران باشد. همچنین، تخصص حسابرس در صنعت به عنوان یکی از عوامل فزاینده کیفیت خدمات حسابرسی، موجب افزایش حق الزحمه خدمات حسابرسی می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش از آنجایی که کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی دارای اثر مثبت و معنادار است، بنابراین برای دستیابی به کیفیت بالای حسابرسی در ایران لازم است بیشتر مؤسسات حسابرسی بیشتر بها داده شود و زمینه برای رقابت این مؤسسات با سازمان حسابرسی فراهم شود. به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در پرداخت حق الزحمه‌های حسابرسی، به کیفیت کار آنها نیز توجه نمایند. به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان مقام ناظر بر بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌شود تا الزاماتی وضع نمایند که شرکت‌ها را ملزم به افشای جزئیات حق الزحمه حسابرسی نموده تا بدین ترتیب، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران، بتوانند تحلیل درست‌تری از شرکت‌ها داشته باشند.

بررسی نتایج این پژوهش نشان داد که تنوع جنسی بر رابطه میان کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معنی‌داری ندارد. به عبارتی آنچه در اعضای کمیته حسابرسی اهمیت دارد تخصص

حسابرسان، فارغ از جنسیت آنها است و این تخصص است که نقش تعیین کننده‌ای در حق الزحمه حسابرسان دارد. بنابراین، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در انتخاب کمیته حسابرسان خود به تخصص حسابرسان توجه کافی داشته باشند.

از جمله پیشنهادات برای انجام پژوهش‌های آینده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری مدل پژوهش نشان داد که متغیرهای توضیحی مدل به طور کلی حدود ۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. اگرچه میزان ضریب تعیین مدل، درصد بالایی است، اما میزان آن در هر یک از بخش صنعت و تاثیر آن در صنایع مختلف بر رقم کلی، آزمون نشده است. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی، این متغیرها به تفکیک صنایع مختلف در بورس اوراق بهادار تهران نیز آزمون گردند.

۲. به منظور آزمون جامعیت نتایج پژوهش، با استفاده از سایر روش‌های آماری (تحلیل عاملی، رگرسیون و...) و طرح پژوهش متفاوت از آنچه در این پژوهش به کار رفت، تاثیرگذاری متغیرهای مستقل استفاده شده همراه با متغیرهایی، مثل سودآوری شرکت، اهرم مالی، ترکیب مالکیت شرکت، ترکیب تیم حسابرسان، کیفیت حسابرسان تعداد اسناد حسابداری و... به شیوه ای جامع بررسی شود.

۳. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود با بررسی ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسان پردازند، زیرا رابطه بین این دو متغیر ممکن است از عوامل تعدیل کننده ساختاری، نظیر جنسیت حسابرسان، آشنایی حسابرسان با واحد مورد رسیدگی و یا تغییرات در محیط تأثیر گیرد.

منابع

- Alavi Tabari, S. H., V. Mojtahedzadeh and N. Bakhtiari. (2012). The effect of auditor gender on the quality of independent auditing. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 4(13): 43-21. (in Persian)
- Alhababsah, S., & Yekini, S. (2021). Audit committee and audit quality: An empirical analysis considering industry expertise, legal expertise and gender diversity. *Journal of international Accounting, Auditing and Taxation*, 42, 100377.
- Abbott, L. J., Parker, S., & Presley, T. J. (2012). Female board presence and the likelihood of financial restatement. *Accounting Horizons*, 26(4), 607-629.
- Bengtsson, C., Persson, M., & Willenhag, P. (2005). Gender and overconfidence. *Economics letters*, 86(2), 199-203.
- Bernardi, R. A., & Arnold Sr, D. F. (1997). An examination of moral development within public accounting by gender, staff level, and firm. *Contemporary Accounting Research*, 14(4), 653-668.
- Broadbent, J., & Kirkham, L. (2008). Glass ceilings, glass cliffs or new worlds? Revisiting gender and accounting. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(4), 465-473
- Byrnes, J. P., Miller, D. C., & Schafer, W. D. (1999). Gender differences in risk taking: A meta-analysis. *Psychological bulletin*, 125(3), 367-383
- Charness, G., & Gneezy, U. (2012). Strong evidence for gender differences in risk taking. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 83(1), 50-58.
- Chung, J., & Monroe, G. S. (2001). A research note on the effects of gender and task complexity on an audit judgment. *Behavioral Research in Accounting*, 13(1), 111-125.
- Chen, C. W., Velasquez Tuliao, K., Cullen, J. B., & Chang, Y. Y. (2016). Does gender influence managers' ethics? A cross-cultural analysis. *Business Ethics*, 25(4), 345-362.
- Dadashi, I. and M. Norouzi. (2018). Presenting a model to explain the effectiveness of the audit committee and the quality of auditing based on structural equations, *Journal of Empirical Research in Accounting*, 8(4): 272-251. (in Persian)
- Dambrin, C., & Lambert, C. (2012). Who is she and who are we? A reflexive journey in research into the rarity of women in the highest ranks of accountancy. *Critical Perspectives on Accounting*, 23(1), 1-16.

- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting review*, 70(2), 193-225.
- Francis, J. R., & Wang, D. (2008). The joint effect of investor protection and Big 4 audits on earnings quality around the world. *Contemporary accounting research*, 25(1), 157-191.
- Garcia-Blandon, J., Argilés-Bosch, J. M., & Ravenda, D. (2019). Is there a gender effect on the quality of audit services?. *Journal of Business Research*, 96, 238-249.
- Gul, F. A., Srinidhi, B., & Ng, A. C. (2011). Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices?. *Journal of accounting and Economics*, 51(3), 314-338.
- Hazrati, F and Z. Pahlavan. (2012). Relationship between the quality of audit reports and audit fees in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*. 5(14): 13-24. (in Persian)
- Itonen, K., Vähämaa, E., & Vähämaa, S. (2013). Female auditors and accruals quality. *Accounting Horizons*, 27(2), 205-228.
- Jamei, R. and G. Najafi. (2019). Study of the relationship between corporate social responsibility disclosure and audit fees. *Knowledge of Financial Accounting*. 6(1): 161-137.
- Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of accounting research*, 29(2), 193-228.
- Kazemi, M., M. Abdi and M. Imani Brandagh. (2019). Study of the effect of gender diversity in the board of directors and the audit committee on earnings quality. *Accounting Knowledge*. 10(1):168-137.
- Khlif, H., & Achek, I. (2017). Gender in accounting research: a review. *Managerial Auditing Journal*. 32(6), 627-655
- Khodadadi, V., M.H. Qalambar and A. Cheraghinia. (2016). Study of the effect of profit-sharing policy on the relationship between earnings quality and audit fees. *Financial Accounting Knowledge*. 5(3): 133- 111.
- Kung, F. H., Chang, Y. S., & Zhou, M. (2019). The effect of gender composition in joint audits on earnings management. *Managerial Auditing Journal*.
- Mashayekhi, B, S. Hassanzadeh, Y. Amini and V. Manti. (2016). The effect of internal audit quality on the cost of independent auditing. *The Financial Accounting and Auditing Researches*. 8(31): 56-41. (in Persian)

- Niskanen, J., Karjalainen, J., Niskanen, M., & Karjalainen, J. (2011). Auditor gender and corporate earnings management behavior in private Finnish firms. *Managerial Auditing Journal*.26(9),778-793
- O'Donnell, E., & Johnson, E. N. (2001). The effects of auditor gender and task complexity on information processing efficiency. *International Journal of Auditing*, 5(2), 91-105.
- Roxas, M. L., & Stoneback, J. Y. (2004). The importance of gender across cultures in ethical decision-making. *Journal of Business Ethics*, 50(2), 149-165.
- Sevrikozi, A., & Tzika, V. (2018). The link between CSR and Audit Fees: Are Audit Fees associated with CSR?.International Hellenic university.
- Vaez, A., M.R. Ahmadi and M. Rashidi. (2014). The effect of audit quality on the audit fee of listed companies. *Knowledge of Financial Accounting*. 1(1): 107-87.
- Wang, Y., Yu, M., & Gao, S. (2021). Gender diversity and financial statement fraud. *Journal of Accounting and Public Policy*, 106903
- Welsh, M. J. (1992). The construction of gender: some insights from feminist psychology. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 5(3), 0-0.

Analyzing the Moderating Effect of the Auditor's Gender on the Relationship between Audit Quality and Audit Fees¹

Zahra Grandel², Keyhan Azadi³

Received: 2021/06/05

Accepted: 2021/08/24

Research Paper

Abstract

This study deals with the moderating effect of the auditor's gender on the relationship between audit quality and audit fees. The audit fee is effective for appropriate and high-quality planning and executing financial auditing. Studying the factors affecting audit fees, and the impact of audit quality and gender on it, is important. In this regard, this study examines the moderating role of gender in the relationship between audit quality and audit fees. This research is an applied study based on the purpose, and it is descriptive research with an emphasis on the correlation. Moreover, the data collection method is the library, and Eviews was used for data analysis. In this study, the Multiple Linear Regression Model has been used to test the hypotheses. The statistical population of this study is all companies listed on the Tehran Stock Exchange for the period of 2014 to 2019 that 99 companies were selected as a sample. The results indicate that the quality of the audit has a positive and significant effect on the audit fees. The results also showed that gender of the auditor as a moderating variable is no effect on the relationship between audit quality and audit fees in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Keywords: Audit Fees, Audit Quality, Gender of Auditor.

JEL classification: M41·M42

1. DOI: 10.22051/JAACSI.2021.33809.1611

2. MSc of Accounting, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.
(zahragrandel@gmail.com)

3. Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.
Corresponding Author. (ka.cpa2012@yahoo.com)

The Moderating Role of Corporate Social Responsibility on the Relationship between Bank Loan Guarantee and Audit Fees¹

Mohammad Mirdrikvandi², Masoud Taherinia³

Received: 2021/06/22

Accepted: 2021/08/22

Research Paper

Abstract

Banks and credit institutions obtain bank loans and guarantees in return for lending to business units. As companies increase the level of loan guarantees, the legal responsibilities associated with it, increase. In such cases, independent auditors should design and implement a more coherent and robust program to assess and determine audit risk. The purpose of this study is to investigate the moderating role of corporate social responsibility on the relationship between bank loan guarantee and audit fees of companies listed on the Tehran Stock Exchange. For this purpose, financial information of 100 companies during the period of 2010 to 2020 has been prepared by the method of combined data analysis, and has been analyzed using econometrics software (Eviews8). The findings of this study show that there is no significant relationship between bank loan guarantee and company audit fee. Disclosure of social responsibilities also has a moderating effect on the relationship between bank loan guarantee and the company's audit fees and by entering the social responsibility variable, increasing the bank loan guarantee leads to an increase in auditing fees.

Keywords: corporate social responsibility, bank loan guarantee Auditing Fees.

JEL classification: M41, G21.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2021.36764.1629

2. MSc of Accounting, Lorestan University, Khoramabad, Iran, (mohammadmirdrikvandi7394@gmail.com)

3. Assistant Professor of Accounting, Lorestan University, Khoramabad, Iran, Corresponding Author
(taherinia.m@lu.ac.ir)

Relationship between Overconfidence of Managers and Research and Development Spending with Emphasis on Related Party Transactions in Pharmaceutical Companies Listed on the Tehran Stock Exchange¹

Reza Jamei², Siamak Ranjouri³, Niloufar Mohammadi Kelareh⁴

Received: 2021/06/18

Accepted: 2021/09/01

Research Paper

Abstract

The need for medicine and medical services is one of the basic needs in today's society. In order to meet these needs and provide the desired budget, companies are required to invest in research and development, which allocation and decision on these resources and budgets to achieve the desired goals are among the duties of managers and also dealing with affiliates because of specific policies and perspectives can influence research and development decisions and managers' distrust. This study is an applied descriptive correlational study. In order to achieve the goal of the research, 21 pharmaceutical companies were selected from the companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2010 to 2018. Multivariate regression model was used to test the research hypotheses and generalized least squares method was used for fitting the regression model. The findings suggest that there was a positive and significant relationship between overconfidence of managers and research and development spending. Related party transactions weaken the relationship between overconfidence of managers and research and development spending. The findings of the present study showed that due to the fact that medicine and treatment play an important role in today's societies, the existence of overconfident managers leads to allocate more budget to research and development spending. The incentive to investing in research and development spending, is reduced to such an extent through related party transactions that it can be effective in implementing these tasks.

Keywords: Management Overconfidence, Related Party Transactions, Research and Development Spending.

JEL classification: O32, M12.

1. DOI: 10.22051/JAACSI.2021.31594.1591

2. Associate Professor of Accounting, University of Kurdistan, Sunandaj, Iran. Corresponding Author (jamei@uok.ac.ir)

3. MSc of Accounting, University of Kurdistan, Sunandaj, Iran. (siamak.ranjouri@gmail.com)

4. MSc of Accounting, University of Kurdistan, Sunandaj, Iran. (nilo.mohamadi.2017@gmail.com)

The Effect of CEO Confidence on Corporate Social Responsibility; With Role of Moderating of Institutional Ownership in Firms Listed in Tehran Stock Exchange¹

Abdolrasoul Rahmanian Koushkaki², Zahra Imanrooy³

Received: 2021/06/24

Accepted: 2021/09/06

Research Paper

Abstract

Corporate social responsibility is very important and has strategic consequences in companies. Large companies invest in corporate social responsibility activities in important capital markets such as the stock market. Nowadays, CSR has become increasingly significant for a wide range of organizations and for the managers that work within them. Thus, this research aims to describe the effect CEO confidence on corporate social responsibility; with role of moderating of institutional ownership in firms listed in Tehran Stock Exchange. This study is applied research and quasi-experimental nature, and the method employed is an ex-post facto design in which the effects of CEO confidence on corporate social responsibility; with role of moderating of institutional ownership in firms has been investigated. To this end, two hypotheses were defined in the study. In order to test the hypotheses of the study, the statistical measure of Multivariate Linear Regression Analysis has been employed. The type of data utilized to test the respective research hypotheses was panel data. Sample of the study was included 93 firms listed in Tehran Stock Exchange whose data were investigated over years 2006 to 2015. According to the results of the study, CEO confidence has an effect on corporate social responsibility. Also, institutional ownership as a moderating variable, has an effect on the intensity of relationship between CEO confidence and corporate social responsibility. Senior executive managers (CEO) who are overconfident, invest less in corporate social responsibility activities.

Keywords: Corporate Social Responsibility, Institutional Ownership, Over Confidence of CEO.

JEL classification: M41

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2021.36283.1626

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.
Corresponding Author (abr.rahmanian@gmail.com)

3. Master Student of Accounting, Zand Shiraz Higher Education Institute, Shiraz, Iran.
(Zimanrooy@yahoo.com)

Standards on the Quality of Financial Reporting in the Public Sector: A Case Study of the Ministry of Economy and Finance¹

Parisa Saadat Behbahaninia², Soodabe Gholamnejad^{*}

Received: 2019/10/20

Accepted: 2020/01/04

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of effective internal auditing and implementation of public sector accounting standards on the quality of financial reporting in the public sector with a case study of the Ministry of Economy and Finance. The statistical population in this study includes all experts of the Ministry of Economy and Finance, who were selected using with the available sampling method. A researcher-made questionnaire was used to collect information. T-test and SMART PLS software were used to analyze the data. The results show that the performance of internal auditing has a significant positive effect on the quality of financial reporting in the public sector; According to experts, the component of internal audit policies and procedures and resource management has the greatest impact on the quality of financial reporting in internal audit. In addition, the results showed that the implementation of accrual public sector accounting standards has a significant effect on the quality of financial reporting. Accordingly, it is suggested that the establishment of internal auditing units in public sector organizations be put on the agenda.

Keywords: Internal Auditing, Internal Control, Financial Reporting Quality, Public Sector Accounting Standards.

JEL classification: M41, M48

1. DOI: 10.22051/JAACSI.2021.38745.1653

2. Assistant Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author (P.behbahaninia@alzahra.ac.ir)

3. MSc of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (s.gholamnejad@student.alzahra.ac.ir)
jaacsi.alzahra.ac.ir

The Effect of Political Connections with the Government on the Relationship between CEO Power and Capital Structure in Companies¹

Mohammad Ali Aghaei², Ali Fateri³, Soraya Weysihsesar⁴

Received: 2021/06/15

Accepted: 2021/08/11

Research Paper

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the effect of political connections with the government on the relationship between CEO power and capital structure decision making in companies listed in Tehran Stock Exchange. To this purpose, the CEO task duality criteria, CEO tenure and CEO ownership percentage were used to measure CEO power. Benchmarks such as book value leverage, market value leverage, short-term leverage and long-term leverage were used as capital structure representatives. Research hypotheses based on a statistical sample consisting of 106 companies during an 8-year period from 2011 to 2018 were tested using multivariate regression models. The results of the test showed that there is a positive and significant relationship between CEO power and capital structure (book value leverage, market value leverage, and short-term leverage). Also, there is a negative and significant relationship between the CEO power and the capital structure (long-term leverage). In addition, the relationship between CEO power with book value leverage, market value leverage and short-term leverage in companies with political relations is weaker. Finally, the effect of political relationship with the government on the relationship between CEO power and long-term leverage is inversely significant.

Keywords: Capital Structure, CEO power, Political Relations with the Government.

JEL classification: G34 +H63

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2021.31590.1592

2. Associate Professor of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (aghaeim@modares.ac.ir)

3. Ph.D. Student of Accounting, Kish International Campus, University of Tehran, Iran. Corresponding Author. (Ali.fateri@ut.ac.ir)

4. MSc. of Accounting, KAR Higher Education Institute, Qazvin, Iran. (soraiaweysihsesar@yahoo.com)

Table of content

The Effect of Political Connections with the Government on the Relationship between CEO Power and Capital Structure in Companies1

Mohammad Ali Aghaei, Ali Fateri, Soraya Weysihsar

Standards on the Quality of Financial Reporting in the Public Sector: A Case Study of the Ministry of Economy and Finance.....31

Parisa Saadat Behbahaninia, Soodabe Gholamnejad

The Effect of CEO Confidence on Corporate Social Responsibility; With Role of Moderating of Institutional Ownership in Firms Listed in Tehran Stock Exchange49

Abdolrasol Rahmanian Koshkaki, Zahra Iman Roy

Relationship between Overconfidence of Managers and Research and Development Spending with Emphasis on Related Party Transactions in Pharmaceutical Companies Listed on the Tehran Stock Exchange69

Reza Jamei, Siamak Ranjouri, Niloufar Mohammadi Kelareh

The Moderating Role of Corporate Social Responsibility on the Relationship between Bank Loan Guarantee and Audit Fees89

Mohammad Mirdrikvandi, Masoud Taherinia

Analyzing the Moderating Effect of the Auditor's Gender on the Relationship between Audit Quality and Audit Fees.....107

Zahra Grandel, Keyhan Azadi

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting, and Society Interests

Fall 2021, Volume 11, Issue Number 3, Number 42

Journal of

Accounting, and Society Interests

Licence Holder: Alzahra University

Director: Rahmani Ali, Prof. Alzahra University

Editor in chief: Kordestani, Gholamreza Professor,
Imam Khomeini University

Executive Manager: Behbahaninia Parisa
Saadat, Assistant Prof. Alzahra University

Editorial Board:

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University

Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University

Rahmani Ali, Professor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis

University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof.
of Alzahra University

Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University

Homayoun Saeid, Professor of Gavle University

Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford
University Business School

Executive Manager: Pakkhesal, Azam

Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa Saadat

Literally editor: Taheri, Mandana

English Editor: Taheri, Mandana

Cover Designer: Samadian, Maryam

Lay out editor: Marzieh Hasanzadeh Aliabadi

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran - Iran.

P. O Box 1993893973

Tel: (+9821) 85692421- 85692745

Fax: 88252178

Website: <http://jaacsi.alzahra.ac.ir/>

Email: jaacsi@alzahra.ac.ir